

سرانجام پس از جنجال‌های فضای مجازی و با پیگیری‌های قدس، سازمان حج و زیارت اعلام موضع کرد

«عمره تفریحی» تکذیب شد



سیدحسین حسینی | خبر «عمره تفریحی» که پتجشنیه منتشر شد، معلوم بود حرف و حدیث فراوانی به راه خواهد انداخت. شاید اگر خبر را جایی غیر از «خبرگزاری فارس» منتشر کرده بود، می‌شد با خیال راحت آن را از جنس فیک‌نیوزها دانست و کنار گذاشت؛ اما از یک خبرگزاری معتبر بعید بود خبری غیرواقعی آن‌هم درباره حج، به بیرون درز پیدا کند.

گزارش صبح یکشنبه قدس یا تیتِر «از یک خبر تا یک دغدغه عمومی؛ ماجرا چه بود؟» واکنشی بوده به همین خبر؛ واکنشی که البته برای رسیدن به حقیقت رسانه‌ای ماجرا، با یکی دو روز تأخیر هم منتشر شد و عجیب آنکه وقتی ماجراهایی از این دست در رسانه‌ها رخ می‌دهد، نهادها به جای واکنش صادقانه و دقیق و درست، می‌روند سراغ پاک کردن صورت مسئله و مثلاً به همه بخش‌ها اعلام می‌کنند کسی جواب تلغن خبرنگارها را ندهد تا ببینیم چه می‌شود کرد. یکشنبه‌شب اما جویابه سازمان حج و زیارت به دست رسانه‌ها رسید؛ جویابه‌ای که البته انصافاً کم از آن راهکار جواب‌نقدان به تلغن‌ها نداشت.

■ **جوابیه سازمان حج و زیارت؛ بی‌کم و کاست**

جویابه را بی‌کم و کاست بخوانید. اینکه می‌گوییم بخوانید دقیقاً از این باب است که شاید شما بتوانید از پس این ۸۵۷ کلمه بفهمید که بالاخره این ایده «حج تفریحی» در آن نهاد معظم، طرح شده بوده؟ طرح تشدید بوده؟ خبرخبرگزاری فارس دروغ بوده؟ دروغ نبوده؟ سازمان حج و زیارت این خبر را تکذیب می‌کند؟ تکذیب نمی‌کند یا... «تنوع در بسته‌های عمره و توجه به سلیقه‌های مختلف/انجام مناسب‌تجول‌پذیری معنوی و بصیرت‌افزایی هدف اصلی سفرهای عمره (تیتِر)



یادداشت
مجتبی خاتونی

ردیاهای بر مغالطه آقای آخوندی در اندیشه سیاسی

آقای «عباس آخوندی»! ایشان را آخرین بار در قاموس وزیر راه و شهرسازی به خاطر می‌آوریم؛ و اینجا، نه بنای پیش کشیدن کارنامه و گذشته ایشان را داشته و نه علاقه‌ای به پرداختن به دسته‌بندی‌های سخیف سیاسی داریم! موضوع خیلی مهم‌تر از این حرف‌هاست؛ موضوع «ایران» است؛ «جمهوری اسلامی ایران».

فارغ از نیات و اهداف نامبرده، ایشان در

مصاحبه‌ای که با یکی از رسانه‌ها داشته، با اظهاراتی شاذ و سرشار از «مغالطه»، سعی در بازنمایی آنچه به‌زعم خود «شکست کشور در مناسبات و معادلات منطقه‌ای» می‌خواند داشته و به عنوان مثال اظهار می‌کند: «ما اعلام کردیم که کشور «شیعه» هستیم و با این شرایط درصدد رهبری بر جهان اسلام هستیم که هدف غیر قابل‌وصلی بود و با واقعیت مغایرت داشت زیرا اکثریت جهان اسلام در رابطه با ما مشکل تاریخی داشتند...».

اگر چه در هیچ یک از اعلامات و اعلانات رسمی و قانونی کشور نیامده که «ما کشور شیعه هستیم» اما احتمالاً ایشان در این بخش، به اصل ۱۲ قانون اساسی و اعلام دین و مذهب رسمی کشور اشاره می‌کنند اما از تصریح به دین اسلام

حتی پیش از مذهب، نام بردن از سایر مذاهب اسلامی، سبقه تاریخی و قرائند دموکراتیک حاکم بر تهیه پیش نویس و تصویب قانون اساسی سخنی نمی‌گوید و فراتر از آن، گزاره «عجیب و غریب» «مشکل تاریخی داشتن» اکثریت! جهان اسلام با ما نیز از آن ادعاهایی است که حکایت و وثیقی از ناآگاهی ایشان در حوزه مطالعات تاریخی دارد! کدام اکثریت؟ کدام ما؟ کدام جهان اسلام؟ چه مشکل تاریخی منحصر به فرد و ویژه‌ای؟ ایشان به همین نیز بسنده نکرده و افزوده است: «کشورهای منطقه کاملاً به این نتیجه رسیدند که ایران فاقد دولت- ملت است و اصلاً دولت وجود ندارد که مذاکره کنند». احتمالاً منظور ایشان از کشورهای منطقه که به نتیجه رسیده‌اند ایران فاقد دولت- ملت است،

«عربستان سعودی»، «امارات متحده عربی»، «پاکستان»، «ترکمنستان» یا «قطر» است که «الحق و الانصاف» دولت- ملت‌های خوبی هم هستند! سخت نیست دریافت اصل مطلب از این جمله: همان کلیشه همیشگی که دولت هیچ کاره است و تصمیم‌ها جای دیگری اتخاذ می‌شود و در عین حال نفر اول صف ثیت‌نام بودن برای تصدی مناصب اجرایی! این هم یک روش است به هر حال!

اما نکته و نقطه دردناک قضیه، استفاده از مفهوم دولت- ملت که جناب آخوندی معتقد است ایران فاقد آن بوده و در ادامه حتی موجودیت دولت در کشور ما را هم تقی می‌کند. تلاش بسیاری صورت گرفته که مفهوم دولت- ملت را به اروپایی پس از دوره فتودالی و کنگره وستفالی

نمونه در این دوره، پروازها به دو شهر جدّه و مدینه صورت می‌گیرد، یعنی برخی زائران مدینه قبل و برخی مدینه بعد محسوب می‌شوند و انتقال کلیه زائرین بین مدینه منوره و مکه مکرمه با قطار با سریع‌السیر صورت می‌گیرد و این خدمات شایسته نیز برای زائران عمره مفرده فراهم شده است.

کاهش نیروهای ستادی در بخش‌های مختلف و از طرفی کاسته‌شدن از کیفیت خدمات از جمله دیگر دستاوردهای در این دوره می‌باشد. این خدمات و اقدامات قابل توجه که متناسب با خواست زائران و بر اساس آسیب‌شناسی‌ها صورت گرفته موجب رضایتمندی زائران گردیده است.

سازمان حج و زیارت به عنوان متولی امور حج و زیارت ونظارت بر ساماندهی سفرها از جمله عمره مفرده یابید تمامی سلاقی و خواسته‌های اقشار جامعه را در نظر بگیرد و براساس این اصل کلی نسبت به تدوین بسته‌های متنوع که عمده تفاوت آن‌ها در هتل محل اسکان می‌باشد اقدام نماید.

در برنامه‌ریزی سفر زیارتی عمره مفرده خدمات و امکانات صرفاً برای اقامت در دو شهر مدینه منوره و مکه مکرمه در نظر گرفته شده تا زائرین از فضای سرزمین وحی بهره ببرند و برنامه‌های فرهنگی ارائه شده نیز به کلیه زائران با حضور روحانی کاروان یکسان است و هدف متقاضیان تشریف به سفر زیارتی عمره بعد از سال‌ها انتظار صرفاً موضوع انجام مناسک، زیارت، کسب فیض، معرفت و افزایش معنویت است که این مهم مورد اهتمام جدی و هدف نهایی بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت محسوب می‌شود و برنامه‌های فرهنگی، زیارت دوره، انجام مناسک در طول اقامت و کسب آرامش روحی بر همین روند شکل می‌گیرد و همواره روحانی کاروان، مدیر کاروان و سایر دست‌اندرکاران برای تحقق این مهم در کنار معتمرین عزیز حضور دارند».

■ **یک خبر دروغ**

جویابه که راه‌گشا نبوده برای همین خبرنگاران روزنامه، دیروز از صبح زود تا پاسی از شب گذشته پیگیر بودند تا بلکه کسی در سازمان حج و زیارت یا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاسخگوی این پرسش ساده باشد که «حالا که به هر دلیل، خبر برگزاری حج تفریحی در رسانه‌ها منتشر شده، آیا سازمان حج و زیارت با این ایده موافق است و آن را تأیید می‌کند یا مخالف است و آن را رد می‌کند» و جوابی رسمی از یک مقام مسئول دریافت کنند.

سرانجام دیشب، همان پاسی از شب گذشته، اداره کل روابط عمومی سازمان حج و زیارت این متن را به تحریریه قدس ارسال کرد: این متن ارسالی هم بی‌کم و کاست، خدمت شما. مختصر اینکه نهاد حج و زیارت، خبر «حج تفریحی» را از اساس تکذیب می‌کند. از لطف دست‌اندرکاران آن نهاد معظم در ارسال این تکذیبیه، آن هم پس از پنج و خم‌های فراوان، ممنونیم.

«اداره کل روابط عمومی سازمان حج و زیارت» خبر منتشر شده در رسانه با عنوان «سازمان حج و زیارت عمره تفریحی‌راه ناده‌اند» از اساس کذب محض می‌باشد و صحت ندارد».

پیش از این سازمان حج و زیارت در اطلاعاتی‌ای خبری به جزئیات مفصل سفرهای عمره مفرده، خدمات اجرایی، هزینه‌ها، ضرورت تنوع در بسته‌های سفرهای زیارتی، توجه به سلیقه و خدمات مختلف اجرایی و فرهنگی و هدف از اعزام‌های عمره مفرده اشاره کرده بود.

نسبت داده و هر گونه تخطی از نسخه اولیه (که حتی در نمونه‌های اورجینال اروپایی هم دستخوش تحول و تطور فراوان شده) را به مثابه بی‌دولتی و عدم شکل‌گیری دولت- ملت یاد کنند اما این حربه، برای بنیان‌گذار مفهوم دولت در تاریخ سیاسی جهان، زیاد کاربردی به نظر نمی‌رسد.

جامع‌ترین تعاریف مورد اتفاق، دولت- ملت به عنوان واحدی سیاسی که در آن دولت، یک نهاد متمرکز است و حاکم بر جمعیتی داخل یک قلمرو و ملت، جامعه‌ای مبتنی بر هویت مشترک! ذکر شده و ایشان بدون ارائه هیچ استدلالی، به شنیده‌های خود بسنده کرده و با تکیه بر پیچیدگی‌های بومی مناسبات داخلی تصمیم‌گیری و قدرت، ما را از جرگه تمدن کدایی خود خارج می‌ینند!



مهم به صورت عامیانه، باید از راهکارهایی بگویند که دولت برای گره‌گشایی از این مشکلات به کار گرفته است؛ نه اینکه او هم مثل ما از جایگاه منتقد با نیش و کنایه مشکلات حمل و نقل و آلودگی هوا را به گردن آن دیگری بیندازد و از آن گله و شکایت کند. این البته دقیقاً همان کاری است که روز گذشته سخنگوی شهرداری مهر کرد. او هم از عملکرد نهاد متبوعش دفاع کرد و یادآوری وظایف دولت، عمل‌گشا و وضعیت فعلی را به دوش دیگری انداخت؛ همین حالا دو سخنگو کار خودشان را کرده‌اند و آسوده‌خاطر به زندگی‌شان می‌پردازند تا ما مردم صبح فردا، هر وقتی دو سخنگوی محترم سوار خودروهای خدمت، راهی محل کارشان هستند تا کار خدمتگزاری بی‌شائبه به مردم رای بی‌گیرند، دردمندانه در صف اتوبوس بایستیم و در هوای خفه‌کننده شهر نفس یکشیم و همچنان منتظر بمانیم تا بلکه فرجی بشود و کسی کاری برایشان بکند.

فراخبر

سخنگوی شهرداری تهران، گناه آلودگی هوا را به گردن دولت انداخت درحالی‌که سخنگوی دولت تلویحاً کم‌کاری شهرداری را مسبب آن دانسته بود

هوا هوای فراکنی است!

تعریف کرد که البته آن روایت هم انتقادهای بسیاری برانگیخت. او در مقام دلسوزی برای شهروندان تهرانی گفت: «توجه به خودروهای فرسوده، توجه به معاینه‌فنی خودروها و توجه به استفاده از وسایل نقلیه عمومی در کاهش آلودگی هوا مؤثر است. هر روز صبح که از خیابان ولیعصر (عج) ارد می‌شوم و می‌بینم مردم در صف اتوبوس هستند خجالت می‌کشم واقعاً خجالت‌آور است که من با خودرو می‌روم ولی می‌بینم مردم در صف‌های اتوبوس منتظر هستند! باید بی‌زیرم حمل و نقل عمومی ما مشکل دارد».

سخنگوی شهرداری تهران در مقام پاسخ به سخنگوی دولت، زبان به شکوه باز کرد و ضمن دعوت از سخنگوی دولت برای بازدید میدانی از پروژه‌های حمل و نقل گفت: «شهردار تهران تأکید همیشگی بر همکاری با دولت دارد و ما را نیز از هر گونه عدم همکاری با دولت منع می‌کند. بنده اما سخنان خاتم‌مهاجرانی را خواندم، خواهر بزرگ ما هستند ولی برای عجیب و یک مقدار دردناک بود. قوانین مشخصی همچون قانون هوای پاک وجود دارد و سهم دولت نیز مشخص شده و شاید بهتر این باشد که ایشان بیان کنند

هدایت جاوید | سخنان واکنشی دیروز سخنگوی شهرداری تهران در نشست خبری و خطاب به قاطعه مهاجرانی، سخنگوی دولت، تصویر است از تقابل دو نهاد حاکمیتی که درست پیش روی مردم، تصمیم‌را به گردن یکدیگر می‌اندازند و هر کدام به قدر خودشان، شانه‌آز زیر بار مسئولیت خالی می‌کنند. این تصویر آشنا اما دردناکی است. کانه لنگار مردم جلو بایند و بگویند: «تورابه خدایه خاطر ما، خودتان را راحت نکنید. ما هر طوری باشد، بار این مشکل را هم به شانه می‌گیریم؛ شما راحت باشید».

■ **یک صحنه آشنا**

عبدالمطهر محمدخانی در پاسخ به اظهارات چند روز پیش سخنگوی دولت، دیروز در نشست خبری اش، تیغ انتقاد را برگشید و به وی تاخت که چرا سهم نهاد دولت را در کم‌کاری‌ها ندید گرفته است؛ آن هم در شرایطی که آلودگی هوا در عمده شهرها آمان مردم را بریده و نبود باران هم مزید بر علت شده است. خاتم سخنگوی دولت چندی پیش از این، در نشست خبری خود روایتی را

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق خراسان شمالی

شاخص های دولتی فقر به جای سید معیشت واقعی بر کالری بقا متمرکز شده اند

فقر با تراز آمار دولتی



وی ادامه داد: آنچه در مورد خط فقر مطلق باید مورد توجه قرار گیرد این است که توسط سازمان های حمایتگری چون بهزیستی و کمیته امداد مورد بررسی و اقدام قرار می گیرند یعنی جدا از بحث دستمزد است؛ سازمان های حمایتگر در حقیقت رقمی را در نظر می گیرند که فرد بتواند برای زنده ماندن از آن استفاده کند، به گفته حاج اسماعیلی یکی از شاخصه هایی که با آن خط فقر مطلق را اعلام می کنند میزان دریافت کالری روزانه افراد است که براساس اعلام سازمان های تخصصی این میزان بین ۲ هزار تا ۲ هزار و ۵۰۰ کیلوکالری است که افراد برای زنده ماندن به آن نیاز دارند بدون در نظر گرفتن هزینه مسکن و حمل و نقل و... که با اعدادی که دولت به عنوان دستمزد مطرح می کند، تفاوت دارد.

این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: خط فقر مطلق خطی است که فقط برای زنده ماندن افراد در نظر گرفته می شود و اصلاً مد نظر ما نیست و تناسبی هم با دستمزد ندارد؛ بنابراین چنانچه دولت اصرار دارد خط فقر را تعریف کند باید خط فقر مطلق را در کنار خط فقر نسبی تعریف کند و چنانچه تنها بخواهد خط فقر مطلق را در نظر بگیرد از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده است.

به گفته وی، آنچه در حوزه دستمزدها مطرح است خط فقر نسبی است که این عدد امروز در کلانشهرها برای یک خانواده ۳،۵ نفره تبدیل به ۵۵ میلیون تومان شده است که خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و رفاه و درمان را شامل می شود نه آن عددی که مسئولان دولتی مطرح می کنند.

حاج اسماعیلی، کارشناس اقتصادی در گفت و گو با خبرنگار قدس آمار و ارقام ارائه شده توسط دولت را توجیهی قرار از مسئولیت خواند و گفت: خط فقر در ایران باید آن گونه که در دنیا تعریف می شود تعریف شود؛ مسئولان دولتی هم باید خط فقر مطلق را به درستی تعریف کنند و هم خط فقر نسبی را.

آنان خانهای می خواهند برای زندگی کردن، رفاه و آسایش می خواهند؛ خط فقر مطلق حتی نیازهای اساسی زندگی و خانواده را تأمین نمی کند؛ بلکه تنها مبلغی ناچیز برای زنده ماندن است و نه زندگی.

این کارشناس اقتصادی سخنان سخنگوی دولت را فراقلمی و در جهت تشویش افکار عمومی دانست و اظهار کرد: بیان این سخنان تنها سبب می شود دولت از مسیر اصلی سیاست گذاری و برنامه ریزی خارج شود؛ چنانچه دولت می خواهد مسئولانه رفتار کند باید هم خط فقر مطلق و هم فقر نسبی را تعریف و اعلام کند.

وی تأکید کرد: در مورد دستمزدها ما فقط به خط فقر مطلق نیاز نداریم؛ آنچه محل تعریف اصلی است و تناسب دستمزد با آن صورت می گیرد خط فقر نسبی است که در حال حاضر برای شهرهای بزرگ به بیش از ۵۵ میلیون تومان برای یک خانواده ۳،۵ نفره و حدود ۱۶ میلیون تومان برای هر نفر رسیده است. این در حالی است که متوسط دستمزدی که در ایران برای یک خانواده ۳،۵ نفره در نظر گرفته شده است حدود ۱۷ میلیون تومان است که بسیار با رقم اصلی شکافی عمیق دارد.

به باور این کارشناس، دولت باید پاسخگوی رفتار و عملکرد خود درخصوص حمایت از مردم باشد و این تعریف نافی مسئولیت های دولت در زمینه حمایت و پشتیبانی از گروه های مختلف در کشور نیست، به باور فعالان کارگری سیاست های مزید در کشور هیچ گونه همخوانی با آنچه مردم در واقعیت با آن رویه هستند، ندارد و مسئولان اسنادی از واقعیت زندگی مردم ندارند و همین موضوع سبب شده سال ها موضوع حقوق و دستمزد کارگران در پایین تر حد خود نگاه داشته شود.

در پایان این پرسش های ما بی پاسخ ماند که معیار خاتم سخنگو برای اعلام عددی با این دقت چه بوده و از چه مؤلفه ها و داده هایی و از کدام مراکز در استخراج این عدد کمک گرفته شده است؟ این عدد فقط هزینه خوراک یک فرد برای زنده ماندن است یا تمام مؤلفه ها اعم از مسکن، خوراک، پوشاک، درمان و آموزش را هم شامل می شود؛ با توجه به اینکه هزینه زندگی در استان ها و شهرهای مختلف با هم بسیار متفاوت است، نرخ اعلامی مربوط به کلانشهرهاست یا استانی محروم چون سیستم جابجایی؟

اما آنچه مشخص است و کارشناسان امر بسیار بر آن تأکید دارند این است که دست کم حدود یک سوم از جمعیت کشور در فقر مطلق زندگی می کنند (برخی کارشناسان حتی از عدد ۵۰ درصدی سخن می گویند) و به طور مشخص سیاست های ناکارآمد دولت در حوزه کنترل تورم بی توجهی به رشد اقتصادی هر روز بر تعداد جمعیت فقیر افزوده است.

تجربه تأمین (مانند شرکت های قطعه سازی) در ساختار مالکیت خودرو سازان، نوعی «لابی پنهان» ایجاد کرده است. این گروه های ذی نفع، به طبع در برابر هر اقدامی که منافشان را تهدید کند مقاومت می کنند. به عنوان نمونه، شفاف سازی در فروش خودرو (از طریق بورس کالا) یا آزادسازی واردات، منافع عده ای واسطه و انحصارگر را به خطر می انداخت و هر بار با فضا سازی و نفوذ برای توقف یا تأخیر این اقدام ها تلاش شده است. حتی برخی مدیران دولتی تلویحاً آن عا ن داشته اند که دست های پشت پرده اجازه نمی دهد خودرو سازی روی آرامش و رونق را ببیند. چندی پیش یک نماینده مجلس اعلام کرد به زودی اسامی مافیای خودرو افشا خواهد کرد و تأکید کرد نباید خودرو سازی به اسم خصوصی سازی به همین مافیای تحویل داده شود.

از سوی دیگر، عده ای معتقدند نباید هر ناکارآمدی را به گردن مافیای انداخت. این منتقدان می گویند استفاده مکرر از تعبیر «مافیای» توسط مسئولان، گاهی برای شانه خالی کردن از مسئولیت است. به باور این گروه، ساختار مدیریتی غلط و سیاست گذاری های اشتباه دولت زاینده زیر سلنه مافیای موهومی پنهان دولتی حتی برخی کارشناسان صنعت خودرو و هشدار می دهد که رسانه ها نباید تولید کنندگان و صنعتگران واقعی را بی دلیل مافیای بنامند؛ بلکه باید دست سودجویان حقیقی (چه در بخش خصوصی و چه دولتی) را رو کنند. با این همه، حتی منتقدان نیز انکار نمی کنند که پاک سازی صنعت خودرو از عناصر رانتی و انحصاری شرط لازم برای هرگونه تحول مثبت است. چه خصوصی سازی انجام شود چه نه، اگر مافیاهای پید و پنهان (شبکه مدیران فاسد، دلالان و ذی نفعان ناسالم) کنترل امور را در دست داشته باشند، پیشرفت صنعت بسیار دشوار خواهد بود.

■ خصوصی سازی یا خصولتی سازی؟ خطر تکرار الگوی گذشته

تجربه خصوصی سازی در ایران نشان داده همیشه «خصوصی سازی واقعی» محقق نشده است. در بسیاری موارد، شرکت های دولتی به جای آنکه به بخش خصوصی مستقل واگذار شوند، به نهادهای شرکت های شیء دولتی یا خریداران وابسته به حکومت منتقل شده اند. این پدیده که در ایران با عنوان طنزآمیز «خصولتی سازی» شناخته می شود، یعنی خصوصی سازی صوری که نتیجه آن استعرا ل کنترل دولت یا وابستگان شش بر بنگاه است. پرسش مهم این است که آیا خصوصی سازی صنعت خودرو نیز در عمل به خصولتی تبدیل خواهد شد یا خیر؟ «میرحسن کاکایی به صراحت می گوید آنچه درباره ایران خودرو رخ داد، خصوصی سازی واقعی نبود؛ بلکه «هتتا مدیریت به بخش خصوصی واگذار شد» بی آنکه دولت رفتار خود را تغییر دهد. در واقع دولت سهام خود را به ظاهر کاهش داد، اما همچنان از طرق مختلف کنترل خود را حفظ کرد. همچنین بخش قابل توجهی از سهام خودرو سازان به نهادهای شیء دولتی (مانند صنایع های بازآرشی، بانک های دولتی، شرکت های وابسته به خودرو سازان) واگذار شد که این واگذاری های درون گروهی عملاً دور زدن خصوصی سازی بود. به گفته شجاعی، کارشناس صنعت خودرو، سهام های تولدی در خودرو سازی را فرار دولتی ها از واقعیت خصوصی سازی بوده نوعی گداز اشتن در این زمینه است. یعنی دولت سهم خود را به شرکت های اقماري همان خودرو سازان نهادهای حکومتی دیگر سپرد و اسامش را خصوصی سازی گذاشت، حال آنکه مالکیت واقعی همچنان در خانواده دولت باقی ماند. آنچه مسلم است، افکار عمومی و مشتریان ایرانی انتظار تغییر ملموس در صنعت خودرو دارند. منتفوتی وجود دارد: شجاعانه و البته مدبرانه است که امروز باید گرفته شود تا فردا صنعتی پویا، رقابت پذیر و افتخار آفرین در اختیار کشور باشد.

انحصار و فقدان رقابت: قضای غیررقابتی دهه های اخیر موجب کاهش انگیزه برای نوآوری شده است. دو خودرو ساز بزرگ با حمایت دولت از رقابت خارجی مضمون مانندند (واردات خودرو از ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ عملاً ممنوع بود) و رقیب داخلی جدی نیز نداشتند. چنین انحصاری سبب شد اسکان انتخاب مصرف کننده محدود شود و خودرو سازان دغدغه ای برای بهبود کیفیت و فناوری نداشته باشند. دولت نیز برای حفظ این انحصار، سیاست هایی چون عرضه قطره چکانی خودرو با تعیین سقف قیمت را در پیش گرفت که نتیجه آن نارضایتی مردم و پیدایش بازار سیاه بوده است.

سیاست های ناکارآمد دولتی و بی ثباتی در برنامه ریزی: دخالت های غیرکارشناسی دولت یکی از موانع توسعه صنعت بوده است. دولت ها بارها از صنعت خودرو بهر برداری سیاسی کرده اند؛ از واگذاری کارخانه ها در حوزه های انتخابیه گرفته تا تحمیل نیروی مازاد و مدیران سفارشی به شرکت ها. نتیجه این شده که تصمیم های مدیریتی نه بر پایه کیسب کار، بلکه بر اساس ملاحظات سیاسی اتخاذ شده است. علاوه بر این، تغییر مکرر مدیران عامل با تعویض دولت ها مانع از تداوم راهبردهای بلندمدت شده است.

تعارض منافع و فساد در تجربه تأمین: یکی از موانع پنهان اما اثرگذار، وجود تعارض منافع در ساختار صنعت خودرو است که به شکل گیری «مافیای خودرو» انجامیده است. نمونه بارز، نفوذ برخی قطعه سازان بزرگ در هیئت مدیره خودرو سازان است؛ به طوری که تأمین کننده قطعات، خود در جایگاه سیاست گذار تولید قرار گرفته است.

موانع کاری به جای نوآوری و توسعه فناوری: ساختار اقتصادی و قوانین حاکم بر صنعت خودرو در ایران به گونه ای بوده که چه شرکت های دولتی و چه خصوصی، به جای حرکت به سمت توسعه پلتفرم و محصول جدید، عمدتاً به مونتاژ مدل های خارجی یا تکرار طراحی های قدیمی مشغول شده اند. ایستگی شدید به شرکت های خارجی برای تأمین قطعات و فناوری موجب شده به هر شوک خارجی (تحریم یا نوسان ارز)، تولید داخلی ضربه ببیند. به عنوان نمونه، خروج شرکای اروپایی در سال ۱۳۹۷ شوک بزرگی بر پیکره صنعت خودرو وارد کرد و بسیاری از پروژه های مشترک توسعه محصول (مانند پروژه های پژو و رنو) متوقف شدند. نتیجه آنکه امروز نیز عمده خودرو های تولیدی کشور به تفریم های چندین دهه قبل (مانند پژو ۴۰۵ و پراید) هستند که با تغییرات جزئی هنوز تولید می شوند. این عقب ماندگی تکنولوژیک نه تنها نارضایتی خریداران داخلی (از نظر ایمنی و مصرف سوخت بالا) را در پی داشته، بلکه رقابت پذیری منطقه ای را نیز از بین برده است (تا جایی که آمار نشان می دهد تلفات جاده ای عراق نصف ایران است؛ چون از خودرو های ایمن تر استفاده می کنند).

با توجه به عوامل فوق، روشن است که پیشرفت واقعی صنعت خودرو ایران تنها با تغییرات بنیادین در ساختار مدیریتی و راهبردی ممکن خواهد شد. خصوصی سازی به شرطی می تواند این موانع را برطرف کند که همراه با بسته ای از اصلاحات یاد شده باشد. در غیر این صورت، موانع دیرا (از انحصار و تعارض منافع تا تحریم) همچنان سده را نوسازی و پیشرفت باقی خواهند ماند.

■ مافیای سنتی خودرو سازی: واقعیت یا پنهان؟

اصطلاح «مافیای خودرو» در گفتار رسانه ها و برخی مسئولان ایرانی به کرات شنیده می شود. اما مقصود از این تعبیر چیست و آیا واقعاً مافیای اجازه شکوفایی صنعت را نمی دهد؟ در این زمینه دیدگاه های متفاوتی وجود دارد: از یک سو، شاهد زبانی از وجود شبکه های نفوذ و رانت در صنعت خودرو دیده می شود. همان طور که پیش تر اشاره شد، حضور سهامداران عمده ای از دل

از پیش شرط هاست. فقط واگذاری سهام به بخش خصوصی (داخلی یا خارجی) در خلأ ساختارهای درست، کمکی به بهبود صنعت نخواهد کرد. در ادامه به مهم ترین الزامات و اینکه آیا در شرایط فعلی ایران، مهیا شده اند یا خیر، می پردازیم.

رفع دخالت های دستوری دولت در بازار: یکی از شروط اساسی، تغییر رویکرد دولت از مداخله گری مستقیم به تنظیم گری غیرمستقیم است. خصوصی سازی درست تنها واگذاری بنگاه ها نیست؛ بلکه مستلزم اصلاح سیاست های نادرستی مانند قیمت گذاری دستوری، سامانه فروش یکپارچه، موانع غیرتحرهای و دخالت های بی جای دولتی است. تا زمانی که دولت پس از واگذاری نیز در امور شرکت ها (مانند تعیین قیمت خودرو یا میزان تولید) دخالت کند، بخش خصوصی قادر به اعمال مدیریت بهره ور نخواهد بود.

گزارش مرکز پژوهش های مجلس نیز تصریح می کند تا دم سیاست قیمت گذاری دستوری از عوامل اصلی زیان آباشته خودرو سازان در سال های اخیر بوده است. بنابراین حذف سیاست های نظیر کنترل دستوری قیمت سودآوری را سلب می کند، پیش نیاز جدی خصوصی سازی به شمار می رود.

وجود خریدار ذی صلاح و سازوکار واگذاری شفاف: خصوصی سازی موفق نیازمند آن است که سهام شرکت های خودرو سازی به سرمایه گذاران و مدیران دارای اهلیت واگذار شود. تجربه ایران خودرو نشان داده واگذاری مدیریت به بخش خصوصی، بدون تغییر واقعی در سازوکارها، نتیجه بخش نبوده است. امیرحسن کاکایی هشدار می دهد اگر دولت تنها مالکیت را واگذار کند، اما اصول حاکمیتی یک صنعت، خصوصی را رعایت نکند، این واگذاری خطرناک خواهد بود. برای نمونه، تأکید شده اگر بلوک ۴۰ درصدی سهام بدون هیچ شرطی فروخته شود، خریدار جدید حتی می تواند دارایی ها را در مسیرهای غیرمولد (مثلاً بهره برداری ملکی یا زمین زراعی) به کار گیرد که منطی به تولید خودرو ندارد. بنابراین واگذاری باید مشروط و شفاف باشد تا خریدار متعهد به توسعه صنعت باشد، نه صرفاً کسب منافع کوتاه مدت.

بهبود فضای اقتصادی و امنی ان بخش: به سرمایه گذاران: شرایط کلان اقتصادی (مانند ثبات نرخ ارز، وضعیت بازار سرمایه، رژیم تجاری کشور) بر موفقیت خصوصی سازی اثرگذار است. سرمایه گذار خارجی با داخلی زمانی حاضر به سرمایه گذاری کلان خواهد شد که مطمئن باشد دولت پس از واگذاری، دخالت و تغییر مقررات ناگهانی نخواهد داشت.

اصلاح ساختار مالی و بدهی ها: خودرو سازان ایرانی سال ها تحت حمایت های مختلف دولتی، زیان آباشته قابل توجهی جمع کردند.

عملکرد مالی هر دو خودرو ساز بزرگ در هشت سال گذشته زیانده بوده و بدهی های سنگینی به بانک ها و قطعه سازان دارند. بدهی است جذابیت یک شرکت پددهکار و زیانده برای خریداران اهل بخش خصوصی کم خواهد بود. از این رو، دولت باید همزمان با فرایند واگذاری، نسبت به تعیین تکلیف بدهی های معوق و اصلاح ساختار سرمایه شرکت ها اقدام کند (برای مثال از طرق افزایش سرمایه، تجدید ارزیابی دارایی ها یا تهاتر بدهی ها). در غیر این صورت، خریدار جدید یا ناچار به ادامه رویه زیانده گذشته می شود یا دست به تعدیل ها و اقداماتی می زند که ممکن است تبعات اجتماعی داشته باشد.

■ موانع اصلی پیشرفت فنی و دانشی در صنعت خودرو

هر چند تحریم های خارجی و محدودیت ارتباط با خودرو سازان بین المللی سهم بزرگی در عقب ماندگی فناوری خودرو ایران داشته اند، اما موانع داخلی ساختاری نیز کم تأثیر نبوده اند. در اینجا به مهم ترین عوامل بازآزنده پیشرفت واقعی (از جنبه فنی و دانش روز) در خودرو سازی کشور اشاره می کنیم:

علی محمدزاده | در دهه های گذشته، صنعت خودرو سازی ایران عمدتاً تحت کنترل دولت بوده و دو خودرو ساز بزرگ (ایران خودرو و سایپا) در بازار انحصاری داخلی فعالیت کرده اند. با این حال، خروجی این ساختار انحصاری دولتی چندان رضایت بخش نبوده است؛ کیفیت پایین خودرو ها، نارضایتی مصرف کنندگان، زیان دهی مالی شرکت ها و نبود توان رقابت در بازارهای جهانی، همگی نشان می دهند وضع موجود نیازمند تغییرات اساسی است. از همین رو، ایده خصوصی سازی صنعت خودرو به عنوان راهکاری برای خروج از بن بست فعلی مطرح شده است. اما این پرسش ها به میان می آید که آیا شرایط و الزامات لازم برای خصوصی سازی واقعی در ایران فراهم شده است یا خیر؟ موانع اصلی بر سر راه پیشرفت واقعی (چه از نظر فنی و چه دانشی) کدام اند و نقش به اصطلاح «مافیای خودرو سازی» در این میان چیست؟ همچنین تردیدهایی وجود دارد که مبادا خصوصی سازی با رویکرد کنونی، صرفاً به شکل دیگری از خصولتی سازی (خصوصی نمایی دولتی) بینجامد. در این نوشتار، ضمن نگاهی به طرفقه های این موضوع، به بررسی الزامات، چالش ها و چشم انداز خصوصی سازی صنعت خودرو در ایران می پردازیم.

■ ضرورت خصوصی سازی در صنعت خودرو ایران

به گفته آلبرت یغزبان، اقتصاددان، قرار بود صنعت خودرو ایران به پیشرفت کشورهایی مانند آلمان و ژاپن برسد، اما این امر محقق نشد؛ زیرا مدیریت این صنعت در کنترل دولت بوده است. دولت با هدف تأمین نیاز بازار داخلی، واردات خودرو را ممنوع و انحصار داخلی ایجاد کرد که نه تنها رقابت را از بین برد، بلکه حتی در تأمین نیاز بازار داخلی نیز موفق نبوده است. نتیجه چنین وضعیتی تولید خودرو های قدیمی و بی کیفیتی بوده که بعضاً چند دهه از فناوری روز عقب هستند و یا چند برابر قیمت جهانی به مشتریان داخلی فروخته می شوند. چنین رویکردی نه تنها رضایت خریداران را جلب نکرد، بلکه امکان صادرات و حضور در بازار جهانی را نیز از بین برده است.

در مقابل، تجربه جهانی نشان می دهد صنایع خودرو سازی موفق عمدتاً در دست بخش خصوصی اداره می شوند. بخش خصوصی واقعی و سهامداران مستقل معمولاً بهترین تصمیمات را برای سودآوری بنگاه و رضایت مشتریان اتخاذ می کنند؛ در حالی که در ایران آن تصمیم گیری های سلیقه ای و دولتی وضعیت را متفاوت کرده است.

امیرحسن کاکایی، عضو هیئت علمی دانشگاه نیز ضمن تأکید بر ضرورت خصوصی سازی اصولی خودرو سازها تصریح می کند که اصل خصوصی سازی باید انجام شود، اما نه به هر قیمتی. به گفته او، «بی شک با خصوصی سازی موافق هستیم... اما خصوصی سازی باید درست و اصولی صورت گیرد». این تأکید بر درست انجام شدن خصوصی سازی نشان می دهد فقط تغییر مالکیت روی کاغذ کافی نیست؛ بلکه اصلاحات عمیق تری در سیاست ها و مدیریت صنعت خودرو باید همراه آن شود.

■ آیا الزامات خصوصی سازی فراهم شده است؟

خصوصی سازی موفق در صنعت خودرو مستلزم مهیا بودن مجموعه ای

اخبار

رئیس کل سازمان نظام پرستاری عنوان کرد
هم کمبود پرستار داریم هم مازاد پرستار!



احمد نجابتیان، رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور به تسنیم گفت: در حال حاضر با کمبود ۱۰۰ هزار پرستار در بیمارستان‌های کشور مواجهیم؛ اما الان از نظر سازمان اداری و استخدامی، در برخی مناطق کشور مازاد پرستار داریم! در حالی که در عمل و در بیمارستان‌ها با کمبود واقعی پرستار مواجه هستیم. دلیل این تفاوت، اختلاف در استانداردهاست. رئیس کل سازمان نظام پرستاری اضافه کرد: سازمان اداری و استخدامی برای هر تخت بیمارستانی، به‌طور کلی ۲٫۵ نفر نیرو در نظر می‌گیرد، در حالی که ما معتقدیم باید به ازای هر تخت بیمارستانی حداقل ۸/۸ پرستار وجود داشته باشد و ۲٫۵ نفر کادر پرستاری به ازای هر تخت داشته باشیم.

یک مسئول سازمان غذا و دارو بیان کرد
آمار مرگ‌ومیر ناشی از مسمومیت با قرص برنج



راضیه کشاورز، سرپرست گروه تجویز و مصرف منطقی و اطلاع‌رسانی فرآورده‌های سلامت سازمان غذا و دارو درباره مرگ‌های ناشی از مسمومیت با قرص برنج به تسنیم گفت: در پنج‌ماه ابتدای ۱۴۰۴، سه‌م مرگ‌ومیر ناشی از مسمومیت با انواع سموم ازجمله قرص برنج، ۱۸/۶ درصد از کل موارد مرگ ناشی از مسمومیت بوده است. همچنین در سال ۱۴۰۳، قرص برنج به تنهایی عامل ۱۳/۶ درصد از مرگ‌های ناشی از مسمومیت بوده است.

وی افزود: سال ۱۴۰۳، بیشترین موارد مسمومیت با قرص برنج به ترتیب از شهرهای تهران، مازندران، گیلان، اردبیل و گرج گزارش شده است. همچنین بیشترین مسمومیت با انواع سموم نیز در همان سال در شهرهای تهران، گرج، اهواز و اردبیل به ثبت رسیده است.

مشاور امور زنان وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد
حمایت از ادامه تحصیل دانش‌آموزان متأهل



مشاور امور زنان وزیر آموزش و پرورش گفت: اگر دانش‌آموزی به دلیل ازدواج از ادامه تحصیل منصرف شده باشد، باید او را شناسایی، دعوت و محیطی برای بازگشت به تحصیل فراهم کرد که طرح اولیه این برنامه تدوین شده و مدل اجرایی آن نیز در حال آماده‌سازی است.

میترا تیموری با تأکید بر اینکه ازدواج آگاهانه، بهنگام و مسئولانه باید مورد توجه قرار گیرد، ادامه داد: اگر دختری ازدواج کرده باشد، ضروری است آموزش‌های لازم به وی ارائه شود.

مدیر مجازی هم می‌تواند به‌صورت مؤثر به جذب این گروه از دانش‌آموزان به مدرسه کمک کند.

هم‌افزایی میان حوزه امور زنان، ستاد ترک تحصیل، مدیران و مشاوران مدارس می‌تواند تضمین‌کننده ادامه تحصیل دختران ازدواج‌کرده باشد.

مدیر دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت:

۲۰ درصد دختران و زنان در سنین باروری ایران مبتلا به کم‌خونی هستند

احمد اسماعیل‌زاده، مدیر دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت به ایسنا گفت: ۲۰ درصد دختران و زنان در سنین باروری مبتلا به کم‌خونی و فقر آهن هستند و برای جلوگیری از آسیب کم‌خونی به سلامت این افراد، دو برنامه ملی در حال اجراست.

یکی از این برنامه‌ها، توزیع مکمل‌های آهن در مدارس دخترانه است که طبق دستورالعمل سازمان بهداشت جهانی در مقاطع متوسطه اول و دوم، به مدت ۱۶ هفته و هر هفته یک قرص آهن به صورت رایگان در اختیار مدیران مدارس قرار می‌گیرد.

برنامه ملی دیگری با عنوان غنی‌سازی آرد با آهن و اسید فولیک در حال اجراست تا آهن کافی از طریق نان به مردم برسد و کمبود آهن حل‌کند.

کارشناسان از آموزش‌های سنگین به‌جای بازی و تفریح در پیش‌دبستانی‌ها انتقاد می‌کنند

دوپینگ در مهدهای کودک



تهرانی فرجاد بازی را مادر تمام‌فعالیت‌های کودکی تلقی می‌کند و می‌افزاید: کودک هنگام بازی، در حقیقت زندگی می‌کند، یاد می‌گیرد، تجربه می‌اندوزد و می‌فهمد. در دل بازی است که شناخت، مهارت و نگرش او به‌طور طبیعی شکل می‌گیرد. اما زمانی که نگاه ما صرفاً شناختی و آموزشی می‌شود، محتوا را در مرکز قرار می‌دهیم، استانداردها و ارزیابی‌ها را وارد و در نهایت کودک را در چرخه مقایسه و سنجش گرفتار می‌کنیم. در تربیت کودکان زیر هفت سال و حتی فراتر از آن، اصل بنیادین این است تمام برنامه‌ها و فعالیت‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که هر کودک احساس موفقیت کند. اما در رویکردهای محتوامحور، موفقیت تنها برای آن کودکی تعریف می‌شود که از دل کتاب یا فعالیت، نتیجه‌ای ملموس بیرون آورده است. از همین‌جا مقایسه‌ها، رتبه‌بندی‌ها، ستاره‌ها و تشویق‌های نمایشی آغاز می‌شود؛ کودکانی که در ظاهر برای هم دست می‌زنند، اما در درون احساس شکست و ناتوانی دارند. در حالی که تربیت واقعی، در ستایش تلاش است نه در سنجش نتیجه. ارزشمندترین کار، همان کاردستی ساده و کچو-موجی است که کودک با دستان خودش ساخته؛ درواقع ارزش در تلاش کودکانه نهفته است، نه در کمال بزرگسالانه.

او پیشنهاد می‌کند: به جای افزایش تعداد کتاب‌ها و محتواها برای کودکان، فرصت و موقعیت بازی، تجربه و لذت بردن از یادگیری را برای آنان فراهم کنیم. آنچه باید غنی و پربار باشد، نه کتاب کودک، بلکه کتاب مربی

است؛ کتابی که به مربی آموزش دهد چگونه محیطی پسازد که کودک در آن پیام‌زده، بیازماید، لذت ببرد و احساس موفقیت کند.

متأسفانه در بسیاری از برنامه‌ها، فعالیت‌ها و محتواها از پیش آماده و زمان‌بندی شده‌اند؛ شعر، قصه یا مفهومی که باید دقیقاً در هفته سوم آبان یا هفته چهارم تدریس شود. این نوع آموزش‌ها شبیه غذاهای نیم‌پخت فروشگاه‌های است؛ سریع آماده می‌شوند، ظاهرآ مغذی‌ند، اما ارزش تربیتی و «غذای روحی» چندانی ندارند. در مقابل، برنامه‌ریزی تربیتی اثربخش، باید بر پایه خلاقیت و تشخیص مربی شکل گیرد. کتاب راهنمای مربی باید سرشار از مهارت‌ها، ایده‌ها و راهبردهایی باشد که به او یاد دهد چگونه فرصت بسازد، نه صرفاً دستورالعمل اجرا کند. در چنین الگویی، کودک دیگر پیرو برنامه‌ای از پیش تعیین شده نیست، بلکه در مسیر یادگیری رزنده و واقعی گام برمی‌دارد.

■ **آموزش زودرس، انگیزه یادگیری را می‌گیرد**
سیما قدرتی، دکترای مشاوره نیز با بیان اینکه بسیاری از والدین، معیار کیفیت یک مهدکودک یا پیش‌دبستانی را در میزان آموزش‌هایی می‌بینند که به کودکان ارائه می‌شود، به‌خبرنگار ما می‌گوید: بی‌تردید، آموزش می‌تواند به رشد شناختی کودک کمک کند، اما نکته اساسی که نباید از آن غافل شد، تناسب این آموزش‌ها و امکانات با سن و مرحله رشد شناختی هر کودک است. آنچه اهمیت دارد، فراهم‌سازی محیطی است که همسوی نیازهای رشدی آنان باشد، نه صرفاً پر کردن ذهنشان از آموزش‌های متعدد. هفت سال تخصص زندگی، دوره‌ای سرنوشت‌ساز در رشد کودک است؛ دورانی که در آن پایه‌های رشد جسمی، حرکتی و حسی او شکل می‌گیرد. در این سال‌ها، کودک نیاز دارد فرصت کافی برای تحرک، بازی و تجربه را داشته باشد تا مهارت‌های بدنی و هماهنگی‌های حسی-حرکتی‌اش به‌درستی پرورش یابد.

او می‌افزاید: یکی از عناصر کلیدی در این مرحله، بازی‌های اکتشافی است؛ بازی‌هایی که از دل تجربه و حرکت زاده می‌شوند و نقش مؤثری در تسهیل رشد جسمی و ذهنی کودک دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کودکانی که در سال‌های ابتدایی زندگی فعالیت‌های حرکتی کافی ندارند، در آینده ممکن است با اختلالات یادگیری روبه‌رو شوند. از این‌رو، زمانی که والدین از حضور فرزندشان در کلاس‌های متعدد سخن می‌گویند، نخستین پرسش این است آیا کودک شما

است؛ او می‌خواهد لمس کند، کشف کند و با دنیای اطرافش در ارتباط باشد. اما هنگامی که از او خواسته می‌شود بی‌حرکت بنشیند، گوش دهد و یاد بگیرد، روح کودکانه‌اش سرکوب می‌شود. این نوع برخورد مستقیم و آموزشی با کودک زیر هفت سال، با ماهیت رشدی او در تضاد است. بنابراین، نخستین گام، اصلاح رویکرد ما در زمینه آموزش و تربیت کودکان است. باید نیاز واقعی کودک را ببینیم، نه آنچه جامعه یا رقابت‌های آموزشی به ما تحمیل می‌کند. اینکه دیگران آموزش زبان یا الفبا را زودتر آغاز می‌کنند، دلیل موجهی نیست تا ما نیز کودک خود را در چنین مسیری قرار دهیم. ضروری است برنامه‌ریزان آموزشی آگاه شوند و والدین نیز درک کنند که رشد زودرس آموزشی، به معنای رشد واقعی نیست. کودک ممکن است ظاهراً با شرایط کنار بیاید، اما در ناخودآگاه خود، احساس بی‌میلی یا حتی تنفر به یادگیری پیدا کند.

تهرانی فرجاد تأکید می‌کند: من همیشه بر این باورم که ما در پیش‌دبستانی هزار کار نکرده داریم؛ کارهایی اساسی که به جای تمرکز بر آموزش‌های زود هنگام، باید صرف پرورش مهارت‌ها، ایجاد علاقه، تقویت عزت‌نفس و رشد اجتماعی کودکان شود. پیش از آنکه به آموزش زبان یا مفاهیم درسی بپردازیم، لازم است کودک را یاری کنیم تا خود را بشناسد، تعامل با دیگران را بیاموزد، از تجربه لذت ببرد و در وجودش شوق یادگیری شکل گیرد. اما متأسفانه، نگاه نتیجه‌محور و بازاری به آموزش سبب شده بسیاری از مراکز تربیتی از مسیر اصلی خود دور شوند. کودکان برای رشد و شکوفایی، بیش و پیش از هر چیز به بازی، تجربه، محبت، کار گروهی، تفکر، کنجکاوی، دست‌ورزی و تحرک نیاز دارند. همه این عناصر باید بر محور بازی و تجربه آزاد شکل بگیرند. در چنین فضاهایی، جریان یادگیری خودبه‌خود شکل می‌گیرد؛ صمیمیت، دلبستگی، حس امتعت و علاقه به یادگیری در کودک رشد می‌کند و پرسشگری در او جان می‌گیرد. وقتی مربی این بستر را فراهم کند، درواقع زمینه رشد طبیعی و همه‌جانبه کودک را پدید می‌آورد. اما زمانی که کودک ناچار است ساعت‌ها بنشیند، بدون تحرک، کتاب پشت کتاب و سرفصل پشت سرفصل را پشت سر بگذارد و با مهارت‌هایی مواجه شود که نه ضروری‌اند و نه متناسب با سن او، مسیر تربیت از رشد طبیعی منحرف می‌شود.

او اعلام می‌کند: اگر به اقتضائات سنی و نیازهای واقعی کودک توجه شود و تمرکز بر کیفیت آموزش باشد، نه صرفاً بر کمیت آن، می‌توان با اطمینان گفت حضور کودک در برنامه‌های آموزشی زود هنگام مفید و سازنده خواهد بود. من از جمله مدافعان این رویکردم که آموزش و خدمات تربیتی باید با نگاه جد‌اکنشی و عدالت‌محور گسترش یابد؛ به‌ویژه در مناطق محروم، حاشیه‌شهرها و مناطق کم‌برخوردار، جایی که کودکان بیش از هر چیز نیازمند فرصت برابر برای رشد، یادگیری و تجربه‌اند.

این کارشناس تعلیم و تربیت، یکی از آسیب‌های جدی در دوره پیش‌دبستانی را کتاب‌زدگی و محتوامحوری افراطی می‌داند و می‌گوید: در این دوره، هر آنچه در دسترس کودک قرار می‌گیرد، از کیف گرفته تا ابزار و صنایع آموزشی، باید با دقت و ظرافت بسیار انتخاب شود. حجم این محتوا باید اندک اما هدفمند باشد تا کودک دچار دزدگی از کتاب و آموزش نشود. در مقابل، آنچه می‌تواند و باید غنی و پرمحتوا باشد، کتاب راهنمای مربی است؛ منبعی برای ارتقای آگاهی، مهارت و پیش‌تربیتی او. هرچه این منابع آموزشی برای مربیان عمیق‌تر و کامل‌تر باشد، کیفیت کار آنان نیز بالاتر می‌رود. اما متأسفانه در عمل، مسیر معکوس طی می‌شود. به‌جای توانمندسازی مربی، شاهدیم برای کودکان پیش‌دبستانی، مجموعه‌هایی چندجلدی با حجم سنگین تولید و عرضه می‌شود. چهار، پنج یا حتی هفت جلد کتاب برای کودکی که هنوز در آغاز مسیر تجربه و بازی است. این رویکرد، بیش از آنکه بر پایه تربیت و نیازشناسی باشد، متأثر از نگاه تجاری و بازار فروش کتاب است.

■ **محدتۀ رضایی** | «دخترم گفت: بابا، من دیگه نمی‌خوام برم مهد. اجازه نمیدن بریم توی حیاط بازی کنیم!» این‌ها را یک پدر از تجربه حضور دخترش در یکی از مهدهای کودک می‌گوید؛ تجربه‌ای که به گفته او، بازتابی از وضعیت بسیاری از پیش‌دبستانی‌هاست که به‌جای بازی و تجربه، درگیر آموزش‌های زود هنگام و فشرده شده‌اند.

او به خبرنگار ما می‌گوید: دخترم را در یکی از مهدهای کودک ثبت‌نام و مبلغ ۳۵ میلیون تومان پرداخت کردم. برنامه کاری‌شان از ساعت ۸ تا ۱۲:۳۰ بود. اما بعد از یک هفته، دخترم دلدزه شد. وقتی علت را جویا شدم، فهمیدم روزی چهار جلسه ۴۵ دقیقه‌ای درس دادند، بدون هیچ بازی یا حتی اجازه رفتن به حیاط!

مدیر مهد می‌گفت سرفصل‌های درسی زیاد است و باید تا آخر سال تمام شوند. وقتی کتاب‌ها را دیدم، از حجم مطالب شوکه شدم، مفاهیمی مثل آشنایی با سی‌پی‌یو، هارد و رم برای کودکان پیش‌دبستانی!

او در ادامه توضیح می‌دهد: وقتی با والدین دیگر صحبت کردم، گفتند خودشان چنین آموزش‌هایی را خواسته‌اند. به یک مهدکودک دیگر مراجعه کردم، اما آنجا هم گفتند موظف‌اند تا پایان سال کتاب گاج را تدریس کنند. از پدر و مادرهای دیگر شنیدم بچه‌هایشان را بعد از مهد به پارک می‌برند تا انرژی‌شان را تخلیه کنند، چون از صبح تا ظهر فقط نشسته‌اند و درس خوانده‌اند.

به گفته این پدر، آموزش‌ها در بیشتر مهدها به‌قدری ساختار یافته و خشک شده‌اند که حتی نقاشی و بازی نیز به شکل تکلیف درآمده است. بچه‌ها دیگر فرصت ندارند با هم دوست شوند یا با هم بازی کنند.

او اشاره می‌کند: روان‌شناسان نیز در تأیید این موضوع می‌گویند این‌گونه نظم خشک و افراطی در سنین پایین، تربیتی ماشینی و ضدخلاقیت ایجاد می‌کند. آن‌ها هشدار می‌دهند این نوع نظم‌پذیری ظاهری می‌تواند در آینده منجر به دزدگی، اضطراب پنهان و از بین رفتن حس شادمانی در یادگیری شود. این پدر در پایان با لحنی تلخ می‌گوید: وقتی دخترم با شور و هیجان از دوستش خداحافظی می‌کرد، واکنش آن کودک سرد و بی‌احساس بود. انگار یاد گرفته بود حتی احساس‌اش را کنترل کند تا با قضای رسمی مهد هماهنگ شود. در چنین محیط‌هایی شاید بچه‌ها درس یاد بگیرند، اما روح کودکی‌شان را از دست می‌دهند.

■ **منگر ممنوع‌نود؟**
این شکل از آموزش در حالی در برخی از مهدهای کودک در حال اجراست که مسئولان و کارشناسان تربیتی از ممنوع بودن برخی از روش‌های آموزشی در این مراکز می‌گویند. چنان‌که رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش گفته بود: باید از آموزش الفبا در دوره پیش‌دبستانی جدا خودداری و به جای آن، مسئولیت‌پذیری و کمک به همنوع به کودکان آموزش داده شود.

محمد حسن رادمنش، معاون پیشین آموزش ابتدایی نیز با بیان اینکه دوره پیش‌دبستانی یک دوره تربیتی فعالیت‌محور بوده و آموزش حروف و اعداد در این دوره ممنوع است، عنوان کرده بود: خواندن، نوشتن، آموزش زبان انگلیسی، اعداد و... برخلاف اهداف یازده‌گانه دوره پیش‌دبستانی است.

■ **آموزش‌ها یا زود هنگام‌اند یا دیر هنگام**
مسعود تهرانی فرجاد، کارشناس و فعال تعلیم و تربیت کودکان به خبرنگار ما می‌گوید: در حوزه تعلیم و تربیت کودک زیر هفت سال، آنچه اهمیت دارد نه ساختن نیازهای تصنعی برای او، بلکه شناخت و پاسخ به نیازهای واقعی کودکی است. این نیازها بر پایه پژوهش‌ها و تجربه‌های تربیتی، در مهارت‌های پایه‌ای و زیربنایی نهفته‌اند: تفکر، تجربه‌کردن، دست‌ورزی، تحرک و آزادی عمل.

او می‌افزاید: هدف آموزش در این سنین، باید پرورش این توانایی‌ها باشد، نه انتقال زود هنگام مفاهیم آموزشی یا شکل دادن به سلیقه‌ای که با طبیعت کودک بیگانه است.

در این سنین حساس که بنیان‌های تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد، باید به جای تمرکز بر آموزش‌های زود هنگام و مفاهیم نظری، امکانات و تجربه‌هایی در اختیار کودک قرار گیرد که او را برای زیستن، فهمیدن و تعامل کردن آماده کند. آموزش‌های پیش‌دبستانی اگر هم ارائه می‌شوند، باید بهنگام، متناسب با سن و هماهنگ با مراحل بدنی تربیتی باشند، نه آنکه با مطالب و روش‌های سنین بالاتر درآمیزند و موجب سردرگمی ذهنی کودک شوند.

متأسفانه در بسیاری از موقعیت‌ها مشاهده می‌شود شاخص‌های اساسی رشد کودک نادیده گرفته می‌شوند. نیاز واقعی کودک، اقتضائات سنی او و پیوستگی میان دوره‌های مختلف رشد و آموزش، گاه در طراحی برنامه‌ها لحاظ نمی‌شود؛ به همین دلیل، آموزش‌ها یا زود هنگام‌اند یا دیر هنگام. در عین حال، مراکز نیز هستند که می‌کوشند با رعایت استانداردهای تربیتی، کودک را در تعامل واقعی با دنیای پیرامون قرار دهند و به جای انتقال زودرس دانش، بر پرورش مهارت‌های پایه‌ای و زیربنایی تمرکز می‌کنند.

■ **کیفیت آموزش مهم‌تر از کمیت آن است**
این کارشناس کودک معتقد است: ذات کودک سرشار از بازی، تحرک، کنجکاوی و میل به تجربه کردن

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید گلپهاری

[illegible]

گزارش تاریخی

روزنامه‌ای که قاتل مدیرش شد!

گروه تاریخ | روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۰، نخستین شماره روزنامه «قرن بیستم» در ۱۶ صفحه، به مدیریت میرزاده عشقی در تهران منتشر شد. این روزنامه همچون صاحبش، میرزاده عشقی عمر کوتاهی داشت؛ اما بارقه‌ای بود از شور آزادی‌خواهی در واقع‌اش. شکل گرفتن استبداد پهلوی، عشقی که نام اصلی‌اش سیدمحمدرضا کر دستانی بود، سال ۱۲۷۳ در همدان زاده شد و در همان جوانی به دنیای پرتلاطم سیاست ایران پا نهاد. در جنگ جهانی اول و در کشمکش سیاست متفقین و دول متحد، انزجار



از روس و انگلیس او را به هواخواهی از عثمانی‌ها واداشت و به استانبول رفت. چند سالی در این شهر ماند و در شعبه علوم اجتماعی و فلسفه دارالفنون باب‌عالی، جزو مستمعین آزاد بود. اوسیس به همدان بازگشت و مدتی بعد راهی تهران شد؛ در همین شهر بود که روزنامه «قرن بیستم» را با قطع بزرگ در «مطبعه روشنائی تهران» منتشر کرد. «قرن بیستم» به صورت سری منتشر می‌شد و بیشتر مقاله‌هایش به قلم میرزاده عشقی بود که در آن زمان از بهترین و تأثیرگذارترین مقاله‌ها به شمار می‌رفت. او که شاعر سیاسی و اجتماعی بود، تلاش می‌کرد واقعیت جامعه را در شعرهایش منعکس کند. در انتقاد از شخصیت‌های سیاسی و اوضاع آن روزگار، هیچ ابایی نداشت؛ دیدگاه‌های تند سیاسی و اجتماعی‌اش چنان بود و حکومت تاب تحمل آن را نداشت.

روزنامه عشقی بیش از ۱۷ شماره انتشار نیافت. مندرجات «قرن بیستم»، سرعق‌الهای تند و آتشین به همراه قسمتی از اشعار عشقی و مقالات اجتماعی و اخبار داخلی بود که تا ۲۸ فروردین ۱۳۰۲، شماره آن در دور دوم چاپ و منتشر شد. عشقی در مقالات خود، سیاست، مجلس، دولت و سرانجام، عملکرد رضاخان را به چالش کشید. در آغاز قدرت یابی رضاخان و همزمان با سر دادن ادعای جمهوری‌خواهی، عشقی دوباره روزنامه «قرن بیستم» را با قطع کوچک، در هشت صفحه منتشر کرد که یک شماره بیشتر انتشار نیافت و بر اثر مخالفت رضاخان، روزنامه‌اش توقیف شد.

مطالب و مقالات همین شماره بود که سرانجام موجب کشته شدن میرزاده عشقی شد. او ۱۲ تیر ۱۳۰۳، در نخستین ساعات بامداد، در منزل مسکونی‌اش واقع در دروازه دولت تهران توفیق دو مرد مسلح به قتل رسید. میرزاده عشقی روزنامه‌نگاری پرشور بود که گاه افکار و اعمالش به آثارشیم پهلوی می‌زد. از این رواج رضاخان و احمدشاه گرفته تا چهره‌های ملی مانند مشیرالدوله پیرنیا و حتی مرحوم سیدحسن مدرس را به باد انتقاد می‌گرفت. اما چنان‌که ملک الشعرای بهار نوشته است، به تدریج پرده‌ها از پیش چشمش کنار رفت و از حقیقت اقدامات رضاخان و جمهوری‌خواهی او آگاه شد. از این زمان بود که با شعر و قلم پرشور خود به مبارزه با دیکتاتوری در حال شکل‌گیری رضاخانی پرداخت. ملک الشعرای بهار می‌نویسد: «عشقی بازی‌های سردارسیاهی را دیده و بر دستانس سیاسی او واقف شده بود. او ترور و دفن خود را نیز در خواب دیده بود. ما از خواب او به خود لرزیدیم و به او تسلیت دادیم».

مدیر «بهایی» شکنجه‌گاه شاه

پرویز ثابتی سال ۱۳۱۵ در سنگسر از توابع سمنان، در محله‌ای به نام تیه‌سر و در یک خانواده بهایی به دنیا آمد. وی دوران ابتدایی را در سنگسر و دوران دبیرستان را در تهران گذراند و در دانشگاه تهران، در رشته حقوق تحصیل کرد. ثابتی بهمن ۱۳۳۷ با معرفی صرایی (مدیرکل اداره



نهم) به استخدام ساواک درآمد. وی با جاداطیلی و سرسپردگی مظفاره‌نه، خیلی زود در تشکیلات ساواک ترقی کرد. ابتدا با حمایت فردوست، قائم مقام وقت ساواک و ناصر مقدم، مدیرکل اداره سوم، در سال ۱۳۴۵ رئیس اداره یکم اداره کل سوم شد. در همان سال، ناگهان به اعتبار یک برنامه تلویزیونی، به شخصیتی سرشناس بدل شد و به تدریج ابعاد قدرتش فزونی گرفت. ثابتی تا آنجا پیش رفت که احراز همه مشاغل مهم، از پست وزارت گرفته تا استادی دانشگاه علمیی و حتی کارمندی دولت، در گرو دریافت اجازه اداره‌ای بود که ریاستش را او برعهده داشت. وی از کسانی بود که در رأس یک گروه از مأموران ساواک، به اسرائیل اعزام شد و به احتمال قوی و با توجه به استقرار مرکز سرکردگان فرقه بهابیت در فلسطین اشغالی، در همان مأموریت به استخدام موساد درآمد. در اوایل دهه ۱۳۵۰ به عنوان «سختگوی ساواک» و «مقام امنیتی» شهرت یافت، گرداننده اصلی سازمان ساواک محسوب می‌شد و ارتباطاتی که با «موساد» و عوامل این سازمان در ایران داشت، حتی در امور مربوط به نمایندگی‌های ساواک در خارج از کشور نیز که خارج از حوزه اختیارات او بود، مداخله می‌کرد. ثابتی سال ۱۳۵۲، توسط ارتشید نصیری، رئیس وقت ساواک به سمت مدیرکل اداره سوم تعیین و عملاً همه کاره ساواک شد. پرویز ثابتی (با نام رمز بامداد) در تمام عملیات‌های پرسروصدای ساواک در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶، نقش اصلی را برعهده داشت و شبکه ساواک در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و حتی بخش خصوصی، زیرنظر مستقیم او عمل می‌کردند و کار امنیتی داخلی، یکسره در دست وی بود که ریاست اداره سوم ساواک را برعهده داشت. ثابتی از دوستان نزدیک هویدا بود و در ملاقات‌هایی که هر چهارشنبه شب با وی داشت، اطلاعاتی را در اختیار وی قرار می‌داد که می‌گمان یکی از ابزارهای تثبیت و تداوم قدرت هویدا بود. ثابتی ۱۰ روز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به ژنو گریخت و از آنجا به همراه همسرش به سرزمین‌های اشغالی رفت. او همچنین به «شکنجه‌گر مخوف ساواک» شهرت داشت.

تکاپوهای حکومتی

او در سال‌های حضورش در عالم سیاست بارها مورد غضب شاه و دربار واقع شد. ولی هر بار با وساطت دوستان بانفوذش از مهلکه جان به در برد. ناظم‌الدوله زندگانی پرافت و خیزی داشت، گاهی بر مرکب قدرت سوار بود و گاهی در حقیض ذلت و انزوا! بستگی داشت که جایگاهش نزد شاه چه باشد. در سال‌های پایان زندگی، تا مه‌ای پیششهادی در باب اصلاح امور ایران به وزارت خارجه نوشت با این ادعا که «این طرح تازه، کلید نجات ایران خواهد بود»؛ اقدامی که البته به هیچ گرفته شد و در شیوه حکمرانی قاجارها تغییری به وجود نیاورد.

اندیشه اصلاح خط فارسی

یکی از دغدغه‌های میرزا ملک‌خان که احتمالی چندانی به آن نشده است، اندیشه اصلاح خط فارسی است. وی نقدهایی به خط و الفبای فارسی داشت و تغییر آن را ضروری می‌دانست. میرزا ملک‌خان رسم الخطی ابداع کرد و الفبای فارسی را به شیوه خود تغییر داد. گلستان سعدی را به شیوه نگارش خود بازنویس کرد و کتاب «اقوال علی»، «نمونه خطوط آدمیت» و «ضرورت امثال متخیه» را به همان شیوه به رشته تحریر درآورد و در انگلستان به چاپ رسانید. وی رساله‌ای در باب کاستی‌های رایج در الفبای کشورهای اسلامی و ضرورت اصلاح آن با عنوان «شیخ وزیر» نوشت و به سیاستمداران هدیه داد. رساله «خط آدمیت» یا همان کتاب «معایب خط ملکی» را به شیوه پرسش و پاسخ نوشت و در آن به اصلاح خط فارسی پرداخت. میرزا ملک‌خان در سال ۱۸۸۵ میلادی رساله‌ای را با عنوانی عجیب «ن م و ن ه خ و ط ا د م ی ت» (نمونه خطوط آدمیت) در لندن به چاپ رسانید که بیشتر حول اندیشه اصلی خود، او یعنی تغییر الفبای فارسی دور می‌زد. کوشش‌های میرزا ملک‌خان در تغییر خط فارسی، یسان دیگر تلاش‌هایش ناکام ماند و در محافل علمی و تخصصی جدی گرفته نشد. اقدامات او همچون دیگرانی که بدون ملاحظات فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی مردم ایران، سعی در تغییر آداب و سنن و فرهنگ اصیل این سرزمین داشتند نتیجه قابل اعتنایی نداشت و احتمالاً برای دیگری که در آینده این راه را دوباره خواهند پیمود نیز بی نتیجه خواهد ماند. البته میرزا ملک‌خان در این مسیر تنها نبود؛ افراد مختلفی بودند که همزمان با پس از وی به این عرصه ورود کردند و به بهانه تجدد و درکسوت «منورالغری» به دنبال استحاله فرهنگی ایران رفتند و آن را مقدمه‌ای برای یک تغییر بنیادین دانستند. این رویکرد، به‌ویژه در میانه دهه ۱۲۹۰ خورشیدی از سوی برخی محافل روشنگری که وابستگی‌های مشکوکی داشتند، جدی گرفته شد و تلاش برای تغییرات بنیادین حکومتی، در نهایت به قتل‌گرفت و سپس به سلطنت رسیدن رضاخان انجامید. استحاله مورد نظر ملک‌خان و هفنگرانش در قامت تجدد آفرانه پهلوی، بروز و ظهوری تمام یافت و به این ترتیب، ضربات هولناکی بر پیکر ساختار فرهنگی و اجتماعی ایران وارد آمد. موضوعی که بررسی آن بجای مفصل‌تر و دیگر می‌طلبید.



میرزا ملک‌خان علاقه مفرطی به فرهنگ غربی پیدا کرد؛ سفرهای متعدد به فرنگ برای تقویت این دلبستگی و شیفتگی کافی بود و همین رویکرد سبب شد به گسترش این فرهنگ در جامعه ایرانی علاقه‌مند شود و بی‌محابا در این مسیر گام بردارد

متحددی را می‌آزمود. او به قول خودش طرحی ریخت که در آن، عقل سیاست مغرب را با خرد دیانت شرق در هم آمیخت؛ ملک‌خان معتقد بود جامعه ایرانی هرگز مانند، جوامع اروپایی نخواهد شد، مگر آنکه فکر ترقی مادی در پوشش دین به مردم عرضه شود تا معنای واقعی آن را درک کنند. او این دغدغه را تا پایان زندگی با خود همراه کرد و آثاری در راستای تبیین آن به رشته تحریر درآورد. ملک‌خان حدود ۲۸ رساله در موضوعات مختلف همچون آزادی اجتماعی، حکومت قانون، حقوق اساسی افراد، انتظام لشکر، اخذ تمدن اروپایی و... نوشت. برخی معتقدند او در آثارش، بیشترین تأثیر را از مونتسکیو (درگذشته ۱۷۵۵ میلادی) فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی گرفته است؛ چنان‌که در رساله‌ای با تمجید از کتاب علم حقوق مونتسکیو، تعبیر غربی «پیغمبر علوم دولتی» را در توصیف وی مورد استفاده قرار می‌دهد.

این را در ژمره خدمات وی آورده‌اند.

مؤسس فراموشخانه

گفتم که میرزا ملک‌خان در سیاست و فرهنگ سر پرشوری داشت؛ احتمالاً به همین دلیل و با توجه به علاقه مندی‌هایش «فراموشخانه» را به سیاق لژهای ماسونی در ایران تأسیس کرد و سیاست‌پیشگان و اهالی فرهنگ را در این مجموعه به دور خود گرد آورد و تحرکات ستری را آغاز کرد. ملک‌خان در جلسات فراموشخانه، پس از فعالیت‌های سیاسی به سراغ دین رفت و مسئله پیرایشگری در اسلام و محوریت عقل بشر و جوهر ذات آدمی را پیش کشید. ناظم‌الدوله در همه امور نیم‌نگاهی به غرب داشت و همواره راه فلاح و نجات ایران را در تجدد و تغییر ساختار سیاسی به شکل و الگوی نظام حکمرانی غربی می‌دانست و برای تحقق منویات مورد نظرش، راه‌های

تحلیل

ترور سرشناس‌ترین طرفدار حقوق سیاه‌پوستان آمریکا با چه تفکری انجام شد؟

ترامپیسم و معمای قتل «مارتین لوتر کینگ»

یافت و پس از بازگشت از این سفر بود که نام کوچک خود و پسرش را تغییر داد. اگرچه کینگ با یک متر ۷۰ سانتیمتر قد و چهره‌ای عادی، ظاهر خاصی نداشت، اما هنگام سخنرانی از جملاتی شعرگونه و عمیق استفاده می‌کرد: «اگر خواهان صلح روی زمین هستیم، نباید وفاداری‌مان را به نژاد، ریشه و طبقه اجتماعی و ملیتمان محدود کنیم. این یعنی ما باید چشم‌اندازی جهانی را گسترش و تکامل دهیم». به گفته فرزند او، برنیکه آنچه دنیای امروز از چهره مارتین لوتر کینگ می‌سازد یک تصویر تک‌بعدی است. کینگ در درجه نخست، انسانی بود که می‌خواست به فقر کمک کند و البته قصد داشت این کار را با ایده‌ای انقلابی انجام دهد.

او در سال ۱۹۵۲ در نامه‌ای خطاب به هنسر آیت‌ده‌اش، یعنی کورتا نوشت: «سرمایه‌داری امری کهنه و در حال زوال است. من تردید ندارم روزی فرا می‌رسد که ملی کردن صنایع پیروز شود. باید از این نیز بیشتر امید داشته باشیم و برای دیدن دنیایی عری از جنگ تلاش و دعا کنیم، دنیایی پرخوردار از توزیع بهتر رفاه، دنیایی که برادری بر نژاد و رنگ پیروز شود». از نظر مارتین لوتر کینگ، نژادپرستی آفتی است که نمی‌توان آن را از فقر و جنگ جدا کرد؛ به این صورت که سفیدهای فقیر، علیه سیاهان فقیر برمی‌خیزند و همه ملت‌ها به جان هم می‌افتند تا یک سیستم بیمار را سر پا نگه دارند و در این جنگ عده‌ای معدود به هزینه دیگران ثروتمند می‌شوند.

تداوم برده‌داری

آمریکا براساس سیستمی بنا شد که برده‌داری در آن امکان‌پذیر است. فرستاده و نماینده کارولینای جنوبی در مجلس سنا در سال ۱۸۴۸ میلادی، این سیستم را این گونه به تصویر می‌کشید: «شکاف بزرگ در این جامعه بین افریقا و قفرانیست بلکه میان سیاهان و سفیدهاست. بالاترین اولویت این است که فقر را افریقا در جایگاه بالا قرار گرفته و هر دو گروه به یک اندازه مورد احترام و کرامت قرار گیرند». هنگامی که نظام برده‌داری بالاخره پس از ۲۵۰ سال ملغی شد، بیم آن می‌رفت که کشور دچار فروپاشی شود. اما آن سیستم برقرار ماند و به باور کینگ، جدایی نژادی و اذیت و آزار سیاهان همچنان ادامه یافت. اینکه امروزه این بخش از ایدئولوژی کینگ کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، امر شگفت‌آوری نیست.

البته گاه این بخش از افکار و در رابطه با این واقعیت بیان می‌شود که اگرچه آفریقا و آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار تنها ۱۳ درصد از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند، ۴۱ درصد از زندانیان مرد و ۲۲ درصد از کسانی که هدف شلیک مأموران پلیس قرار می‌گیرند سیاه‌پوست هستند.



گروه تاریخ |

حدود ۵۷ سال از قتل مارتین لوتر کینگ می‌گذرد. اگرچه این فعال سیاه‌پوست حقوق بشر توانست بسیار بیشتر از پیشینیان خود بر ایالات متحده آمریکا تأثیر بگذارد، اما با گذشت نزدیک به ۶ دهه از مرگ او، از رویایی که مدنظر داشت و همین طور آرمان‌هایش، چه باقی مانده است؟ اندرویانگه یکی از دوستان مارتین لوتر کینگ می‌گوید: «مارتین آدم‌سریه هوایی بود، اما هرگز ندیده بودم مانند آن شب چنین حماقتی به خرج دهد». لیدختری بر چهره شکسته اما مهربان یانگ می‌نشیند و ادامه می‌دهد: «مانند یک پسر بی‌جده ده‌ساله رفتار کرد!» روز ۴ آوریل ۱۹۶۸ بود و آن‌ها یعنی دکتر مارتین لوتر کینگ، همقطار و دوست یانگ و شماری دیگر از فعالان حقوق بشر، در متل لورن شهر ممفیس اقامت داشتند. آن‌ها برای حمایت از یک راهپیمایی اعتراضی که از سوی رفتگران برگزار می‌شد، به آنجا رفته بودند.

چرا ترور شد؟

برخی تا امروز بر این باورند که قاتل مارتین یعنی «جیمز اربل ری» به صورت انفرادی دست به این اقدام نژده و افسی‌آی و دیگر افراد و نهادهای قدرتمند، به او کمک کرده‌اند. به باور آن‌ها، کینگ یعنی همان مردی که در ۲۵ سالگی جایزه صلح نوبل را از آن خود کرد، برای نظم حاکم بر آمریکا یک خطر محسوب می‌شد. حتی مخالفان و دشمنان کینگ در واشنگتن نیز این را می‌دانستند که وی هرگز کسی را به خشونت ترغیب نمی‌کند و در عوض، از واقعیتی بسیار مهم می‌گوید: سرکوب مردم از سوی دولت به دلیل رنگ پوستشان به هیچ عنوان توجیه‌پذیر نیست. یانگ می‌گوید: «به باور من، مسئله این نیست که چه کسی مارتین را کشت؛ بلکه مسئله این است او چرا کشته شد؟ اگرچه در آن زمان، هنوز کسی دونالد ترامپ را ندیده بود؛ اما همان پیمای که اینک رئیس‌جمهور به آن دچار است، همان ترس‌ها و همان ناامنی‌ها در آن زمان به مرگ مارتین انجامید». اندرویانگ در سراسر زندگی خود تلاش داشته و دارد ترس و هراس سفیدپوستان را از بین ببرد؛ اما آن گونه که امروز عقیده دارد، نژادپرستی میراثی ریشه‌دار و عمیق در آمریکاست و مانند یک ژن معیوب عمل می‌کند: «آمریکا بر این فرضیه و باور استوار است که سفیدها برتر از سیاه‌ها هستند. سیاهان به بردگی کشیده شدند زیرا سفیدپوستان روشنفکر بوده و از نظر اخلاقی بر آن‌ها مزیت دارند؛ اما این درست نیست و هرگز حقیقت نداشته است».

آغاز یک حرکت

همه چیز از خیابان آوهورن شهر آتلانتا شروع شد. مایکل کینگ جوانیور (لوتر کینگ) در همین خیابان و در ۱۵ ژانویه ۱۹۲۹ به دنیا آمد. او دومین فرزند از سه فرزند معلمی به نام آلبرت و ویلیامز کینگ و شوهرش مایکل کینگ بود. کینگ پدر، در سال ۱۹۶۹ در کنگره جهانی بابتبست‌ها در برلین حضور

ت که در **لیبار هم بیشتر از آنکه برای کودکان و نوجوانان باشد، فیلمی** قدیمی فیلم سازان مانند خاتم مرضیه برومند، آقای طهماسب **چرا با وجود جغرافیای متنوعی که در ایران داریم سینمای ما تا** زانر هیجانی

۴ از اصلی نسخه ۲ حوزه ثبت ملک شیروان ژمحل مالکین مشایخی و اشخاص ذینفع در آراء اعلام شده دارند باید از انتشار آن‌گهی و دروسات‌ها از تاریخ الصاق به راه باز آداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ را به تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت بر تقدیم دادخواست گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل مهلت قانونی اصل نگردد یا معترض گواهی تنظیم دادخواست نماید اداره ثبت مبادرت بر صدور سند خواهد نمود مراجعه متصرف به دادگاه نخواهد بود.

[۱۳۹۷] [۱۴]

گفت‌وگو با پروفسور گری چارتیه، نویسنده کتاب «زندگی‌های سعادت‌مند»

از قانون طبیعی تا زندگی خوب



محمد جواد استادی | در گفت‌وگو با پروفسور گری چارتیه (Gary Chartier)، استاد فلسفه و حقوق در دانشگاه La Sierra آمریکا و یکی از چهره‌های شاخص در حوزه فلسفه اخلاق، نظریه قانون طبیعی و الهیات سیاسی کوشیده‌ام به بررسی مبانی فکری و اخلاقی Flourishing Lives (زندگی‌های سعادت‌مند یا بالنده) بپردازم.

این کتاب با ترجمه متین پیرام و از سوی انتشارات آماره در ایران منتشر شده، برای نخستین بار اندیشه «لیبرالیسم قانون طبیعی» را به زبان فارسی معرفی می‌کند و فرصتی فراهم آورده تا مباحثی بنیادین درباره نسبت میان اخلاق، آزادی، خیر انسانی و عدالت در فضای فکری ایران به گفت‌وگو گذاشته شود. گری چارتیه از چهره‌های تأثیرگذار در سنت نئوتومستی و در عین حال منتقد سرسخت اقتدار سیاسی مدرن است، او در آثار خود که در این گفت‌وگو نیز به آن‌ها اشاره می‌کند، کوشیده است تا با خوانشی تازه به ایمان دینی، اخلاق و آزادی بپردازد. چارتیه در مقام فیلسوفی که هم به سنت کلاسیک ارسطویی و توماسی تعلق دارد و هم به جریان لیبرال آثارشینی نزدیک است، در آثارش تلاشی مداوم برای آشتی دادن «قانون طبیعی» با «لیبرالیسم اخلاقی» نشان می‌دهد؛ پروژه‌ای که در کتاب زندگی‌های سعادت‌مند به اوج می‌رسد.

این کتاب نه صرفاً دفاعی از یک نظام فلسفی، بلکه دعوتی است به بازاندیشی در معنای «زندگی خوب» و نسبت آن با خیرهای انسانی.

آزادی فردی و ساختارهای اجتماعی، چارتیه در فصل‌های مختلف کتاب، از مسائلی همچون «نمرده‌دهی در آموزش»، «گیاه‌خواری»، «حقوق مالکیت» و حتی «دروغ گفتن» سخن می‌گوید و از خلال مثال‌های روزمره می‌کوشد نشان دهد که نظریه قانون طبیعی می‌تواند راه‌نمایی عملی برای زیست اخلاقی در جهان امروز باشد.

ترجمه فارسی این اثر، فرصتی است برای ورود اندیشه‌های نو در قلمرو اخلاق و فلسفه سیاسی معاصره به فضای فکری ایران. با این حال، انتشار و بررسی این کتاب به معنای تأیید دیدگاه‌های نویسنده نیست، بلکه تلاشی است برای باز کردن میدان نقد و گفت‌وگو درباره نسبت میان آزادی، اخلاق و دین در جهان معاصر. همان‌گونه که خود چارتیه در پاسخ به پرسشی درباره امکان کاربست نظریه او در جوامع اسلامی تصریح می‌کند، قانون طبیعی اگرچه داعیه جهان‌شمولی دارد، اما باید در گفت‌وگو با سنت‌های بومی و دینی بازخوانی شود. از این منظر، گفت‌وگوی حاضر گامی است در جهت درک دقیق‌تر این رویکرد و ارزیابی انتقادی آن از منظر اندیشه دینی و فلسفه اسلامی.

امید است این کوشش‌های اندیشه‌پروانه آغازگر مسیری تازه برای نقد و گفت‌وگوی میان‌فرهنگی در حوزه فلسفه اخلاق و سیاست باشد؛ مسیری که از رهگذر آن، مفاهیمی چون «شکوفایی انسان»، «زندگی سعادت‌مند» و «خیر مشترک» بتوانند در پرتو گفت‌وگوی میان سنت‌های فکری، معنایی ژرف‌تر و بومی‌تری بیابند.

■ یک نقد تکرار شونده این است: «چرا قانون طبیعی؟ خیلی از لیبرال‌ها بدون آن هم به نتایج مشابه می‌رسند». قانون طبیعی چه چیزی اضافه می‌کند که چارچوب‌های اخلاقی دیگر فاقد آن‌اند؟

من نظریه قانون طبیعی را بر مبانی مستقلی نمی‌پذیرم. ادعای من این نیست که کسی نتواند از جای دیگری، بر پایه مبانی نظری متفاوتی، به لیبرالیسم برسد. ادعای من این است که مردم «باید» نظریه قانون طبیعی را بپذیرند و کسانی که نظریه قانون طبیعی را می‌پذیرند ممکن است دلایلی را که من عرضه کرده‌ام مقید بپذیرند برای روشن‌تر شدن «مزایای لیبرالیسم».

به گمان من قانون طبیعی چیز مهمی هم می‌افزاید: یک تصور «محتوای مجبور» و مثبت از اینکه یک انسان چگونه «محقق و کامل» می‌شود، اینکه «زندگی خوب پیش می‌رود» یعنی چه. لیبرالیسم -درست- می‌کوشد استفاده از زور را برای تحمیل یک «برداشت از خیر» به حداقل برساند. اما لیبرالیسم غالباً طوری فهمیده شده که گویی از هر تصویر مثبتی از خیر بریده است، طوری نسبت به خیر «هی‌طری» است و شاید نسبت به خیر ذهنی‌گرا یا حتی نیهیلیستی است. صورت‌بندی یک «لیبرالیسم قانون طبیعی» از نوعی که من اینجا شرح می‌دهم، یکی از راه‌ها (و قطعاً تنها راه نیست) برای نشان دادن این است که لیبرالیسم می‌تواند در یک تصور محتوایی از خیر ادغام شود و حتی از آن بچوشد.

■ شما رابطه میان «آزادی فردی»، «بازار» و «قانون طبیعی» را چطور تعریف می‌کنید؟ آیا قانون طبیعی محدودیت‌هایی بر آزادی بازار تحمیل می‌کند، یا خود بازار در دانش برای شکوفایی انسانی ضروری است؟

برداشت من از بازار این است که بازار مجموعه‌ای است از روابطی که بر پایه «حقوق مالکیت نیرومند/ قوی و مستحکم» شکل می‌گیرند و این حقوق مالکیت خود برآمده از نظریه قانون طبیعی‌اند. این حقوق مالکیت، هم‌را با «حقوق تعاملیت بدنی» سازنده و تشکیل دهنده «آزادی فردی» در معنای حقوقی (قانونی) هستند. (همان‌طور که پایین‌تر اشاره می‌کنم، آزادی چیزی فراتر از حقوق قانونی است).

الزامات و بایدهای قانون طبیعی بر اینکه انسان «چگونه باید» در بازار رفتار کند» اثر می‌گذارد (مثلاً دزدی و تقلب را منع می‌کند و مستلزم «جبران خسارت» برای خطاهای شبه جرم‌گونه / مسئولیت مدنی (torts) و نیز برای برخی نقض‌های قراردادی است). این‌ها محدودیت‌هایی بر آزادی بازار تحمیل می‌کنند، اما فقط برخی از این محدودیت‌ها «قابلیت اعمال حقوقی» دارند. برای نمونه: من ممکن است قراردادی زناشویی ببندم که در آن خود را به «انحصار اروتیک / وقاداری جنسی» متعهد کنم و بعد شروط آن قرارداد را بشکنم. قانون نمی‌تواند برای واداشتن من به «اطاعت / انقیاد فیزیکی» از مفاد توافق یا برای واداشتن من به پرداخت خسارت مالی بابت نقض این بند مرا مجبور کند. مگر در شرایط خاص. با این حال، نقض این توافق همچنان «یک خطای اخلاقی جدی» است. اینکه بسیاری از لیبرال‌ها دچار این خطا می‌شوند که فقط هتجرای اخلاقی «قابل اِعمال حقوقی» را جدی و مهم بداند، یک خطای بزرگ است.

بازارها واقعاً به‌طرز حیاتی در شکوفایی انسانی سهم دارند، چون پیش‌شرط‌های مادی پیگیری و مشارکت در انواع خیرهای انسانی (فراهم می‌کنند و همچنین فرصت‌های مستقیمی برای پرورش و ابراز برخی از همین خیرها در اختیار می‌گذارند).

■ شما گفته‌اید لیبرالیسم باید «فراتر از فقط دولت و بازار» باشد. کتاب شما دنبال پرکردن کدام خلأ در لیبرالیسم جریان اصلی است؟

من در این زمینه کاملاً همراه جان استوارت میل هستم: فکر می‌کنم لیبرالیسم درباره «زندگی اجتماعی» است، نه فقط درباره «حقوق قانونی». من فکر می‌کنم ما باید آزادی فردی را در برابر فشار اجتماعی و نهاد‌های اجتماعی هم عزیز بداریم، نه فقط در برابر دولت یا صرفاً در نسبت با حقوق مالکیت. نهاد‌های اجتماعی، تا جایی که ممکن است، باید طوری عمل کنند که «انتخاب آزاد» را حراست و تقویت کنند. نباید الزاماً از نظر حقوقی مجبور باشند چنین کنند، مگر در جایی که صحبت از «کاربرد زور» است؛ اما از نظر اخلاقی، بله، باید تا حد واقع‌بینانه ممکن به آزادی فردی احترام بگذارند.



■ اگر سیاست‌گذاران بخواهند کتابتان را جدی بگیرند، در عمل چه چیزهایی باید تغییر کنند؟ نهاد‌های عمومی یا قوانین چطور می‌توانند بر مبنای ایده «زندگی‌های شکوفا» بازطراحی شوند؟

در بنیاد، قوانینی که مطابق رویکرد من در کتاب تنظیم بشوند، استفاده از زور را به کمترین می‌رسانند و آن را محدود می‌کنند به جلوگیری از «مداخله و تعرض» یا فراهم کردن «جبران» برای مداخله و تعرض نسبت به «بدن‌ها» و نسبت به «حقوق مربوط به اشیای مادی». این کار به‌طور چشمگیری استفاده هر نظام حقوقی از زور را محدود می‌کند و تقریباً حتماً انواع گوناگونی از «پدرسالاری / قیم، مافی حقوقی» را حذف می‌کند.

پذیرفتن رویکردی که من پیشنهاد می‌دهم به‌سوی آناش‌ی، اگر جنگی را مهار می‌کند - حتی در جهانی که هنوز دولت‌ها وجود دارند - زیرا من از یک «قاعده خطر کم‌تر روشن» دفاع می‌کنم که جنگ‌جویی را فقط به «گشش دفاعی» محدود می‌کند. همان‌طور که روشن کرده‌ام، من آنارشیستم. اگر سیاست‌گذاران کتاب مرا جدی بگیرند، باید «دولت را جمع کنند» و آن را با یک نظم سیاسی «پلی سنتر» (چند-کانونی) و «شیک‌مپیوند خورده» جایگزین کنند. حتی بدون حرکت به‌سوی آناش‌ی، اگر سیاست‌گذاران استدلال‌های کتاب مرا جدی بگیرند، باید بپذیرند که «اظهارات تأثیر قربانی» در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با «آزادی مشروط» هیچ جایگاهی ندارد.

■ استدلال‌های شما اغلب با تجربه‌های انسانی جهان‌شمول حرف می‌زنند. چارچوب شما در جوامع غیر غربی یا دینی، مثل ایران، چه نسبتی پیدا می‌کند؟

روشن است که یک منتقد ممکن است بگوید نظریه قانون طبیعی، هر چند ادعا دارد «انسانی‌عام» است، در واقع از نظر فرهنگی بسیار خاص‌تر از آن چیزی است که طرف‌دارانش می‌پندارند. من در کمترین حد می‌توانم نقد معتبری باشد. با این حال، امیدوارم روشن است که این محدودیت‌هایی بر آزادی بازار تحمیل می‌کنند، اما فقط برخی از این محدودیت‌ها «قابلیت اعمال حقوقی» دارند. برای نمونه: من ممکن است قراردادی زناشویی ببندم که در آن خود را به «انحصار اروتیک / وقاداری جنسی» متعهد کنم و بعد شروط آن قرارداد را بشکنم. قانون نمی‌تواند برای واداشتن من به «اطاعت / انقیاد فیزیکی» از مفاد توافق یا برای واداشتن من به پرداخت خسارت مالی بابت نقض این بند مرا مجبور کند. مگر در شرایط خاص. با این حال، نقض این توافق همچنان «یک خطای اخلاقی جدی» است. اینکه بسیاری از لیبرال‌ها دچار این خطا می‌شوند که فقط هتجرای اخلاقی «قابل اِعمال حقوقی» را جدی و مهم بداند، یک خطای بزرگ است.

■ برخی منتقدان نگران‌اند که «لیبرالیسم قانون طبیعی» سر بخورد به سوی «مداخله کاری اخلاقی». شما چطور قانون طبیعی را گشوده نگه می‌دارید و نمی‌گذارید خشک و سنت‌گرا شود؟

پرسش بسیار خوبی است. من فکر می‌کنم نظریه قانون طبیعی از نوعی که من می‌پسندم، با به رسمیت شناختن «کثرت عظیم شیوه‌های انسان بودن به گونه‌ای شکوفا» شروع می‌کند و اصول اخلاقی‌ای که با آن‌ها کار می‌کند کاملاً کلی‌اند و بی‌تردید گزینه‌های متعددی را روی میز باقی می‌گذارند. نظریه قانون طبیعی بسیار کمتر از مثلاً فایده‌گرایی، تمایل دارد خیال کند «در هر موقعیت فقط یک کار درست وجود دارد».

من دو کتاب دیگرم را مورد اشاره قرار می‌دهم: «دوست داشتن آفرینش: اخلاق مسیحی طبیعت» و «مسببیت و دولت-ملت» پژوهشی در الهیات سیاسی؛ «هر دو می‌توانند کمک کنند موضوع را درباره این مسئله و برخی مسائل دیگر که مطرح کردید روشن‌تر کنند. هر دو کتاب صریحاً الهیاتی و مسیحی هستند، گرچه فکر می‌کنم هنوز برای کسانی در سنت‌های دیگر هم - به‌ویژه سنت‌هایی که با نگاه ارسطویی همدلی دارند - قابل فهم و قابل دسترسی خواهند بود.

همه موضوع‌های ممکن بپردازد و من یک کتاب کامل نوشتم که به مسائل مثل «جنسیت و روابط جنسیتی»، «جنسیت و آزادی جنسی» و دست‌کم یکی از ابعاد بسیار مهم نسبت جنسیت می‌پردازد: کتاب «عمل عمومی، حقوق خصوصی / Public Practice, Private Law».

■ به نظرتان کدام بخش یا استدلال در «زندگی‌های شکوفا» / Flourishing Lives بیش از همه از سوی خوانندگان یا داوران نادیده گرفته شده و چرا آن بخش برایتان مهم است؟

منی دائم دقیقاً چه چیزی از طرف خوانندگان و منتقدان معقول مانده است، اما دوست دارم موضوعی که در بحث درباره «دروغ گفتن» بیش می‌کشم جدی‌تر گرفته شود. حتی اگر بعضی دروغ‌ها در نهایت موجه از آب دربیایند، دوست دارم در عمل «به‌طور چشمگیری» تعداد دروغ‌هایی که گفته می‌شود کاهش یابد و اینکه «دروغ‌گویی به‌مثابه رویه عادی» به هیچ بهانه‌ای رد نشود.

■ از منظر یک خواننده: اگر من «لیبرالیسم قانون طبیعی» شما را بپذیرم، این در زندگی شخصی من یا در تصمیم‌های اخلاقی من چه تغییری ایجاد می‌کند؟

منی خواهم طعنه بزنم، اما چطور می‌توانم به این پاسخ بدهم بدون آنکه چیزهای زیادی درباره زندگی شخصی و تصمیم‌های اخلاقی مشخص خود شما بدهم. ممکن است پذیرفتن نظریه نئوکلاسیک قانون طبیعی از نوعی که من تأیید می‌کنم زندگی شما را «به‌طور ریشه‌ای» دگرگون کند؛ و ممکن است تأثیر چندانی نداشته باشد، اگر رفتارهای همین حالا هم بازتاب‌دهنده اصول قانون طبیعی باشد. اگر شما آن نوع لیبرالیسمی را که من تأیید می‌کنم بپذیرید، آن‌گاه «آناش‌یسم» را می‌پذیرید و از حمایت از کاربرد نظام‌مند زور در بیشتر موارد سرباز می‌زنید.

■ در جهان امروز مصرف‌گرایی، شبکه‌های اجتماعی و قطعی شدن سیاسی، بزرگ‌ترین موانع شکوفایی کدام‌اند؟ لیبرالیسم قانون طبیعی چگونه می‌تواند به این چالش‌های مدرن واکنش نشان دهد؟

در میان بزرگ‌ترین موانع شکوفایی در جوامعی که من به‌شکلی معنادار با آن‌ها آشنا هستم: (الف) گرایش به مقاومت در برابر الزامات وفاداری و این نگاه که روابط میان فردی کلیدی «مصرف‌شدنی‌اند» و می‌شود آن‌ها را خیلی راحت و سریع ترک کرد. (ب) نوعی بازگشت به یک «اخلاق قبیله» گروه‌محور که دیگری متفاوت، یعنی کسی که به گروهی جز گروه خود تعلق دارد، را شایسته احترام و حراست نمی‌بیند. (ج) ناتوانی در وارد شدن به اختلاف‌نظر متدنه‌اند و در عوض نوعی میل به «بت‌سازی» از گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محبوب شخص و اینکه کسانی را که این گرایش‌ها را ندارند «هیولاهای پلیو منغور مطرود» به حساب بیاورد که باید طرد و تیزی جست از آن‌ها. این موضوع با نوع اخلاق و سیاست قانون طبیعی که من کوشیده‌ام بگذارم سازگارند؛ اخلاق و سیاستی که «تعهد / پایبندی» را راجع می‌نهد، «تنوع انسانی» را تأیید می‌کند و چندین مبنای برای تأیید «آزادی بیان» و مقاومت در برابر هر نوع بت‌سازی (idolization) فراهم می‌کند. از نظر نظری، پس، لیبرالیسم قانون طبیعی خیلی مستقیم به این تمایلات ویرانگر مدرن پاسخ می‌دهد. اما حدس می‌زنم پرسش شما شاید در واقع درباره «استراتژی» باشد، یعنی اینکه این رویکرد چه راهبردی پیشنهاد می‌کند و من مطمئن نیستم که این رویکرد، حقیقتاً، یک راهبرد عملی مشخصی برای عرضه داشته باشد.

■ آیا فکر می‌کنید چارچوب شما می‌تواند الهام بخش یک مدل بومی یا زمینه‌ای از لیبرالیسم در جوامع غیر غربی باشد چیزی مثل یک «لیبرالیسم قانون طبیعی اسلامی» یا «شرقی»؟

ممکن است واقعاً پیوندهای جالبی میان اندیشه اسلامی و نظریه قانون طبیعی وجود داشته باشد و اگر چنین باشد، ممکن است بتوان پیوندهایی ساخت میان اندیشه اسلامی و «لیبرالیسم قانون طبیعی». نظریه قانون طبیعی داعیه جهان‌شمولی دارد؛ اما این به این معنا نیست که (الف) مسیر پذیرش آن در هر بافت و زمینه‌ای یکسان خواهد بود؛ یا (ب) صورت بیان آن در هر بافت یکسان خواهد بود. با این حال، امیدوارم هر مدلی محلی یا بومی از «لیبرالیسم طبیعی» یا مدلی که من در کتاب تأیید می‌کنم در یک نکته عمیق مشترک باشد: «مقاومت جدی در برابر هر کارگیری زور مگر در پاسخ به زور واقعی یا تهدید به کارگیری زور».

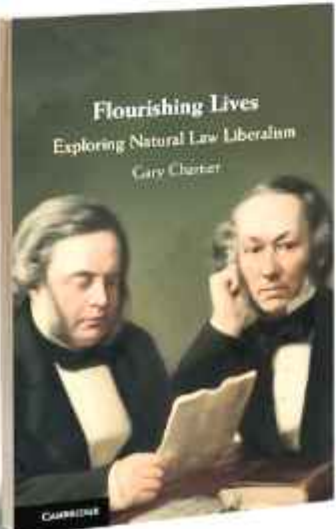
■ در افق پژوهشی آینده، جبهه‌های تازه تحقیق در «لیبرالیسم قانون طبیعی» کدام‌اند؟ این نظریه باید به چه پرسش‌های بی‌پاسخ یا بحرانی‌های نوظهور بپردازد؟

فکر می‌کنم جالب‌ترین پرسش‌ها برای «نظریه قانون طبیعی» به‌طور خاص، پرسش‌های فرانکر (متا-اخلاقی) هستند. به‌طور ویژه مهم است فهمیم «خیرهای انسانی گوناگون» چگونه از نظر انگیزشی بر ما «چنگ می‌اندازند» و آیا می‌توان این چنگ‌انداختن را معقول و فهم‌پذیر کرد، چیزی بیشتر از یک «پدیده لال و توضیح ناپذیر» باید روشن‌تر شود که چرا باید برای ما مهم باشد. باشد، «چرا «شکوفایی» باید برای ما مهم باشد.

لیبرالیسم و بنا بر این لیبرالیسم قانون طبیعی، باید خیلی بیش از این با این مسئله درگیر شود که چرا به‌نظر می‌رسد مردم دارند به دیدگاه‌های «لیبرالیسم» علاقه‌مند می‌شوند. آیا لیبرالیسم می‌تواند در پاسخ به این نگرانی‌ها جذاب باقی بماند، در حالی که همچنان به «فردیت، تنوع، تجربه‌وری / آزمایش‌گری و کنهانی‌نگری» وفادار بماند؟

■ در پایان: اگر بخواهید یک توصیه عملی یا اخلاقی به خوانندگان در ایران یا در جهان فارسی‌زبان بدهید آن توصیه چه خواهد بود؟

فلسفه را گرامی بدارید و معقول و فهم‌پذیر کرد، گفتن «مقاومت کنید. تغییر زمانی رخ می‌دهد که مردم حقیقت را بگویند.



افاضات

قرص برنج خطرناک تر است یا خودش؟

میم، ظرافتی! الو سلام...
خبر جدید درباره قرص برنج رو خوندین؟ نه پدرجان ما بیشتر درگیر خوندن اخبار خود برنج هستیم.
این قرص برنج هم مهمه آقای ظرافتی...
الان یک مسئول سازمان غذا و دارو اعلام کرده قرص برنج، عامل نزدیک به ۷ درصد مرگ های ناشی از مسمومیت بوده...
خب این خیلی مهمه.
بله مهمه واقعا...

همین؟ یعنی شمانی خواین از مسئولین بیرسین چرا جلو توزیع و خرید و فروش قرص برنج رو نمی گیرن که این همه آدم رو نکشه؟
پدرجان... الان چه بسا قیمت برنج بیشتر از قرصش موجب مرگ و میر می شه... اول باید جلو افزایش قیمت رو بگیرن...
خب برن جلو شو بگیرن...
دارن سعی می کنن بگیرن.

چقدر طول می کشه جلواونو بگیرن و بعد بیان جلواينو بگیرن؟

پدرجان اون و این چیه؟ چرا مارو گیج می کنی؟! اصلا با این قیمتی که برنج داره، من و شما چقدر می تونیم برنج بخیریم که لازم بشه واسه نگهداریش قرص برنج هم بخیریم؟
۵ کیلو برنج که نگهداری نمی خواد... به وسط ماه نکشیده تموم می شه...

پس اون ۷ درصدی که با قرص برنج مسموم شدن و مردن کی هستن؟
چه می دونیم ما... خدا کته مربوط به احتکارکننده های برنج باشه ماجرا...

خب اگه اونان که هرچی بیشتر بصیرن بهتر... آقای ظرافتی من از تماس با شما نتیجه می گیرم مسئولان ما نباید با افزایش قیمت برنج مبارزه کنن؛ بلکه باید بذارن همین جور ی گرون بشه و تعداد مسموم شدگان مختکر برنج هم روز ر افزایش پیدا کنه...

پدرجان ننن... این چه حرفیه آخه... نه یا ما تماس بگیر دیگه، نه این جور نتایجی بگیر... قطع کن تا این ستون رو به قنادای!

خبر امروز

پولشویی با طعم نیکوکاری!



قدیمی های ما می گویند «آدم همیشه از جایی رگب می خوره که فکرش رو هم نمی کنه»؛ مثلاً هیچ وقت تصور نمی کنی یک جوان سی و هفت ساله که ریش و سپیل ندارد و چهره ای بیشتر شبیه بچه ها داره، میلیارد ها دلار را جابه جا کند و هیچ کس هم نفهمد کی و چگونه از دست رفته! البته هیچ کس هیچ کس هم... نه! چون بالاخره لورفته و حالا ما همین لحظه داریم درباره اش حرف می زنیم.
ماجرای این قرار است که این جوان سی و هفت ساله این روزها تیتیر اول خبرگزاری ها است و این معروفیت همان طور که گفتیم نه به خاطر اختراع یا کسب مقام و رتبه ای؛ بلکه به دلیل یک کلاهبرداری و رمزارزی ۱۴ میلیارد دلاری است که به نظر می رسد خودش مغز متفکرش بوده. این جوان «چن زی» نام دارد و شکل و شمایل ظاهری اش طوری است که حتی از سشن هم کوچک تر به نظر می رسد. جالب اینجاست که وزارت دادگستری آمریکا او را متهم کرده با مدیریت مراکز کلاهبرداری در کامبوج، میلیارد ها دلار رمزارز را از قربانیان در سراسر جهان دزدیده است. خبرها می گویند وزارت خزانه داری آمریکا هم دست به کار شده و حدود ۱۴ میلیارد دلار بیت کوین مرتبط با او را مصادره کرده؛ چیزی که تا امروز بزرگ ترین ضبط رمزارز در تاریخ بوده است.

اما اینکه چطور کسی متوجه نشده، لایه به این خاطر است که شرکت چن زی، به نام «گروه شاهزاده کامبوج» در وب سایت رسمی اش خود را «کارآفرین محترم و نیکوکاری مشهور» معرفی کرده که از حق نگذریم، به چهره اش می خورد. پس وقتی مدعی شده است انداره های بین المللی را رعایت می کند، طبیعتاً کسی به آن شک نکرد. در حالی که اگر بخوایم ساده تر بگوییم، این شرکت درواقع چتری بود برای بیش از ۱۰۰ شرکت و نهاد صوری که پول های پولشویی شده را از سنگاپور تا سنت کیتس و جزیره نویس در فرای کارآشپ جابه جا می کردند. به قول سی ان ان این جوان نه فقط یک کارآفرین، بلکه مغز متفکر یک شبکه کلاهبرداری چند میلیارد دلاری بین المللی بوده است.

لیست شیمی به آفر تویان

تاریخ	تاریخ	تاریخ
۱۷/۴۸	۱۷/۳۲	۴/۵۹
۱۷/۱۵	۲۳/۰۶	۶/۲۴
۱۶/۴۰		

لیست شری به آفر شنبه

تاریخ	تاریخ	تاریخ
۱۶/۵۸	۱۶/۳۲	۴/۲۶
۱۶/۱۵		
۱۶/۴۰		

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس

وابسته به فکالت ادبی و انسانی

مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی

سرپرست: سعید محسن اسدلی

آدرس: دفتر مرکزی مشهد: پوژار سجاد، نیش سجاد ۱

تلفن: ۰۲۱ ۷۷۵۵۱۰۱۰۲

● مسئول پستی:

● دفتر تهران: پوژار کشور، بین کرگر و چهارمید ششم ۳۳۶

● تلفن:

● شماره:

● پیامک:

● ارتباطات ایرانی:

● امور مشترکین:

● روابط عمومی:

● امور سرپرست:

● سازمان بهره:

● تلفن:

● سفارشات چاپ:

● چاپ مشهد:

● مجتمع چاپ و نشر قدس

● چاپ همزمان تهران:

این امواج مخصوص شست و شوی مغزی در شوروی هستند و یا به آزمایش های مربوط به تغییر آب و هوا مربوط می شوند، دامن بزند. اما پیگیری های متخصصان و دانشمندان نشان می داد ماجرا به امواج مربوط به رادار ربط دارد و همه سرخ ها به یک نقطه در اعماق خاک اتحاد جماهیر شوروی می رسد.

● برق خور

ماجرای بسیار پیچیده تر و استراتژیک تر از یک پارازیت انداختن و سرزد آزاری ساده بود. سازه و «رادار دوگا» بخشی از یک سیستم رادار «قرا اقی» بود که روس ها برای شناسایی شلیک احتمالی موشک های بالستیک قاره پیمای توسط آمریکا طراحی کرده بودند. نمونه های اولیه این رادار قدرت محدودی داشتند و می توانستند در نهایت شلیک موشک ها در فاصله ۲ هزار و ۵۰۰ کیلومتری را شناسایی کنند. در نمونه های بعدی، پرتاب موشک ها از خاور دور و زیر دریایی ها در قیانس آرام رهگیری شدند و بعد هم نوبت به نمونه های پیشرفته تر مثل رادار دوگا رسید. برخلاف رادارهای معمولی که به دلیل انحنای کره زمین، برد محدودی دارند، سیستم های «قرا اقی» مانند رادار دوگا از لایه یونسفر جو به عنوان یک آینه غول پیکر برای بازتاب امواج رادیویی خود استفاده می کردند. این رادار به شوروی اجازه می داد تا هزاران کیلومتر فراتر از مرزهای خود را ببیند و هرگونه پرتاب موشک از خاک آمریکا را تنها دو تا سه دقیقه پس از شلیک، شناسایی کند. روس ها برای دستیابی به چنین توانی، دو مجتمع بزرگ از این رادارها را ساختند و سازه معروف تر و بزرگ ترشان که هنوز به عنوان نماد این پروژه شناخته می شود، در نزدیکی نیروگاه اتمی چرنوبیل قرار داشت و به نام «دوگا-۱» یا «چرنوبیل ۲» معروف بود. انتخاب این مکان هم تصادفی نبود چون این رادار غول پیکر، مثل اژدها برق می یلخید و فقط یک نیروگاه اتمی مثل چرنوبیل می توانست شکمش را سیر کند.

● از ده ها ز نفس افتاد

با وجود سرمایه گذاری هنگفت و مهندسی پیچیده، سیستم دوگا هرگز به طور کامل قابل اعتماد و عملیاتی نشد. این سیستم به دلیل تداخل های ناشی از پدیده های جوی مانند شفق قطبی، دقت لازم را نداشت.

تیر خلاص به پروژه دارکوب روسی، در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ (۶ اردیبهشت ۱۳۶۵) شلیک شد. فاجعه نیروگاه اتمی چرنوبیل، منطقه اطراف رادار دوگا را به یکی از آلوده ترین نقاط کره زمین تبدیل کرد. این پروژه فوق سری به یک باره در قلب منطقه ممنوعه چرنوبیل قرار گرفت و ادامه فعالیتش برای همیشه غیرممکن شد. امروزه، این سازه فلزی غول پیکر و ساکت، به عنوان یکی از نیرجسته ترین نمادهای جنگ سرد و یادآور نسلدینازی های آن دوره در منطقه ممنوعه باقی مانده است. «ژوسیت» می نویسند: «دوگا روسی که روزی با صدای تیک تاک شوم خود در گوش جهان می پیچید، حالا تنها در سکوت به تاریخ گوش می دهد و به یکی از جاذبه های گردشگری اصلی برای بازدیدکنندگان ماجراجوی چرنوبیل تبدیل شده است.



بلند شدن با صدای بلند

حتماً ا برایتان پیش آمده که وسط شب با صدای جیغ یا زنگ تلفن همراه خواب راحت تن به هم خورده و عصبانی شدید. بخانگی پژوهش ها نشان داده این شوک ناگهانی، بدن را وارد حالت هشدار می کند: قلب تند می زند، فشارخون بالا می رود و مغز برای چند دقیقه گیج و متنگ می شود. حالا پژوهشگران می گویند این بیدار شدن ناگهانی بهیچیز در مرحله خواب عمیق موجب افزایش شدید فشارخون و ضربان قلب می شود و حتی افراد سالم هم ممکن است دچار اضطراب، گیجی و اختلال تمرکز پس از بیداری شوند. آزمایش ها نشان داده افرادی که با صدای بلند بیدار می شوند تا ۷۴ درصد افزایش فشارخون بیشتر از بیداری طبیعی دارند. پس توصیه کارشناسان این است که از روش های ملایم و تدریجی مانند نور طبیعی، صدای آرام یا تماس ترم برای بیدار کردن دیگران استفاده کنید؛ به خصوص سالمندان و بیماران قلبی.



نور شب، دشمن قلب شما

اگر شما هم برای فرار از تاریکی شب چراغ خواب، لامپ رومیزی یا حتی رشته های ال ای دی رنگی روشن می کنید، بهتر است بدانید که قلبتان چندان از این نورپردازی شبانه خوشش نمی آید و اگر زبان داشت بی شک از شما گلایه می کرد. پژوهشگران استرالیایی با بررسی ۱۳ میلیون ساعت داده، نشان داده اند کسانی که بین ۳۰ دقیقه با ماد تا ۶ صبح زیر نور بودند، ۵۶ درصد بیشتر در معرض نارسانی قلبی و ۴۷ درصد بیشتر در معرض حمله قلبی قرار دارند. این یعنی ظاهر قلب هم مثل بعضی از ما آدمها عاشق آرامش و تاریکی است و نورهای شبانه کلافه اش می کند. البته نور روز اثر معکوس دارد و اتفاقاً خطر بیماری ها را کاهش می دهد. پس اگر می خواهید قلبتان سالم و پرا انرژی بماند، شب ها چراغ ها را خاموش کنید و کمی با ترستان از تاریکی کنار بیایید.



مضر یا مفید؟

ویتامین دی، همان ویتامینی که به آفتاب معروف است و به استحکام استخوان ها کمک می کند، مثل اینکه در پشت چهره مغذش کاسه ای زیر نیم کاسه دارد. چون پژوهشگران دانشگاه واترلو به تازگی روی زنان ۵۰ تا ۷۰ سال با اضافه وزن آزمایش کردند و به این نتیجه رسیدند که تنها دز مناسب این ویتامین می تواند حافظه را تقویت کند و ذهن را هوشیارتر نگه دارد. آن ها به هر گروه سه دز متفاوت ویتامین «دی» دادند و دریافتند گروهی که سرخ دز بالاتر رفتند و مصرفشان از حد گذشت، با ذهنی کندتر و واکنش هایی آهسته تر روبه رو شدند؛ انگار مغزشان ترجیح می داد کمی بیشتر زمان بخرد. در نتیجه روشن است که حتی ویتامین آفتاب هم اگر زیاد تاییده شود، می تواند بسوزاند. پس مصرف ویتامین خورشید باید به قدری باشد که دید را روشن کند، نه آن قدر که چشم را بزند.

آگهی مناقصه عمومی شهرداری شاندیز (نوبت اول)

شهرداری شاندیز در نظر دارد به استناد مصوبه شماره ۱۵۰۶۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ شورای محترم اسلامی شهر شاندیز نسبت به خرید استورج اقدام نماید.

شرایط مناقصه:

- ۱- مبلغ سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۵۸۲۰۰۸۸۰۵۸۲۰۴۰۸۸۰۲۰۴ بانک ملی به نام سپرده شهرداری شاندیز یا اخذ ضمانتنامه بانکی در وجه شهرداری شاندیز با اعتبار ۳ ماه از تاریخ تسلیم پیشنهادها و ۳ ماه دیگر قابل تمدید باشد.
- ۲- در صورت امتناع از عقد قرارداد مبلغ سپرده برندگان اول و دوم و سوم مناقصه به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.
- ۳- زمان توزیع اسناد از طریق سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ لغایت ساعت ۱۷ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ می باشد.
- ۴- مهلت یارگذاری پیشنهاد در سامانه ستاد تا ساعت ۱۷ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ می باشد.
- ۵- زمان بازگشایی اسناد مناقصه از طریق سامانه ستاد ساعت ۱۱ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۴ در محل شهرداری صورت می گیرد.
- ۶- هزینه درج آگهی ها به عهده برنده مناقصه می باشد.
- ۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه درج شده است.
- ۸- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه ستاد به آدرس https://setadiran.ir انجام می گردد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۱۳۱۴۲۳۳۵ تماس حاصل فرمایید.

فراخوان مناقصه عمومی

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی در نظر دارد مناقصات به شرح ذیل را از طریق سامانه الکترونیکی دولت برگزار نماید.
تاریخ انتشار در سامانه ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ می باشد.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	شماره فرخوان در سامانه	مبلغ تضمین شرکت (در مناقصه ریال)	مبلغ برآورد (ریال)
۱۴۰۴/۳۷/۱۸۱	خرید رنگ سرد ترافیکی همراه با تینر و گلاسید (نوبت اول)	۲۰۰۴۰۰۱۴۳۴۳۰۰۱۳۳	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۴۰۴/۳۷/۱۸۲	احداث سیستم روشنائی تقاطع های حوزه شهرستان تایباد و یاخیز (نوبت اول)	۲۰۰۴۰۰۱۴۳۴۳۰۰۰۱۲۴	۳/۱/۰۹/۰۹/۳۷۹	۶۷/۱۸۴/۱۸۶/۳۷۱
۱۴۰۴/۳۷/۱۸۳	تهیه و نصب حفاظ بلوک مقصلی (نیوجرسی مقصلی) در محدوده گردنه شریف آباد و حوزه شهرستان زیرخان روی پل گازیز محور مشهد- ییساپور (نوبت اول)	۲۰۰۴۰۰۱۴۳۴۳۰۰۰۱۲۵	۷/۸۸۴/۳۷/۳۷۴	۳۷/۶۸۲/۶۷۷/۴۸۴

- مهلت دریافت اسناد مناقصه : تا ساعت ۰۰: ۱۷ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳
- مهلت تحویل پاکات مناقصه : تا راس ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۴
- تاریخ و ساعت بازگشایی پاکات مناقصه : ساعت ۰۰: ۸ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار : مشهد- انتهای خیابان فدائیان اسلام - کد پستی ۹۱۷۳۶۹۵۶۳۶ - تلفن تماس ۰۵۱-۰۳۳۴۱۲۰۲۴-۸
- نمابر : ۰۵۱-۰۳۳۴۳۵۸۸۸
- محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه : سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی



صفحات ویژه قدس درباره دین و معارف رضوی

روایتی از زندگی بانویی که خدمت را از حرم مطهر تا بیمارستان امتداد داد

مبادا در خطر باشد دمی جان امام او

گفت‌وگو با فرهاد متین‌فر، هنرمند و همراه طراحی پنجره نقره شبستان زیرین مسجد گوهرشاد

روایت داستانی که معماری دعا را ترسیم کردند

دردل کارگاه نجاری، میان مطر چوب‌ساج و آوای قلم‌هایی که بر سطح چوب می‌قصیدند، داستان زندگی فرهاد متین‌فر آرام‌آرام شکل گرفت، در محیطی که هنر نجاری، حرفه‌ای خانوادگی و پیوندی عمیق با ایمان و اعتقادات مذهبی بود.

یادداشت

زیب پاراحمدی خراسانی

دانشجوی دکتری مطالعات زنان

عقلمندی از تبار عقل؛ درس زینب

برای زمانه پراشوب ما

نگاهی به زندگی میرزای نائینی به بهانه برگزاری بزرگداشتش

فقیه اندیشه سیاسی

مرمت کاشی‌کاری‌های دو گلدسته تاریخی صحن انقلاب اسلامی حرم مطهر رضوی آغاز شد

بازگشت شکوه زرین گلدسته‌های صحن انقلاب

آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

در اجرای مواد مذکور بدینوسیله املاکی که برابر آراء هیأت‌های حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی گلیاف که ادامه عملیات ثبتی آنها مطابق قانون مذکور تجویز گردیده است به ترتیب شماره پلاک و بخش و محل وقوع ملک و مشخصات مالک واقع در بخشهای ۲۶ و ۲۷ کرمان بشرح ذیل:

۱- متقاضی علی مرادی انزوهجری در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۷۷ مترمربع پلاک ۴۸۳۲ فرعی از ۸۳- اصلی واقع در گلیاف روستای جوشان مالک رسمی غلامحسین و محمود و فروغ و تاج و فاطمه همگی خواجه مسعودی

۲- متقاضی محمد نبی زاده جوشانی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۷۷ مترمربع پلاک ۱۰۹۳ فرعی از ۸۳- اصلی واقع در گلیاف روستای جوشان مالک رسمی محمد باقری خبیصی

۳- متقاضی محمد نبی زاده جوشانی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۴۹۷ مترمربع پلاک ۰۹۴ فرعی از ۸۳- اصلی واقع در گلیاف روستای جوشان مالک رسمی مهدی باقری خبیصی

۵- متقاضی اسداله احمدی نژاد جوشانی در شش‌دانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۸۹ مترمربع پلاک ۰۹۶ فرعی از ۸۳- اصلی واقع در گلیاف روستای جوشان مالک رسمی حبیب اله احمدی نژاد و عبدالله شیخ زاده جوشانی

۶- متقاضی مسعود باقری در شش‌دانگ یکبای خانه مشتمل بر باغ به مساحت ۰۴/۴۰۴ مترمربع پلاک ۰۹۷ فرعی از ۸۳- اصلی واقع در گلیاف روستای جوشان مالک رسمی مهدی باقری خبیصی

۷- متقاضی محمد نبی زاده جوشانی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸/۸۰۳۲ مترمربع پلاک ۰۹۸ فرعی از ۸۳- اصلی واقع در گلیاف روستای جوشان مالک رسمی مهدی باقری خبیصی

۸- متقاضی عبدالحمید باقری در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۹۵ مترمربع پلاک ۰۹۹ فرعی از ۸۳- اصلی واقع در گلیاف روستای جوشان مالک رسمی مهدی باقری خبیصی

۱- متقاضی حسین بهزادی گوکی در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۲۵۴ مترمربع پلاک ۵ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی زهرا علی حسی

۲- متقاضی زهرامهدی زاده در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰ مترمربع پلاک ۰۹۹ فرعی از ۸۸- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی محمد تقیب زاده گوکی

۳- متقاضی مهدیه غلامی گوکی در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۲۹۸ مترمربع پلاک ۹ فرعی از ۱۳۳- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی مهین دخت وزیر و واقعی کرمانی

۴- متقاضی زهرابابراذخ در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۲۸۱ مترمربع پلاک ۰ فرعی از ۱۳۳- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی مهین دخت وزیر و واقعی کرمانی

۵- متقاضی محمود پورجعفری در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۴۱۲ مترمربع پلاک ۵ فرعی از ۱۳۸- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی فاطمه خدائی

۶- متقاضی زینب مهدی زاده گوکی در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۴۲۸/۶ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۱۶۴- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی رضا قادری کشتی

۷- متقاضی عصمت خواجه گوکی در شش‌دانگ یکبای خانه مشتمل بر باغ به مساحت ۴۹۱ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۳۴۶- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی عصمت وزیر و عباس خواجوی گوکی

۸- متقاضی لایلا حسن نژاد در شش‌دانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۰۸/۷ مترمربع پلاک ۵ فرعی از ۵- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی مریم منصور کریمی

۹- متقاضی علی غلامی گوکی در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۵۰۰ مترمربع

پلاک ۳ فرعی از ۸۸- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی نعمت اله پوروفاتی گوکی

۱۰- متقاضی مجید صادق زاده گوکی در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۲۱۶ مترمربع پلاک ۵ فرعی از ۰۹۸- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی حسین صادق زاده گوکی

۹- متقاضی ناصر خواجوی مقدم در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۴۰۰ مترمربع پلاک یکفرعی از ۱۰۲- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی کرم چهارواداری گوکی

۱۰- متقاضی ناصر خواجوی مقدم در شش‌دانگ یکبای مغازه به مساحت ۲۲/۸ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۱۰۲- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی کرم چهارواداری گوکی

۱۱- متقاضی مرضیه طلوعی گوکی در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۳۹۸ مترمربع پلاک ۱۴ فرعی از ۱۱۳۴- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی فاطمه کلانتری

۱۲- متقاضی زهرا طاهری در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۵/۳۹۶ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۱۲۰۹- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی زهرا و حسین طاهری

۱۳- متقاضی محمود کمالی در شش‌دانگ یکبای خانه مشتمل بر باغ به مساحت ۱۷۱۵/۴۵ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۱۶۴- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی محمود کمالی

۱۴- متقاضی سعید میرزائی در شش‌دانگ یکبای خانه مخروبه به مساحت ۲۵۰/۵ مترمربع پلاک ۱۵/۱۵- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی غلامحسین میرزایی و زهرا پورشریفی گوکی و نصرت رستم زاده مهرابی

۱۵- متقاضی سید ابوالقاسم میرتاج الدینی گوکی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی محصور به مساحت ۶۸۳/۱۵ مترمربع پلاک ۱۷۶۳- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی ورثه فاطمه عباسی

۱۶- متقاضی غلامرضا هادی زاده در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۸۴۲/۵ مترمربع پلاک یکفرعی از ۰۲۰۵- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی اطهره میرتاج الدینی گوکی و صفری هادی زاده گوکی

۱۷- متقاضی علی رضازاده در شش‌دانگ یکبای خانه به مساحت ۴۱۰ مترمربع پلاک ۴ فرعی از ۲۷۸۴- اصلی واقع در گلیاف مالک رسمی سکینه یورالیاتی گوکی لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت يك ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۸/۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۲۱

محمد مقصودی - رئیس ثبت اسناد گلیاف

آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شهرستان راور تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص ذینفع به آرا ذیل اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض یاعدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل اداره ثبت طبق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد کرد. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بخش ۸ کرمان:

۱- محمد صالح افضلی خارکوتی فرزند حسین شناسنامه ۲۹۸۹۶۲۳۷۳ کرمان در شش‌دانگ زمین مزروعی بمساحت ۱۷۱ مترمربع پلاک ۱۴ فرعی از ۲۱۶- اصلی واقع در راور بخش کوهساران روستای گنج علیا خریداری از مالک رسمی آقای علی افضلی و غیره مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۲- آوینا افضلی فرزند علی شناسنامه ۲۹۸۳۴۶۱۱۵۷ کرمان در شش‌دانگ زمین مزروعی به مساحت ۲۰۴/۲۰ مترمربع پلاک ۲۱ فرعی از ۳۱۶- اصلی واقع در راور بخش کوهساران روستای گنج علیا خریداری از مالک رسمی آقای علی افضلی و غیره مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۳- آوینا افضلی فرزند علی شناسنامه ۲۹۸۳۴۶۱۱۵۷ کرمان در شش‌دانگ زمین مزروعی به مساحت ۱۳۳۴ مترمربع پلاک ۲۳ فرعی از ۳۱۶- اصلی واقع در راور بخش کوهساران روستای گنج علیا خریداری از مالک رسمی آقای علی افضلی و غیره مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۴- امید عباس زاده فرزند مرتضی شناسنامه ۳۲ کرمان در شش‌دانگ خانه به مساحت ۹۷/۱۳ مترمربع پلاک ۱۰۶ فرعی مجیزا از پلاک ۵۴ فرعی از ۳۷۷- اصلی واقع در راور بخش کوهساران شهر هجک خریداری از مالک رسمی حسن عباس زاده هجکی مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۵- مهدیه عباس زاده هجکی فرزند مرتضی شناسنامه ۷۲ راور در شش‌دانگ خانه به مساحت ۹۷/۱۳ مترمربع پلاک ۱۰۶ فرعی مجیزا از پلاک ۵۴ فرعی از ۳۷۷- اصلی واقع در راور بخش کوهساران شهر هجک خریداری از مالک رسمی حسن عباس زاده هجکی مع الواسطه (فاقد بنچاق)

بخش ۱۸ کرمان:

۶- سعید مهدی هاشمی فرزند سید عبدالحسین شناسنامه ۱۳۹ راور در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ خانه بمساحت ۲۹۰/۵ مترمربع پلاک ۹ فرعی از ۵۱۹- اصلی واقع در راور اراضی شمس آباد خیابان قدس شرقی کوچه مدرسه باقرالعلوم خریداری از مالک رسمی محمد استوار مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۷- بتول کرپاسی راوری فرزند محمود شناسنامه ۸۹ راور در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ خانه بمساحت ۲۳۰/۱ مترمربع پلاک ۲۳۷۶ فرعی مغرور از ۶۹ فرعی از ۱۸۹۳- اصلی واقع در راور خیابان قدس غربی کوچه شماره ۱۹ خریداری از مالک رسمی آقای محمد کریمی مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۸- عصمت کرپاسی راوری فرزند محمود شناسنامه ۲۱۰ راور در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ خانه مساحت ۲۳۰/۱ مترمربع پلاک ۲۳۷۶ فرعی مغرور از ۶۹ فرعی از ۱۸۹۳- اصلی واقع در راور خیابان قدس غربی کوچه شماره ۱۹ خریداری از مالک رسمی آقای محمد کریمی مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۹- بتول کسماری بنانی فرزند حسن شناسنامه ۱۵ راور در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ خانه مساحت ۴۸۴/۵ مترمربع پلاک ۵۵۹ فرعی مغرور از ۲۷ فرعی از ۱۸۹۴- اصلی واقع در راور اراضی شمس آباد خیابان ابودر کوچه شماره ۵ خریداری از مالک رسمی ابوالحسن فخری مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۱۰- حسین غفاری راوری فرزند عبدالله شناسنامه ۶ راور در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ خانه مساحت ۴۸۴/۵ مترمربع پلاک ۵۵۹ فرعی مغرور از ۲۷ فرعی از ۱۸۹۴- اصلی واقع در راور اراضی شمس آباد خیابان ابودر کوچه شماره ۵ خریداری از مالک رسمی ابوالحسن فخری مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۱۱- مجتبی خوش کنار فرزند علی شناسنامه ۳۲۱ راور در شش‌دانگ مغازه مساحت ۲۶/۴ مترمربع پلاک ۹۰۸ فرعی یکفرعی از ۱۸۹۶- اصلی واقع در راور اراضی عشرت آباد خیابان گلزار جنوبی بلوار الزهرا، الزهرا ۱۴ جنب سیل بند خریداری از مالک رسمی خاتم ها مریم و مزده و مزگان همگی هدایت مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۱۲- مجتبی جعفری خیرآبادی فرزند حسن شناسنامه ۲۴۹ راور در شش‌دانگ خانه مساحت ۲۲۱ مترمربع پلاک ۹۰۸ فرعی مغرور از ۱۰۳ فرعی از ۲۰۵۷- اصلی واقع در راور خیابان گلزار کوچه شماره ۱۲ خریداری از مالک رسمی آقای پدالله نخعی و غیره مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۱۳- سعید نیکروش راوری فرزند محمد شناسنامه ۲۴۱۱۱۰۲۴۲۱ راور در یک دانگ مشاع از شش‌دانگ خانه مساحت ۴۰۵/۵ مترمربع پلاک ۹۰۹ فرعی مغرور از ۱۶۷ فرعی از ۲۰۵۷- اصلی واقع در راور خیابان معلم کوچه شماره ۵ خریداری از مالک رسمی عبدالله یزدان مع الواسطه (فاقد بنچاق)

۱۴- مهدی پور تقی آبادی فرزند عباس شناسنامه ۴ راور در شش‌دانگ زمین زراعی مساحت ۸۸۳/۶ مترمربع پلاک ۳۶۴ فرعی مغرور از

WWW.QUDSONLINE.IR

تبش خدمت در حرم مطهر رضوی

دارالشقای امام رضاؑ روزانه تا ۷ هزار بیمار را رایگان پذیرش می کند

مدیرعامل دارالشقای امام رضا(ع) گفت: دارالشقای امام رضا(ع) به عنوان پناهگاه درمانی زائران، روزانه تا ۵۰۰ بیمار و در ایام خاص تا ۷ هزار نفر را به صورت رایگان پذیرش می کند که در کنار آن، بیش از ۴ هزار خادمیار در کانون های سلامت رضوی سراسر کشور، مأموریت خدمت رسانی به محرومان را بر عهده دارند.

مهدی سلطانی فر، مدیرعامل دارالشقای امام رضا(ع) در گفت وگو با آستان نیوز درباره خدمات این مجموعه اظهار کرد: دارالشقای امام رضا(ع) به طور عمده خدمات اورژانسی به ویژه برای بیماران قلبی، گوارشی و سایر موارد تخصصی ارائه می دهد.

در شرایط عادی، روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ بیمار پذیرش می کنیم و در ایام ویژه مانند شهادت امام رضا(ع)، تعداد مراجعان در ۲۴ ساعت تا ۷ هزار نفر می رسد.

سلطانی فر تصریح کرد: در هر شیفت، معمولاً سه تا چهار پرستار خاتم و آقا و یک تا دو پزشک عمومی یا متخصص (مانند متخصص داخلی یا اطفال) داریم. در ایام ویژه، تعداد پزشکان در هر شیفت ممکن است به ۱۰ نفر افزایش یابد. خدمات ما به صورت رایگان ارائه می شود و تلاش می کنیم تا حد امکان نیازهای اولیه بیماران را برآورده کنیم.

مدیرعامل دارالشقای امام رضا(ع) عنوان کرد: بسیاری از مراجعان به دلیل دسترسی دشوار به داروخانه یا زمانیر بودن تهیه دارو، به دارالشقا مراجعه می کنند. ماسی می کنیم با ارائه خدمات اولیه، به ویژه در موارد ساده، به زائران و بیماران کمک کنیم تا در محیط حرم مطهر یا سهولت بیشتری نیازهای درمانی خود را برطرف کنند.

لازم به ذکر است، دارالشقای امام رضا(ع) چون قلبی تپنده در حرم مطهر، با خدمات رایگان و شبانه روزی خود، پناهگاه زائران است و کانون های سلامت خادمیاری با بیش از ۴ هزار خادمیار، شبکه ای گسترده از خدمت رسانی به محرومان را در سراسر کشور رقم زده اند.

فعالیت ۴ هزار خادمیار در کانون های سلامت سراسر کشور

شبکه خادمیاری آستان قدس رضوی با حضور بیش از ۴ هزار خادمیار و یاور رضوی در قالب ۳۰۰ کانون تخصصی سلامت، خدمات درمانی و اردوهای جهادی را در سراسر کشور به ویژه مناطق محروم ارائه می دهد.

احمد میرزاده، مدیر مرکز خادمیاری و کانون های خدمت رضوی در گفت وگو با آستان نیوز با بیان اینکه تمام یار درمانی آستان قدس بر عهده خادمیاران است، اظهار کرد: شبکه خادمیاری با هدف ارائه خدمات سلامت به مردم مناطق مختلف، به ویژه محرومان فعالیت می کند.

این شبکه با تشکیل کانون های خادمیاری، خدمات درمانی را در استان های مختلف ارائه می دهد و در صورت نیاز، با هماهنگی پزشکان و پرستاران خادمیار در سایر استان ها، خدمات درمانی لازم به محرومان ارائه می شود.

میرزاده با بیان اینکه کانون سلامت یکی از ۳۰ کانون تخصصی شبکه خادمیاری است که متخصصان، پزشکان، پرستاران و کادر درمان در آن فعالیت دارند، افزود: این کانون مأموریت های حوزه سلامت و درمان، به ویژه اردوهای جهادی سلامت را بر عهده دارد.

مدیر مرکز خادمیاری و کانون های خدمت رضوی تصریح کرد: هم اکنون بیش از ۳۰۰ کانون تخصصی سلامت به صورت سازمان یافته در سراسر کشور فعال هستند و افزون بر ۴ هزار خادمیار و یاور رضوی در این کانون ها خدمت می کنند. میرزاده ضمن تبریک روز پرستار به کادر درمان، عنوان کرد: به مناسبت میلاد یا سماعت حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار، به دیدار پرستاران و کادر درمان رقتیم تا ضمن عرض خدایوت و خسته نباشیده، این روز را به آن ها تبریک بگوییم. این مقام مسئول در پایان خاطرنشان کرد: پرستاران با صبر، استقامت و از خودگذشتگی در خدمت به بیماران، وظیفه ای خطیر بر عهده دارند. امیدواریم با عنایت امام رضا(ع)، در انجام مأموریت ها و مسئولیت های شان موفق و مؤید باشند.

اعزام ۴۴ زائر اولی شهرستان نهاوند به مشهد مقدس

دبیر کانون های خدمت رضوی شهرستان نهاوند گفت: ۴۴ زائر اولی از شهرستان نهاوند به مشهد مقدس اعزام شدند تا برای نخستین بار طعم زیارت را از نزدیک حس کنند.

محسن امیدی، دبیر کانون های خدمت رضوی شهرستان نهاوند در گفت وگو با آستان نیوز اظهار کرد: به همت دبیرخانه کانون های خدمت رضوی شهرستان نهاوند، ۴۴ زائر اولی این شهرستان با بدرقه مسئولان و خادمیاران رضوی به مشهد مقدس اعزام شدند.

وی با بیان اینکه اعزام زائران اولی به صورت رایگان انجام می شود، افزود: هزینه اعزام و مایحتاج بین راهی توسط خیران شهرستان نهاوند و هزینه اسکان این عزیزان در مشهد، توسط آستان قدس رضوی تأمین می شود.

امیدی تصریح کرد: کاروان «مهر درخشان رضوی» سه روز به عنوان میهمان امام رضا(ع) در زائرسرای حرم مطهر حضور خواهند داشت و در این مدت در برنامه های فرهنگی و زیارتی حرم مطهر شرکت خواهند کرد.

دبیر کانون های خدمت رضوی شهرستان نهاوند با اشاره به اینکه این زائران تاکنون به زیارت امام رضا(ع) مشرف نشده اند، با بیش از ۱۰ سال از آخرین زیارتشان می گذرد، گفت: در مسیر بازگشت، این کاروان به زیارت حضرت معصومه (س) و مسجد مقدس جمکران مشرف خواهند شد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: برنامه های این مراسم معنوی شامل هفت خوانی صلوات خانه امام رضا(ع)، مداحی و سخنرانی درخصوص آداب زیارت امام رضا(ع) است.

مرمت کاشی کاری های دو گلدسته تاریخی صحن انقلاب اسلامی حرم مطهر رضوی آغاز شد

بازگشت شکوه زرین گلدسته های صحن انقلاب



اله شمیری | در صحن های متور حرم مطهر امام

رضا(ع)، صحن انقلاب اسلامی جایگاهی ویژه در دل زائران دارد؛ فضایی که با گنبد طلایی، ایوان های یاشکوه و گلدسته های سر به فلک کشیده اش، خاطره انگیزترین لحظات زیارت را رقم می زند. این صحن که از قدیمی ترین و پرشکوه ترین بخش های حرم مطهر رضوی است، همواره نمادی از عظمت معماری اسلامی ایرانی بوده است. در امتداد تلاش های مستمر برای صیانت از این میراث گرانبسگ، سازمان عمران و نگهداری حرم مطهر رضوی بار دیگر گام مهمی در مسیر احیای هویت تاریخی حرم متور برداشته است. این یار عملیات مرمت و بازسازی کاشی کاری دو گلدسته تاریخی صحن انقلاب اسلامی و طلاکاری گلدسته جنوبی این صحن با هدف حفظ اصالت و زیبایی

معماری اسلامی آغاز شده است.

هاحیای زیبایی و اصالت در حرم رضوی

به گزارش روابط عمومی سازمان عمران و نگهداری حرم مطهر رضوی، میلاد خانوار، مدیر پروژه مرمت کاشی کاری های دو گلدسته شمالی و جنوبی صحن انقلاب اسلامی حرم مطهر رضوی از آغاز این عملیات خبر داد و گفت: «در این طرح، درمجموع ۷۶ مترمربع از کاشی ها و معرق پایه های گلدسته ها که بر اثر عوامل جوی دچار فرسایش و آسیب شده اند، نوسازی و بازسازی کامل می شوند». وی افزود: «در این مرحله، از کاشی های آسیب دیده قالب گچی تهیه می شود تا براساس آن، کاشی های جدید کاملاً مطابق با طرح، رنگ و مشخصات کاشی های اصلی ساخته و جایگزین

شوند».

خانوار همچنین با اشاره به اقدامات مرمتی در گلدسته جنوبی صحن انقلاب بیان کرد: «در حدود ۶۰ مترمربع از کاشی کاری این گلدسته، مرمت یا تعویض قطعات فرسوده، تزریق ملات، بندکشی دوباره و شست و شوی دقیق سطح کاشی ها در دستور کار قرار گرفته است تا ضمن رفع فرسودگی ها، جلوه تاریخی و معنوی گلدسته حفظ شود».

هیراتی هزارساله از عهد غزنویان تا اسروز

گلدسته ها در معماری اسلامی، نمادهایی آسمانی اند که صدای اذان را به گوش جان می رسانند و روح مکان را به آسمان پیوند می زنند. در حرم مطهر رضوی این نمادها کارکرد مذهبی دارند و جلوه ای از هنر و شکوه

معماری ایرانی اسلامی را به نمایش می گذارند. از میان ۱۲ گلدسته موجود در حرم مطهر رضوی، دو گلدسته صحن انقلاب اسلامی جایگاهی ویژه دارند؛ مناره هایی که در ضلع شمالی و جنوبی این صحن قرار گرفته اند و با طلاکاری درخشان خود، چشم هر زائر را به آسمان می دوزند. قدمت نخستین گلدسته های این صحن به دوره غزنویان بازمی گردد، زمانی که پایه های اولیه معماری حرم مطهر شکل گرفت. در دوره صفوی، این گلدسته ها بازسازی و تزئین شدند و در عصر قاجار، طلاکاری آن ها تکمیل شد تا به نمادهایی از شکوه و جلال حرم مطهر رضوی بدل شوند. ساختار آن ها از آجر و کاشی معرق تشکیل شده و طلاکاری سطح بیرونی شان، درخشش خاصی به فضای صحن بخشیده است. این گلدسته ها از نظر زیبایی شناسی و از منظر معنوی نیز اهمیت دارند، چرا که در لحظه ورود به صحن انقلاب، نخستین چیزی که چشم زائر را می گیرد، همین مناره های طلایی اند. در ادامه عملیات مرمت، مدیر پروژه مرمت کاشی کاری گلدسته های صحن انقلاب اعلام کرد: «در بخش دیگری از عملیات، پشت نمای تاج سردر ایوان عباسی (شمالی) نیز به منظور جرم گیری و پاک سازی کامل شست و شو می شود؛ این بخش از نمای پشت تاج سردر از سمت ورودی بست طهرسی برای زائران قابل مشاهده است».

صیانت از شکوه معماری اسلامی در حرم مطهر رضوی

مهندس خانوار در پایان خاطرنشان کرد: «هدف از اجرای این طرح، حفظ ماندگاری و شکوه بصری گلدسته های تاریخی حرم مطهر رضوی است تا ضمن صیانت از میراث ارزشمند معماری اسلامی، جلوه ای درخور از حرم مطهر رضوی در برابر دیدگان زائران و مجاوران حفظ شود».

این پروژه گامی در راستای حفظ زیبایی و اصالت معماری اسلامی و تلاش برای انتقال حس معنویت و شکوه حرم مطهر رضوی به نسل های آینده محسوب می شود، جایی که هر کاشی، هر مناره و هر صحن، روایتگر تاریخ، ایمان و هنر ایرانی اسلامی است. در حرم مطهر امام رضا(ع)، هر کاشی حامل پیامی از ایمان، هنر و تاریخ است، هر مناره، صدای بلند اذان که قرن هاست در دل آسمان طنین انداخته و هر صحن، خاطره گاه هزاران دل عاشق که در سکوت و اشک، به راز و نیاز پرداخته اند. مرمت گلدسته ها، درواقع بازسازی پیوندی است میان گذشته و آینده، تلاشی برای آنکه زائر امروز، همان شکوهی را تجربه کند که زائر دیروز در برابر آن سر تعظیم فرود آورده است.

رواق خدمت

روایتی از زندگی بانویی که خدمت را از حرم مطهر تا بیمارستان امتداد داد

مبادا در خطر باشد دمی جان امام او

حس و لطافتی می داند که در شعر جاری است، جایی که عاطفه، عنصر اصلی معناست و خیال، بستر پرواز روح. پرستاری برایش همانند معلمی، شغلی مقدس است، چرا که دغدغه اش انسان است و تجات انسان ها نزد خداوند جایگاهی بی بدیل دارد. او در تجربه های روزمره اش، معنویت را در اتاق های درمان جاری می بیند، در گفت وگوی آرام با بیماری که امیدش را از دست داده و در لمس دست هایی که از درد می لرزند بارها دیده وقتی از کرامات امام رضا(ع) برای بیماران گفته، حالشان دگرگون شده است، انگار دوی روحشان را یافته اند. برای او، خادمی و پرستاری دو جلوه از یک حقیقت اند، اینکه هر دو نیازمند مهر، صبر و فروتنی هستند. می گوید: «وقتی بالایی سر بیمار می روی، باید با همان عطفوقتی باشی که در برخورد با زائر داری».

هائسی به حضرت زینب(س)، چراغ راه خدمت

در جهان بینی زهرا علیپور، حضرت زینب (س) تجسمی زنده از صبر، شجاعت و خدمت بی منت است، بانویی که در دل مصیبت کربلا، قامت ایستادگی برافراشت و در سخت ترین لحظات، پناه دل های شکسته شد. برای او، نام این بانوی بزرگوار چنان مقدس است که گاه با خود زمزمه می کند: «نیاید نام حضرت زینب(س) را بی وضو بر زبان آورد». او حضرت زینب(س) را الگویی تمام قد برای هر زن خدمتگزار می داند؛ زنی که در اوج بلا، زیبایی را دید و در اوج درد، پناه دیگران شد. خانم علیپور می گوید هر بار که قدم در مسیر خدمت می گذارد، تا سسی به حضرت زینب(س) چراغ راهش می شود، الگویی که پرستاری را به عبادت و مهرورزی را به رسالت بدل کرده است.

در روزهای ولادت این بانوی آسمانی، زهرا علیپور با تمام وجود با احساسی آمیخته به احترام، عشق و اشتیاق از ایشان یاد می کند و چه زیباست که این ارادت، در قالب شعر نیز جاری شده؛ شعری که او برای حضرت زینب(س) سروده و در آن، قلبش را چون کبوتری به پرواز درمی آورد تا شاید عطری از سیب سلام او را در آغوش گیرد.

کبوتر می شود، پر می زند تا گنبدش قلمب / که تا شاید بگذرد عطری از سیب سلام او
دو فرزندش، تمام هستی اش را پیشکش آورد / مبادا در خطر باشد دمی جان امام او
کمر خم می کند از داغ زینب آسمان حتی / قلم لال است بنویسد برای التیام او

هکرونا، آزمون صبر و ایمان

پرستاری برای زهرا علیپور، مسیری است که با مهر آغاز می شود و با ایمان ادامه می یابد. در روزهای سخت همه گیری کرونا، او در خط مقدم درمان ایستاد و ۶ بار با بیماری دست وپنجه نرم کرد و بستری شد. با این حال، از پای ننشست. او آن روزها را با جست وجوی معنایی عمیق تر از خدمت سپری کرد. در میان احادیث و روایات، به دنبال نشانه هایی می گشت که به او اطمینان دهد کاری که انجام می دهد، ریشه در رضایت الهی دارد. یکی از احادیث پیامبر اکرم(ص) که دلش را آرام کرد، این بود: «کسی که در برآوردن نیاز دیگران بگوید، خواه موفق شود یا نه، خداوند گناهانش را پاک می کند، به سان آن روز که از مادر متولد شده است» و دیگری: «هر کس یک شبانه روز از بیماری پرستاری کند، خداوند او را با ابراهیم خلیل (ع) محشور می کند». برای او، این جملات چراغ هایی بودند در تاریکی خستگی و فرسودگی.

ها خادمان امام مهربانی ها هستیم و باید مهربانی را بشناسیم

زهرا علیپور ۹ سال از عمر کاری اش را در اتاق عمل گذرانده، جایی که مرز میان مرگ و زندگی باریک تر از همیشه است. یکی از فراموش نشدنی ترین لحظاتش، زمانی بود که دختر بچه ای پس از حادثه ای، مادرش را



یادداشت

حجت‌الاسلام علی مافیهی قرط

عقیله بنی‌هاشم(س)؛ الگوی فراتر از زمان و جنسیت

نگاهی به ابعاد شخصیتی حضرت زینب کبری (ع)

در نظام آموزشی و معرفتی جهان، کتاب‌ها و متون براساس سطوح مختلف فهم و درک مخاطبان نگاشته می‌شوند و با گذر زمان، نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی هستند. اما در این میان، تنها یک کتاب است که محتوای آن برای تمام سطوح، اقصاء و فرهنگ‌ها نازل شده و غبار زمان بر حقایق آن نمی‌نشیند: قرآن کریم. این کتاب عظیم‌الشان، نسخه جامع سعادت و موفقیت انسان تا روز قیامت است.

یکی از شیوه‌های تربیتی بی‌بدیل قرآن، معرفی الگوها و اسوه‌هاست. خداوند متعال با معرفی شخصیت‌های برجسته، مسیر حق را برای پیوندگان آن روشن می‌کند. نکته لطیف و عمیق در این روش، قرآنی بودن این الگوهاست. به عنوان مثال، آنگاه که خداوند می‌خواهد برای اهل ایمان مثالی بزند، همسر قریون را معرفی می‌کند: «وَصَبَّرَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا الْأَرْثَاءَ وَرَعُونَ (و) خداوند برای مؤمنان، به همسر قریون مثل زده‌است). در این آیه، یک زن به عنوان الگو برای همه مؤمنان (زن و مرد) معرفی می‌شود. این بیان قرآنی به ما می‌آموزد عظمت روحی و کمال انسانی، وابسته به جنسیت نیست و یک زن می‌تواند اسوه‌ای برای تمام بشریت باشد.

حضرت زینب کبری(س) تجلی کامل این حقیقت قرآنی است. ایشان نه فقط برای زنان، که برای هر انسان آزاده‌ای که در جست‌وجوی عبودیت، عزت، علم و ایثار است، الگویی درخشان و ابدی است. در ادامه به بررسی گوشه‌ای از ابعاد وجودی این بانوی بزرگوار می‌پردازیم.

عبودیت: اوج بندگی در سخت‌ترین شرایط

مرتبه بندگی و ارتباط حضرت زینب(س) با معبود، در کلام امام سجاد(ع) این‌گونه توصیف شده است: «همانا عمام زینب(س)، همه نمازهای واجب و مستحب خود را در طول مسیر ما از کوفه به شام در حالت ایستاده می‌خواند و در بعضی از منازل به دلیل شدت گرسنگی و ضعف، نشسته نماز خواند؛ زیرا به شب بود که غذای خود را میان اطفال تقسیم می‌کرد. چون آن قوم در هر شانه‌روزی به هر یک از ما فقط یک قرص نان می‌دادند». (جعفری نقدی، زینب الکبری، ص ۴۶۱)

این روایت نشان می‌دهد نماز برای حضرت زینب(س) نه یک تکلیف، بلکه منبع نیرو و ستون خیمه روح ایشان در کوران سهمگین‌ترین مصائب بود. اوج این مقام زمانی آشکار می‌شود که سیدالشهدا(ع) در لحظات وداع روز عاشورا، به خواهرشان می‌فرماید: «یا اختاه لا تنسینی فی نافله اللیل» (خواهرم! مراد نماز شب فراموش نکن)، این درخواست، گواهی بر جایگاه رفیع عبودیت و دعای مستجاب آن حضرت نزد خداوند است.

حیاء و عفت: تجلی شکوه و وقار فاطمی

حجاب و حیاء حضرت زینب(س) نه از سر انزوا، بلکه نماد صلابت و حفظ حریم قدسی شخصیت ایشان بود. یحیی مازنی، از همسایگان امیرالمؤمنین(ع) در مدینه، نقل می‌کند: «مدت‌ها همسایه علی بن ابی‌طالب(ع) بودم. به خدا سوگند هرگز شخص زینب(س) را ندیدم و صدایی از او نشنیدم. هرگاه می‌خواست به زیارت جدش رسول‌الله(ص) برود، شانه از خانه خارج می‌شد، در حالی که امام حسن(ع) در سمت راست، امام حسین(ع) در سمت چپ و امیرالمؤمنین(ع) پیشاپیش او حرکت می‌کردند. وقتی نزدیک مرقد مطهر می‌رسیدند، امیرالمؤمنین(ع) پیشی گرفته و نور چراغ‌ها را کم می‌کردند. یک بار امام حسن(ع) علت را پرسیدند و حضرت پاسخ دادند: می‌ترسم کسی به خواهرت زینب نگاه کند». (جمع من علماء البحرین و القطیف، وقیات الاثمه، ص ۴۳۵-۴۳۶) این روایت، اوج غیرت الهی خاندان رسالت و مقام والای آن بانوی مکرمه را به تصویر می‌کشد؛ عفتی که با شجاعت و حضور مؤثر در جامعه آمیخته بود و در سخت‌ترین شرایط نیز خدشه‌دار نشد.

مقام علمی: علامه تیرمذمه

علم حضرت زینب(س) علمی اکتسابی و برگرفته از استادان بشری نبود، بلکه دانش الهی و متصل به سرچشمه وحی بود. در حقیقت در کلام گهربار امام سجاد(ع) که خود زینت عبادت‌کنندگان و سرچشمه علم بود، این‌گونه بیان شده است: «وَ أَتَتْ بِحَقْلِ اللَّهِ عَالِمَةً غَيْرَ مُفَلَّحَةٍ، فَهَبَتْ غَيْرَ مُفَلَّحَةٍ» به حمدالله، توانایی عالم هستی که استادی ندید‌ای و فهمیده‌ای هستی که کسی به تو تفهیم نکرده است. (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵) خطبه‌های آتشین و بی‌نظیر ایشان در کوفه و شام، گواه علمی این علم لدنی است. فصاحت و بلاغتی که در آن کلمات موج می‌زد، چنان بود که پایه‌های حکومت جور را به لرزه درآورد و حقایق واقع‌عاشورا را برای همیشه در تاریخ ثبت کرد. کلام او، کلام یک انسان عاقل نبود، بلکه پژواک صدای علی(ع) و تجلی دانش فاطمی بود.

ایثار و فداکاری: تقدیم تمام هستی در راه حق

ایثار، گذشتن از عزیزترین دارایی‌ها برای هدفی والاتر است و حضرت زینب(س) در این میدان نیز قله‌نشین است. او که خود مادر بود، دو فرزند دلبندش، عون و محمد را در روز عاشورا به میدان نبرد فرستاد و آنان را در راه برادر و امام زمامش فدا کرد. این فداکاری، صرفاً یک ایثار مادرانه نبود، بلکه اوج معرفت و بصیرت ایشان نسبت به مقام امامت و اهمیت قیام عاشورا را نشان می‌دهد. او تمام هستی خود را خالصانه در طبق اخلاص نهاد تا چراغ هدایت حسینی برای همیشه تاریخ روشن بماند. حضرت زینب(س) مجموعه‌ای از کمالات انسانی است؛ عابدی بی‌هتا، خطیبی توانا، اسوه‌ای در صبر و رضا و مجاهدی نستوه که پیام عاشورا را جهانی کرد. وجود مبارک ایشان، گواهی است بر این حقیقت که انسانیت در سایه بندگی خدا می‌تواند به مقامی برسد که الگوی همه آزادگان جهان، فارغ از زمان و جنسیت باشد.

عملیه‌اش با نام وسیلة النجاة، مناسک حج را به زبان فارسی نوشت. اما مهم‌ترین اثر او «تنبيه الأئمة وتنزيه الملة» که برای جنبش مشروطیت در ایران به رشته تحریر درآمده، پس از یک قرن همچنان تازه است و محل بحث و بررسی تفکران مختلف سیاسی و روشنفکری قرار می‌گیرد. کتابی که به تعبیر مقدمه‌اش «برای تنبیه است به ضروریات شریعت و تنزیه ملت [دین] از زندقه و الحاد و بدعت»، به قلم فقیهانه اصولی بزرگی مثل علامه نائینی در اوج تبحر علمی‌اش در ۵۰ سالگی به نگارش درآمده، به پشتوانه نظری مشروطه و بعدها انقلاب اسلامی تبدیل شد. شهید مطهری درباره جایگاه این اثر می‌نویسد: انصاف این است که تفسیر دقیق از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچ‌کس به‌خوبی علامه بزرگ و مجتهد بزرگ، میرزا محمدحسین نائینی توأم با استقلال‌ها و استشهدا می‌تواند. از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی‌قیمت تنبیه‌الامعة تنزیه‌الملة بیان نکرده‌است.

هفت‌پیشه سیاسی نائینی

نائینی با بهره‌گیری از آیات و روایات درصدد آن است در مخالفت با نظام استبدادی، به تأسیس نظامی مشروطه و اسلامی دست یابد. کتاب «تنبيه الأئمة و تنزيه الملة» که دربردارنده نگرش‌های سیاسی او است، به معنای آگاه کردن امت اسلام به ضروریات شریعت و منزه دانستن دین اسلام از بدعت استبداد است. وی در این کتاب، حکومت‌ها را به عادل و غیرعادل تقسیم می‌کند و حکومت مشروطه را هم حکومتی غیرعادل می‌داند؛ ولی به نظر او حکومتی که در غیرعادل بودن از مشروطه بدتر است، حکومت استبدادی و طاغوت است. از این‌رو در مقایسه میان حکومت مشروطه و حکومت مستبدم از یاب دفع‌افسده فاسدبایده حکومت مشروطه امید بیست و حکومت استبدادی را طرد و تفی کرد.

فقیه مشروطه‌خواه

انقلاب مشروطه، خیزش مردم ایران در عصر قاجار برای مهار استبداد و حصول استقلال کشور به رهبری عالمان دینی بود و میرزای نائینی را می‌توان از پیشگامان فکری این نهضت به‌شمار آورد که در کنار عالمانی نظیر آخوندخراسانی نقش مؤثری در پیروزی آن ایفا کرد. با آغاز مشروطیت توسط محمدعلی‌شاه و به‌توب پستن مجلس، آخوند خراسانی حکم به وجوب مبارزه با دیکتاتوری و خلع شاه داد. مردم مہپای جهاد شدند و آخوند نیز همگام با مردم و دیگر علما عازم حرکت به سمت ایران بود اما با درگذشت ناگهانی و عزموز آخوند، نهضت مشروطه رو به ضعف و انحراف نهاد. مشروطه‌خواهان که پس از فتح تهران حکومت را به دست گرفتند، تحت تأثیر دولت‌های استعماری، مشروطه را از مسیر اصلی‌اش منحرف کرده و به‌جای سرکوب مستبدان، نمایان مشروعبت مشروطه نظیر شیخ فضل‌الله نوری را بر دار کردند. نائینی از آنچه به وقوع پیوست اندوهگین بود و گاه اندوهش را نزد یارانش چنین به زبان می‌آورد: «انگور انداختیم که سرکه شود، شراب شد...». او پس از انحراف مشروطه تا آنجا که توانست نسخه‌های کتابش، «تنبيه الأئمة» را جمع‌آوری کرد و حتی برخی نسخه‌ها را به قیمتی گران خرید و از بین برد تا از آن سواستفاده نشود.

بهترین شکل ممکن روی کاغذ آمد. از همان روز فهمیدم ما این طرح‌ها را نمی‌کشیم».

جبرمندی رو به دعا

در حال حاضر، فرهاد متین‌فر مشغول همکاری در یکی از مهم‌ترین پروژه‌های خود در حرم مطهر امام‌رضاع(ع) است؛ ساخت پنجره نقره‌پای نیم‌ضریح در شبستان زیرین مسجد گوهرشاد این پروژه تجلی تفهیم دانش سنتی و تکنیک‌های مدرن است. پنجره نقره که به دیوار بواق زیرسطحی حرم مطهر متصل خواهد شد، یکی از نقاط اصلی توجه زائران است، بگانی که دعاهای مناجات‌ها و نگاه‌های امیدوارانه در آن جاری می‌شوند. متین‌فر، در کنار پدرش و دیگر هنرمندان آستان قدس رضوی، این سازه مقدس را با همان دقت و وسواس همیشگی طراحی و اجرا می‌کند تا علاوه بر زیبایی فاهری، تأثیر معنوی آن نیز حفظ شود. در این پروژه، از سبک معماری تیموری بهره گرفته شده است. سبکی که در جزئیات مسجد گوهرشاد نیز به کار رفته و با قضای کلی حرم مطهر همخوانی دارد. همکاری استادکاران برجسته‌ای همچون استاد تنگنایی و استاد اسکندری، این پروژه را به یکی از منحصربه‌فردترین کارها تبدیل کرده‌است.

هنری که با قلب‌ها سخن می‌گوید

یکی از جذاب‌ترین جنبه‌های فعالیت متین‌فر تأثیری است که آثار او بر زائران می‌گذارد. وقتی در دارالاولیه نصب شد، زائران بسیاری درباره زیبایی و ظرافت آن صحبت کردند و همین بازخورد‌ها سبب شد خستگی کار از جسم و روح متین‌فر خارج شود. به گفته‌او، این آثار یادگارهایی هستند که زائران با آن‌ها ارتباط معنوی برقرار می‌کنند. اشک‌هایی که پشت این درها جاری می‌شود، دعا‌هایی که در کنار این سازه‌ها خوانده می‌شود و نگاهی که مردم به این آثار دارند، همه نشان می‌دهد معماری مذهبی چیزی فراتر از مهارت فنی است و این هنر، زنده‌کننده روح و جان است.

نگاهی به زندگی میرزای نائینی به بهانه برگزاری بزرگداشتش فقیه اندیشه سیاسی

هفت‌پیشه سیاسی

نائینی شخصیتی اجتماعی و سیاسی داشت و این را از همان جوانی در دوستی‌اش با سیدجمال‌الدین اسدآبادی نشان می‌داد. رفاقتی که تا سامرا و پای درس میرزای شیرازی هم ادامه داشت. او از خواص میرزای شیرازی بود؛ کسی که خود احیاگر حوزه علمیه سیاسی بود و در نهضت تحریم تنباکو همراهی‌اش کرد. «تاریخ دخانیه» را شیخ‌حسن کرپلایی به سفارش هوشمندانه نائینی نوشت تا نهضت تنباکو به دور از تحریف در تاریخ ماندگار شود. پس از آن هم در کنار آخوند خراسانی در نهضت مشروطیت نقش آفرین شد؛ نقشی که چشمگیر و برجسته شد و تألیف «تنبيه الامة و تنزيه الملة» نقطه عطفی در زندگی سیاسی و اجتماعی او پدید آورد. علامه نائینی در کنار ملاعبدالله مازندرانی در جهاد ضداستعماری هم مشارکت داشت و در ماجرای هجوم روسیه به شمال ایران، در کنار علمای نجف برای حرکت به سوی ایران آماده شد. بعد هم به دلیل مبارزات ضداستعماری دستگیر و به تبعید محکوم

شد. پس از آن همگام با سید ابوالحسن اصفهانی از نهضت اسلامی مردم عراق علیه دست‌نشانده‌های استعمار حمایت کرد تا به تبعید برود. میرزای نائینی مجاهد جنگ جهانی اول هم بود. طی جنگ جهانی اول و پس از اشغال عراق توسط بریتانیا، میرزای نائینی و دیگر علما با صدور حکم جهاد، به مبارزه با استعمار برخاستند. آن‌ها با قتل‌وایی، انتخابات بریتانیا برای حاکمیت یک‌فرد کافر را تحریم کردند که این اقدام به شکست انتخابات انجامید. این



تنبیه و تنزیه

میرزای نائینی آثار و تألیفات فراوانی را از خود به‌جا گذاشته، برخی به قلم خود و برخی به تقریر شاگردانش. علاوه بر کتب تخصصی فقهی و اصولی نظیر حواشی علی‌الحررة، التوشقی، منیة الطالب فی شرح المکاسب، اجود التقریرات، خوشی، فوائدالاصول، خراسانی و... و رساله

مستیار آخوند خراسانی

نائینی جوان با اینکه در زمان میرزا کرسی تدریس را برپا داشته بود، همچنان خود را مستقنی از تعلم نمی‌دید و در درس بزرگان شرکت می‌جست. پس از وفات میرزای شیرازی مدتی در محضر شاگرد برجسته میرزا، مرحوم فشارکی کسب فیض کرد و با اقول حوزه سامرا، راهی نجف شد تا در محضر آخوند خراسانی حاضر شود؛ گرچه میرزای نائینی شاگرد خاص و از اصحاب مجلس استغای آخوند به‌شمار می‌رفت و شرکتش در درس عمومی استاد، از یاب ادب بود، نه تعلم. در همین زمان بود که تدریس را رسماً آغاز کرد و درش چنان قوتی داشت که صدها تن از شاگردان آخوند خراسانی را هم به درس خودش کشانده بود تا یا پرداختن به موشکافی‌ها و پیچیدگی‌های علمی و حضور خواص و فضلاء برجسته، به یکی از بزرگ‌ترین مجالس تدریس تبدیل شود. شهرت میرزای نائینی در علم اصول بود؛ تا جایی که به «مجدد علم اصول» شهرت یافت؛ اما او در رشته‌های دیگری نظیر فقه، کلام، حکمت، ریاضی، اخلاق و عرفان نیز صاحب‌نظر بوده است.

پس از وفات میرزا محمدتقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی، میرزای نائینی همزمان با سید ابوالحسن اصفهانی مرجعیت را بر عهده گرفت. آن زمان مشهور بود که مرجعیت نائینی در میان فضلاء حوزه رواج داشت و مرجعیت اصفهانی در میان عامه مردم.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با فرهاد متین‌فر، هنرمند و همراه طراحی پنجره نقره شبستان زیرین مسجد گوهرشاد

روایت داستانی که معماری دعا را ترسیم کردند

پنجره نقره یا نیم‌ضریح در حرم مطهر امام‌رضاع(ع) را شامل می‌شود، یکی از نمونه‌های بارز همکاری پدر و پسر و هنرمندان آستان قدس رضوی است. این پروژه تجسمی از تجربه آن‌ها و هنرمندان آستان حضرت‌رضاع(ع) است که فرهاد متین‌فر آن را نمایندگی می‌کند. هر مرحله از این پروژه با تلفیق دانش سنتی استاد متین‌فر و نگاه جدید پسرش پیش می‌رود.

از قلم طراحی تا جکش اجرا

فرهاد متین‌فر پس از تحصیل در رشته مهندسی عمران، مسیر متفاوتی را برگزید و با تلفیق سبک‌های سنتی ایرانی که در کنار پدرش آموخته بود با فناوری‌های مدرن، امضای هنری خاص خود را شکل داد؛ امضایی که در آثار برجسته‌ای چون در دارالاولیه حرم مطهر امام‌رضاع(ع) به‌وضوح دیده می‌شود. این‌در، حاصل ماه‌ها تلاش و برنامه‌ریزی دقیق بود و در مراسم میلاد حضرت نصب شد. پروژه‌ای که متین‌فر ۴۵ شبانه‌روز را در کارگاه گذراند و با وسواس و تعهدی مثال‌زدنی بر تمامی مراحل آن نظارت کرد. او معتقد است هنرمند باید اثر خود را لمس کند، پای اجرا بایستد و با عشق، آن را به واقعیت تبدیل کند. این نگاه که از سنت‌های معماری ایرانی اسلامی الهام گرفته و با تکنیک‌های نوین تقویت شده، در پروژه‌های دیگر او نیز دیده می‌شود. از جمله در ساخت ضریح‌های مطهر امام حسین(ع)، امام هادی(ع)، امام حسن عسکری(ع) و حضرت رقیه(س) که در آن‌ها استفاده از متریاال‌هایی چون استخوان شتر، صدف طبیعی، برنج، خاتم کاری و نقره، نیازمند مهارت و دقتی بالا بود، به‌طوری که برخی از ظریف‌ترین برش‌های صدف تا یک سال زمان می‌برد. متین‌فر و تیمش با بهره‌گیری از دانش سنتی و نوآوری‌های جدید، تکنیک‌هایی را توسعه دادند که هم هنر دست را زنده نگه دارد و هم دقت و سرعت اجرا را افزایش دهد. یکی از تصمیمات کلیدی در این پروژه‌ها، استفاده از

الله شمیرو | در دل کارگاه تجاری، میان عطر چوب‌ساج و آوای قلم‌هایی که بر سطح چوب می‌رقصیدند، داستان زندگی فرهاد متین‌فر آرام‌آرام شکل گرفت، در محیطی که هنر تجاری حرفه‌ای خانوادگی و پیوندی عمیق با ایمان و اعتقادات مذهبی بود. پدرش، استاد متین‌فر، تجاری‌ماهر و هنرمندی بود که سازه‌های مقدس را با دقت و عشق می‌آفرید و فرهاد بی‌آنکه بداند، در همان قضای آغشته به معنویت و هنر در حال آموختن بود. ۱۶ سالگی که برای بسیاری آغاز تجربه‌های تازه است، برای او نقطه عطفی شد؛ نخستین طراحی‌اش، پنجره‌های صحن شاه عباسی در حرم حضرت فاطمه معصومه(س)، آغاز مسیر حرفه‌ای او بود و همین روایا با معماری مذهبی و هنر اصیل مطهر پیوند زد. آن لحظه که نخستین نقش‌ها را بر چوب ترسیم کرد، چیزی در وجودش شکوفا شد و فهمید این راه، رسالتی است که باید با عشق، تعهد و ایمان دنبال شود.

خودنسل، یک هنر



پدر فرهاد متین‌فر بیش از چهار دهه از عمر خود را صرف خلق آثار نفیس برای امکان مقدس کرد. از ضریح‌های مطهر سامرا و سرداب امام‌زمان (عج) گرفته تا نیم‌ضریح‌های خیمه‌گاه امام حسین(ع)، همه به دست هنر این خانواده شکل گرفته‌اند و این پیوند، مشارکتی زنده و ورزیدگ است که تا امروز ادامه دارد. فرهاد متین‌فر از همان کودکی زیر سایه پدرش رشد کرد، در کارگاه‌های تجاری نفس کشید و میان خرده‌چوب‌ها و ضربه‌های چکش، هنر را با روحش احساس کرد و این رابطه، علاوه بر رابطه استاد و شاگردی، پیوندی عمیق میان دو نسل از هنرمندانی به‌شمار می‌رفت که هدف مشترکشان حفظ و گسترش هنر اسلامی بود. پدر فرهاد متین‌فر در شکل‌دهی مسیر هنری او تأثیرگذار بود و در پروژه‌های مهمی که امروز رهبری می‌کند نیز نقشی اساسی دارد. پروژه فعلی که ساخت

پرستاری در دارالشفای امام رضا (ع)؛ روایتی از دل استاد استان قدس رضوی

بیمارداران حریم خورشید



براساس اسناد مذکور واژه «پرستار» از اواسط دوره قاجار به کار برده شد، اما پیش از آن، یعنی در دوران صفویه و افشاریه از پرستاران به عنوان بیماردار یاد کرده‌اند.

به پرداخت حقوق پرستاران دارالشفاعت، تخصیص سندی موضوع بیمار از مرئوسه به پرداخت مواجبه به «مولانا قاسم علی تشرینی» بیمار دارالشفاعت در سال ۱۱۰۱ قمری است. در این سند که مرئوسه قبض وصول دریافت مواجبه به کارکنان دارالشفاعت، می‌باشد، مواجبه خود را دریافت و سند را معهور کرده و در سجع مهری نام «عبیده محمد قاسم» بنام آن است. همچنین تعداد بیمار بداران در دوره فوقیه حدود ۲۱ مرد و فقط سه زن بوده است. این تعداد در دوره اشاره به ۱۳ مرد و دوزن گاهش می‌یابد. در دوره قاجاریه نیز به دلیل گسترش تشکیلات اداری آستان قدس رضوی از جمله مجموعه دارالشفاعت امام رضا (ع) افزایش تعداد بیماران و کارکنان اداری در دارالشفاعت، پرستاران به تعداد میانگین هشت، مرد و پنج زن در شبانه‌روز رسید. با توجه به اسناد موجود، گاهی پرستاران زن و مرد با هم نسبت فاضلی داشته‌اند، زیرا رعایت مسائل شرعی و توجه به اخلاق اسلامی برای شغلان این مجموعه بسیار اهمیت بوده است. همچنین برخی از پرستاران

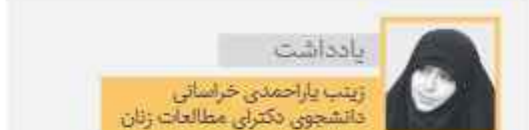
«پرستار» برای افرادی به کار رفته است، همچنین در این دوره، بیمارداران یا همان پرستاران (مرد و زن) تحت سرپرستی یک مرد به نام «بیماردارباشی» مشغول به خدمت بودند. واژه «باشی» در تاجیک در اسناد، در واقع به معنی سرپرستی است. نکته جالب توجه در این رابطه دیگر اینکه هرگاه در این مشاغل باشی بیماردار و بیماردارباشی، یک فرد به یکدیگر می‌گفتند، بیماردارباشی به طور کلی مثلاً در اسناد موجود از «ملا محمد حسن نایب بیماردارباشی» یاد شده است. وی که نایب سید غلامرضا موسوی «بیماردارباشی» بوده، پس از زمرتی جانشین او شده و به شغل بیماردارباشی منصوب شده است. همچنین ملاکامران در سال ۱۳۶۶ قمری، بیماردارباشی بوده که در سال ۱۳۸۰ قمری به شغل بیماردار منصوب شده است.

در مرکز استاد آستان قدس رضوی، هزار و ۲۰۰ برگ سند مربوط به پرستاری موجود بوده که بیشترین استاد مربوط

سند حجتین مروج کاشانی | تاریخ پرستاری در اصل چگونگی روند توسعه مراقبت‌های پزشکی و پرستاری از انسان‌ها در تمام سنین در خانواده‌ها و دیگر نهادهای اجتماعی چه بیمار و چه سالم را توصیف می‌کند. در ضمن تاریخ پرستاری به‌طور جدایی‌ناپذیری با توسعه دیگر رشته‌های مثل پاتولوژی، میکروبیولوژی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش پیوند دارد. همزمان با پیدایی علم و جراحی‌های الای پرستاری نیز رشد داشت. مقام حضرت زینب کبری (س) اساتید برای پرستاری و ریشه‌های تاریخی، به سراع آئینه موسوی، کارشناس مطالعات اسنادی در مرکز آستان قدس رضوی و قیام و او برایناس از تاریخچه و سابقه شغل پرستاری در دارالشفای امام رضا (ع) از دوره صفویه تا پهلوی با تکیه بر اسناد موجود در مدیریت امور بهداشتی آستان قدس رضوی سخن گفت. در ادامه بخش‌هایی از گفت‌وگوی خبرنگار روزنامه قدس با کارشناس ارشد رشته تاریخ را دنبال کنید. **ا. وحود** ۵۳ سال سابقه همکاری با این مدیریت دارد.

«سابقه وازه» «بیخاردار» و «پرستار» در دارالشفای
(امام رضا) (۵)

شغل پرستاری در ایران دارای قدمتی دیرینه بوده به طوری که تاریخ آن به دوره باستان بازمی گردد. در طول تاریخ مردمان وراثتی به عنوان پرستار برای بیماران همجنس خود در بیمارستان ها و مراکز درمانی مشغول به کار بودند. یکی از مراکز دارای شاخه بارزگاه مطهر (امام رضا) است که قدمت آن به دوره صفویه بازمی گردد. اسنادی که از دوره صفویه مربوط به این مراکز در دسترس می باشد نشان می دهد زنان همگداور مردان وظیفه مراقبت از بیماران را نیز برعهده داشتند. حدود ۹۵۴ شماره سند مربوط به دوره های مختلف به وازه «بیماردار» و هزار ۹۴ شماره به وازه پرستار اشاره دارد که بیشترین اسناد به دوره های قاجار و پهلوی و کمترین آن ها به دوره افشاریه مربوط است. این اسناد شامل موضوعاتی چون پرداخت اجساد، دسترسی و وظیفه به صورت نقدی و جنسی، قبض و رسید دریافت موجه، هزینه ها و خرید اشیاء و لوازم برای دارا افشاریه، صورت حساب خریدار دارا بابت اسلک موقوفه، انتصاب کارکنان، گزارش روزانه عملکرد کارکنان اسناد قدس، برضیه ها و درخواست افراد، مصارف ادویه و اغذیه بیماران، پرداخت تقاضای پیش پرداخت) و مساعده به کارکنان، گزارش دفن اموات و... است. طبق اسناد مذکور وازه «پرستار» از اواسط دوره قاجار به کار برده شد. اما پیش از آن یعنی در دوران صفویه و افشاریه به پرستان به عنوان بیماردار یاد کرده اند. اسامی مانند امیر سید محمد میر محمد صادق و ملا شمس حاجی محمد حسینی، ملا سید قاطعه و طیبه در دوره صفویه و محمد حسینی، شیخ اسماعیل حسن، محمد رفیع افشاریه، کلکوم، ظهیر بانو و غیره از اسناد دوره افشاریه به شمار می روند. لازم به ذکر است در دوره قاجار هر وازه «بیماردار» و



عقیله‌ای از تبار عقل؛ درس زینب (علیها السلام)
برای زمانه برآشوب ما

زینب گبری (س) نماد پیوند ایمان و عقل در تاریخ است؛ دخترانی که مکتب علی (ع) که در دل بحران، عقل را از کار نینداخت و احساس را در خدمت حقیقت به کار گرفت، حضرت زینب (س) را به قبیله بنی هاشم بی شناختند. اما قبیله بودن او چه تأثیری در انتخاب‌ها و مسیر زندگی‌اش داشت؟ این پرسش، راهی است برای فهم یکی از وجوه کمتر گفته شده از شخصیت ایشان: عقلانیت دینی در دل بحران. لقب «عالم‌بنی هاشم» تنها عنوانی تشریفاتی نیست؛ شاهانه‌ای است که معرفتی و فکری زیست که عقل را در کنار ایمان زیست.

زینب (س) در مکتب پدری یالید که «عقل» را چراغ هدایت دین می‌دانست. در اندیشه علوی، ایمان بی عقل، احساسی گذراست و عقل بی ایمان، ابزاری سرد و بی معنا. زینب (س) حاصل تاقی این دو ساخت بود؛ ایمانی اندیشید و عقلانی که به تعبد کور نمی‌انجامید. در سیره او می‌توان سه چهره از عقلانیت را باز شناخت: نخست، عقلانیت موقعیت‌شناس؛ زینب (س) در هر موقعیت، از مدینه تا کربلا و از شام تا مدینه، واکنشی مستجید و متناسب داشت. عقل برای او، یعنی درک لحظه، نه تکیه بر عادت.

دوم، عقلانیت گفت و گوئی؛ در برابر قدرت، زبان منطق را برگزید، نه خشم را. سخنانش در کوفه و شام، مناظره‌ای عقلانی بود که وجدان‌ها را بیدار کرد.

و سوم: عقلانیت اخلاقی؛ حتی در اوج بحسبیت، مرز اخلاقاً
نشکست برای زمین(س) عقل تنها ابزار پیروزی نبوده بلکه معیار
درست زیستن بود. این سه بعد، عقلانیت زمینی را از سطح رفتار
تاریخی به الگویی برای زیست امروز ارتقا می دهد در جهانی که همچنان
و شتاب بر تصمیم هاجا حاکم است، بازگشت به عقل زمینی یعنی تمرین
توقف، تأمل و تشخیص. عقل توانا، زمین(س) عقلی که
احساس را خاموش، ترک کند، بلکه آن را در مسیر معنای کار می گرد.

مدیریت بحران چه در خانواده و چه در جامعه، به عقلانی کردن تصمیم‌ها وابسته است؛ همان چیزی که حضرت زینب (س) در سخت‌ترین بحران تاریخ نشان داد. برخلاف نگاه رایج که قتل را سبدره می‌پندارد، زینب (س) نشان داد عقل می‌تواند گرمای ایمان و سلامت روان جری را حفظ کند. در زمانه‌ای که تصمیم‌ها بیشتر از تحلیل، از هیجان جری خیزند، با رهاخوانی عقیده بودن زینب (س) تعریف دین، با باقی ایمان، آگاهانه‌تر است و نکته...

زیست (س) به ما یاد داد عقلانیت نه رقیب ایمان، که شرط بقای آن است و امروز بیش از هر زمان دیگر باید دانست: برای زیست عقلانی باید تمرین کرد و نمی‌توان تنها با شعار، عقلانی زیست. تمرین چه در مقیاس زندگی فردی و چه در حیات اجتماع.

پس تحلیلید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش پنج حوزه ثبتی شهرستان
نیر این پرو آگهی قبلی به موجب ماده چهار ده قانون ثبت اسناد و املاک تجدید حدود

[illegible]

اینکه تجدید حدود پلاک ۲۵۰۶ این پیش یک طایفه اعیان گردیده و قرار است برابر آن طرف حیات قانون تعیین تکلیفی را، ساختارهای قائم سند رسمی ششگانه آن به خصوص ششمنه بر این پلاک ۲۵۰۶ از طرف این طایفه یک طایفه نام برده اند. این طایفه به حدود سه مایه گانه گردید و لذا با رعایت این پلاک ۱۴ و ۱۵ این طایفه تجدید حدود آن سات ۸۰۰ مربع سه شنبه بود. در ۱۳۴۶، ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ شروع و به عمل خواهد آمد. این طایفه اشراقی و متعلق به حوارجان اعیان طایفه خودت میبود و در روز سابعه مقرر حضور به بر سر ساند و هر طایفه تعیین به حدود یا حقوق ارتقایی آن پلاک به نمایندگی از طرف ارباب و ده گسان که به این طایفه تجدید حدود و احیاناً باشند میبایست به استناد ما و ثبت و در اجراء قرار داد. ۱۴ و ۱۵ این اصلاحی قانون ثبت آن تاریخ تجدید طرف یکم و دو که تا کنون به اداره دادخاست سند رسمی و رسید در قضای تجدید و هر طرف ثبت یکم و دو است. این طایفه در دادخاست خود به هر طایفه جریخ اصلاحی تجدید و هر طرف از این طایفه مربوطه خود به اداره ثبت کسب میباید تجدید در این صورت قانونی یا به تقاضای تجدید و هر طرف از این طایفه تجدید در ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰

چونکه تعهد حدود پلاک ۴۲۱ یکی بخش یک طبرستان انجام نگرفته و قرار است بر این اساس طرف ثانی تعیین تکلیف از طریق مراجع استانی و ملی صورت گیرد. در این خصوص مسئولین بر ضرورت اصلاح پلاک ۷۷ و ۴۲۱ و تعیین حدود پلاک ۱۶ و ۱۷ و تعیین مرز طبیعی منجر به صدور سند مالکیت گردید و با رعایت مواد ۱۶ و ۱۷ قانون خواجه آید. ۱۸ ساعات ۱۸ صبح روز شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۴ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. پیشنهاد استثنای اراضی و قطعات و مصالح خارج از حدود زمین در روز و ساعت مذکور به شهردار و فرماندار و اعضای هیئت به واسطه جابجایی اراضی در این زمینه به نمایندگی از طرف اول و طرف دوم که به رعایت تعهد حدود و خواجه آید سند مالکیت می‌تواند به استناد مواد ۱۶ و ۴۲۱ و ۷۴ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت از تاریخ ثبت طرف یکم و طرف دوم که به اداره ثبت خاوند است و رسیدن در زمان تعیین و طرف دوم یکم که از طرف اداره ثبت خاوند است و به مرجع جابجایی اراضی و تعیین و عمل لازم در هر مربوطه اخذ خواهد کرد تا تعیین تکلیف در این خصوص از طریق مراجع قانونی بنا به تقاضای طرف اول خواهد آمد. (تاریخ استثنای: ۱۳۹۴/۰۷/۱۳) (۱۳۹۴/۰۷/۱۳)

تجدید حدود اختصاصی بلاک ۱۶۸ مجزی شده از ۱۳۲۰ قریبی از ۴ اصلی بخش
حوزه نفتی شهرستان بوشهر

[illegible]

نویسنده: دکتر آرش کمالی طبیب و متخصص در زمینه های تخصصی و عمومی پزشکی

در دستور کار این فصل تعیین تکلیف و تعیین راه های مناسب برای رسیدن به اهداف مورد نظر است. در این فصل به بررسی اهداف و مقاصد و همچنین به بررسی راه های رسیدن به این اهداف پرداخته می شود. در این فصل به بررسی اهداف و مقاصد و همچنین به بررسی راه های رسیدن به این اهداف پرداخته می شود. در این فصل به بررسی اهداف و مقاصد و همچنین به بررسی راه های رسیدن به این اهداف پرداخته می شود.

[illegible]

۱۴۴۱ هجری قمری درخاست کتابی وارده بشماره ۱۳۸۴ مورخ ۱۴۴۱ آقای غلامحسین و قاسم یحیی یجاری دگر به اذاعت اقرار سهیم موشل گز به شش کال قطعہ امین مزینتی برای ۴۵۵۰ اصل مجوزی شده ۳۴-۳۵ اصل بخش آفشنده استندت اقرار و فروش املاک ۱۳۸۵ خورشیدی، ۱۴۰۱ ازموده و کشفه بدار این اقرار حسب درخاست و در اجرای خواست کمر به عاده ۳ اصل اقرار ابرین اقرار مفروض بر پنج شش شریف ۱۴۴۱ ساعت ۳ جهت عیاینه بین اقرار ملک درق اقامت در محل وقوع ملک مزبور خرمو خواست یافت نتیجتاً در اجرای عاده ۱۴۰۱ آیین اقرار داریسی هنی بپوبج این آگاهی از مانگیان مشایع این دعوت بر عمل ابرین خاطر حقوق و عینم موجب کمر به اجمالی هر یک از شرایط این مودعت ابرین آگاهی از محل وقوع ملک درق اقامت اقرار صورت پذیرد بدینا ابریم عدم خصم هر یک از مانگیان مشایع از دعوت تعیین شده فوق در مانع از اقرار نخواهد شد
۱۴۴۱/۱۳۸۴/۱۳۸۴

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
باسلام، احترام، شعبه ۹۰۹۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی

[illegible]

آئین موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان ها، فاقد اعتبار است.

[illegible]

آئینی موضوع مادہ ۳ قانون و ۱۳ آئین نامہ قانون تعین تکلیف و تعین ثبوتی و اراضی و

[illegible][illegible][illegible][illegible]

ملح در ده بالا تفت خریداری از فالت رسمی
ک و ملح در بخش ۱۵ یزد، علی آباد و توابع
علی راضیه قلاچ نسبت به ششداگ باغ بطور مفرق لاسمتی از یلاک برابر به ممباحه دایره

[illegible]

آگهی فقدان سند مالکیت
مجتبی نبوی با ارائه ذوبزرگ استشهاده و تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المشتی لوری

[illegible][illegible][illegible][illegible]

آگهی فقدان سند مالکیت
بدینوسیله با آگاهی دو برگ استثنایاریه و تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت

[illegible]

سید محمد باقر حسینی جهادگیر رئیس ثبت اسناد و املاک چتران

ساخت‌های انقلاب اسلامی

صادق هدایت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت لایبی اراضی و ساختمان‌هایی فاقد سند استقرار در واحد ثبت شهرستان تحت تصرفات دولتی و بلا معارض متقاضیان مجوز گردیده است. مشخصات تقاضاها و اعلام کرد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع مردم در ویست مار ۱۳۰۲ از آنجایی می شود در صورتی که درخواست نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دهوا اعتراض خود را به اداره تاد و اعلام کتبی تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف دهه یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مرجع تصمیم دهنده تقدیم نمایند.

بلندمرتبه‌سازی در مشهد به مسیری پرهزینه و محدودکننده تبدیل شده است

بلندمرتبه‌سازی یا لوکس‌سازی؟



نایب رئیس انجمن جنگل‌بانی ایران
در گفت‌وگو با قدس:
نفس جنگل‌ها
به شماره افتاد

یکی از اصلی‌ترین علل کاهش سطح جنگل‌های ایران، فعالیت‌های انسانی است. گسترش کشاورزی و ایجاد زمین‌های زراعی یکی از عوامل عمده‌ای است که منجر به تخریب جنگل‌ها می‌شود. بر اساس داده‌های موجود، حدود ۳۵ درصد از جنگل‌های ایران به دلیل تبدیل به زمین‌های کشاورزی یا ساخت و ساز از دست رفته‌اند. این فرایند اغلب به دلیل رعایت نکردن استانداردهای محیط زیستی و استفاده ناپایدار از منابع طبیعی صورت می‌گیرد. علاوه بر این، جنگل‌زدایی‌ها نیز در برخی مناطق به شدت افزایش یافته است و تخریب جنگل‌ها در این مناطق عمدتاً به دلیل نیاز به چوب و سوخت به ویژه در مناطق روستایی صورت می‌گیرد.

عامل دیگری که به کاهش مساحت جنگل‌ها دامن زده، آتش‌سوزی‌های گسترده در مناطق جنگلی است. این آتش‌سوزی‌ها که به طور معمول ناشی از بی‌احتیاطی انسان‌ها یا تغییرات اقلیمی هستند...

۲



در سایه نظام ارزی چندفرخی، شرکت‌های رانتی و تقویض بگردن اختیارات به استان‌ها

واردات
آزاد برنج
بازی با
واژه‌هاست

امیر نسبی

پرستاری نه فقط یک حرفه، که رسالتی الهی است؛ روایت‌هایی از مهر، ایثار و شجاعت

پرستاری؛ رسالتی میان درد و دعا

ثبت برند ملی زعفران
ایران، در مراحل پایانی

۳

خراسان شمالی
پهنای باند اینترنت سیار
در استان به ۶۰ گیگابایت
رسید

۲

خراسان جنوبی
ساخت ۲۰ کیلومتر
راه روستایی در استان
از ابتدای سال جاری

۳

یادداشت
علی محمدزاده
آقایان مسئول، لطفاً از
پرستاران قدردانی نکند!

۲

آگهی فتوح مجمع عمومی عادی سالیانه (تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۸/۰۶)

نماینده یا وکیل خود در ساعات اداری از تاریخ انتشار تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ به دفتر شرکت تعاونی مصرف واقع در سه راه دارایی مراجعه و ضمن ارائه وکالت، برگه ورود به جلسه دریافت نمایند؛

دستور جلسه:

- ۱- گزارش هیئت مدیره و بازرسان
- ۲- تصویب صورتهای مالی منتهی به تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱
- ۳- تصویب بودجه سال مالی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ (اول)
- ۴- قرارداد ۱۴۰۴ تا ۳۱ تیر ۱۴۰۵ طبق اساسنامه)

انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۴-۱۴۰۵

هیئت مدیره شرکت تعاونی مصرف کارکنان دارایی خراسان

مخاطب محترم

خانم بهناز طویل جامی قریمانی

احتراماً به اطلاع می‌رساند برابر دادنامه شماره ۱۴۰۳۲۵۳۹۰۰۱۵۰۰۹۹۰ مورخه ۱۴۰۳/۱۲/۰۲ شعبه ۲ دادگاه خانواده مشهد طلاق رجعی بین شما

مخاطب محترم و آقای مهدی تقدیسی

تیک نژاد به شماره ثبت ۶۱۹ مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ طبق دادنامه مذکور در این دفتر‌خانه جاری و ثبت گردید لذا

علاقه زوجیت فی مابین ساقط گردید.

سردفتر ازدواج ۴۶ و طلاق ۳۲ مشهد

مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

اچپ افست | چاپ شیت | چاپ رول | بویوی | سفون | لیتوگرافی | صحافی | برش | مجهزترین چاپخانه شرق کشور با پرسنل حرفه‌ای

۵۱-۳۷۰۸۸

مشهد مقدس، بلوار سجاد، نبش سجادیک (واحد سفارشات مؤسسه فرهنگی قدس)

اظهار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

علی خدادادی
رئیس ثبت اسناد و املاک خلیل آباد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۳۲۵۳۹۰۰۱۵۰۰۹۹۰ مورخه ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خلیل آباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آگاهی ابوالفضل لغاری فرزند محمد رضا به شمار شناسنامه ۱۴۰۳/۰۵/۰۴۵ صادره از کاشمر در ششادگ یک قطعه زمین مورزی به مساحت ۵۷۳/۸۳ متر مربع قسمتی از ششادگ پلاک شماره ۱۶۶ قریبی از ۴۶ اصلی واقع در بخش دو خلیل آباد خریداری از مالک رسمی وراث مرحوم زینل بیگ معصومی به نام ایام تعیین و اعلام و اعلام رضا و محمد جواد شهرت هگمی معصومی میرآبادی مخزن گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

علی خدادادی
رئیس ثبت اسناد و املاک خلیل آباد

۱۸- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۳۸۱/۹۹ متر مربع بنام آقای محمود رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۳/۱۱

۱۹- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۱۸۹/۹۱ متر مربع بنام آقای محمود رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۷/۳۱

۲۰- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۱۸۹/۹۱ متر مربع بنام خانم خدیجه رضایی به شماره رای ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

لذا بدینوسیله اعلام میگردد در صورتی که اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده فوق اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاهای از تاریخ الحاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض می‌باید در تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت می‌باید در صدور سند مالکیت خود نمود و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه معترض به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

مرتضی محمد آبادی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جاجریم

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۳۲۵۳۹۰۰۱۵۰۰۹۹۰ مورخه ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خلیل آباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی کمیده امداد امام خمینی(ره) بشماره شناسنامه ۱۴۰۳/۰۵/۰۴۵ صادره از کاشمر در ششادگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۸۱/۹۹ متر مربع قسمتی از ششادگ پلاک شماره ۱۶۶ قریبی از ۴۶ اصلی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۳۸۱/۹۹ متر مربع بنام خانم خدیجه رضایی به شماره رای ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ

۱۸- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۳۸۱/۹۹ متر مربع بنام خانم صغری رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

۱۹- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۱۸۹/۹۱ متر مربع بنام خانم خدیجه رضایی به شماره رای ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

۲۰- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۱۸۹/۹۱ متر مربع بنام خانم خدیجه رضایی به شماره رای ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

لذا بدینوسیله اعلام میگردد در صورتی که اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده فوق اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاهای از تاریخ الحاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض می‌باید در تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت می‌باید در صدور سند مالکیت خود نمود و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه معترض به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

مرتضی محمد آبادی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جاجریم

هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیئت مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک جاجریم مورد رسیدگی و تایید قرار گرفته است جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیر انتشار و محلی) بپیش دریل آگهی می‌شود

بخش ۶ بجنورد: اصلی موسوم به چهاربید

۱- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۸۹۹/۴۲ متر مربع بنام آقای محمود رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

۲- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۲۴۳۷/۱۸ متر مربع بنام آقای محمود رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

۳- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۲۴۳۷/۱۸ متر مربع بنام آقای محمود رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

۴- ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۲۴۳۷/۱۸ متر مربع بنام آقای محمود رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

۵- سه دانگ مشاع از ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۳۴۴۲/۴ متر مربع بنام خانم صغری رحمانی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

۶- سه دانگ مشاع از ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۳۴۴۲/۴ متر مربع بنام خانم خدیجه رضایی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

۷- سه دانگ مشاع از ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۳۴۴۲/۴ متر مربع بنام خانم خدیجه رضایی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

۸- سه دانگ مشاع از ششادگ یک قطعه زمین مزروعی قسمتی از پلاک شماره ۸۳ اصلی ابتدایی از محل مالکیت حسین رحمانی به مساحت ۳۴۴۲/۴ متر مربع بنام خانم خدیجه رضایی به شماره رای ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

تا چابیت سرد میشه ، آگهی تو سفارش بده
همین قدر راحت و سریع

پذیرش آگهی غیر حضوری در روزنامه قدس

۵۱-۳۷۰۸۸

درهای اتوماتیک

آسانسور

صعود آسانسور
نصب، اجرا، سرویس و نگهداری انواع آسانسور
۳۸۸۲۳۳۹۳

کرایه خودرو

کرایه اتومبیل غیررئیس شاهزادگان
خودرو با راننده و بدون راننده ایرانی و خارجی (رهمورد)
۰۹۱۵۵۱۱۵۹۹۲-۳۶۰۶۶۶۹۶

میلاد در
مجری کلیه سیستم های درب اتومات شیشه ای، جکی، ریلی، کرکره ای، راهبند

۰۹۱۵۱۱۱۵۴۹۳
۳۸۹۹۶۸۶۸

سازندیک

ویژه ۳ استان خراسان

آیت الله علم الهدی:

پرستاری شغل نیست بلکه حرفه‌ای مقدس است

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی، آیت الله سیداحمد علم الهدی در دیدار جمعی از پرستاران بیمارستان های مشهد مقدس و بیمارستان امام حسین (ع) نیروی زمینی سیاه که در دفتر نمایندده ولی فقیه در خراسان رضوی برگزار شده با بیان اینکه پرستاری تنها یک شغل نیست، بلکه یک حرفه مقدس است، گفت: در این مسیر، مسائلی چون معیشت، حقوق و اضافه کاری مطرح می شود و ما مسئول پیگیری این موارد با مراجع مربوط هستیم.

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی با بیان اینکه ارزش فداکاری های پرستاران به صورت عددی قابل اندازه گیری نیست، ابراز کرد: ما نیز باید با نگاه عمیق تر، با احترام و حمایت مستمر، احترام این شغل والا را در جامعه مان حفظ کنیم و به یاد داشته باشیم هر روزی که شما در دل تاریکی می درخشید، نور امیدی برای میلیون ها انسان روشن می شود؛ امیدواریم این بینش به عمل تبدیل شود تا بتوانیم زحمات پرستاران گرامی را به طور واقعی قدر بدانیم.

راه آهن مشهد- چناران آماده ریل گذاری

نماینده مردم چناران، طر قبه شانندیز و گلپهار در مجلس شورای اسلامی گفت: ۳۷ کیلومتر از طرح در حال ساخت راه آهن ۴۶ کیلومتری مشهد- چناران به دلیل اتمام مراحل زیرسازی، ساخت پل ها و تحسویل (آماده سازی) حریم راه آهن آماده ریل گذاری است. حسین امامی راه در گفت و گو با ایرنا افزود: طرح قطار مشهد- گلپهار- چناران یکی از ۱۰ طرح بزرگ عمرانی کشور محسوب می شود.

وی بیان کرد: بودجه سالانه منسوب طرح ۳ هزار میلیارد ریال بوده که ۸۰۰ میلیارد ریال از اعتبارات در اختیار نمایندگان به طرح اختصاص یافته است. در تعامل با مدیر عامل بانک تجارت تا پرداخت ۱۰ هزار میلیارد ریال به طرح موافقت شد که تاکنون ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال آن تخصیص یافته است. در نشست سنجانی به معاون وزیر راه و مدیر عامل ذوب آهن اسفهان تفاه نامه اولیه برای تأمین ۱۳ هزار تن ریل با ترک نشی رفات خرید انجام شده است، هر چند ریل گذاری به آینده موکل اما مقر شری دل ها خریداری و انبار شود.

وی افزود: با یک سرمایه گذار اهل ترکیه تفاه نامه اولیه برای سرمایه گذاری و اجرای طرح توسط وی انجام شده و قرار است در نشست در ایران یا ترکیه برای حضور و فعالیت سرمایه گذار ترک تفاه نامه نهایی انجام شود.



یادداشت

علی محمدزاده

آقایان مسئول لطفاً از پرستاران قدردانی نکنید!

بی هیچ توضیح و مقدمه چینی گاهی گفتن «ما را به خیر تو امید نیست، شر مرسا» خود گویای همه چیز است و روز گذشته بسیاری از پرستاران حاضر در یک مراسم به الفاظ مختلف همین جمله را می گفتند.

ماجرا از این قرار است که روز گذشته عراسمی در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد به بهانه روز پرستار و البته قدردانی از پرستاران نمونه برگزار می شود و معمولاً نخستین توقع جلسات صنفی از این دست، این است که حداقل فرصتی برای بیان درد دل ها و مشکلات شغلی باشد و شکل مراسم هم در حد نام و شن آن شغل و حرفه باشد اما آنچنان که تعدادی از پرستاران حاضر در جلسه روایت کردند بیشتر شبیه یک دورهمی و مراسمی بوده که در بسیاری از بازارهای تجاری و با هدف تبلیغات یک محصول یا فروشگاه برگزار می شود، بر همین اساس و فارغ از مشکلات قدیمی این شغل، در ادامه چند روایت از درد دل های برخی از پرستاران را بازگو می کنیم.

۱- مراسم روز گذشته با قرعه کشی چند دست سروس چینی میان حاضران و چند وام یک میلیونی بیشتر از آنکه ماهی دلگرمی باشد گویی بیابگر این واقعیت تلخ بود که برنده شدن سهمیه یک وام یک میلیونی در نگاه مدیران تصمیم گیر علوم پزشکی تجلیل از مقام والای پرستار است. البته گویا تعدادی امتیاز تسهیلات ۵۰ میلیونی هم بوده که سهواً و به دلیل پایان زمان برگزاری مراسم، متولیان مدعی شده اند قرعه کشی انجام و نتایج آن بعداً اعلام می شود که خود زمینه ساز برخی گمانه زنی ها شده است.

۲- یک پرستار به عنوان «پرستار نمونه کشوری» معرفی شده و گویا ۸ میلیون تومان هدیه نقدی دریافت می کند و بری در یافت تقدیر نامه باید به تهران مراجعه کند که احتمالاً قرار است مراسمی با حضور وزیر برگزار شود و البته هزینه طبیعت قطار هم به وی پرداخت می شود. تصور اینکه ۸ میلیون تومان هدیه پرستاری باشد که عنوان کشوری را هم یدک می کشد باز هم مصداق مدح شبیه دم است.

۳- ای کاش مدیران یا دانشن می آمد زمانی که پرستاران را سرا بایزان خط مقدم سلامت می دانستند سرانجام وعده ها که می دادند چه شد؟ کاش در روز پرستار فیش حقوقی یک پرستار ۲۵۵۰۰ سال کار را برای نمایندگان مجلس و تصمیم سازان این حوزه ارسال و تلاش می کردند با واقعی کردن پرداختی ها به وظیفه خود عمل کنند و به جای برگزاری مراسمی هم سطح بازارچه های تجاری پیگیر موقوفات پرستاران بودند.

۴- چند پرستار با سابقه کاری بیش از ۲۰ سال هم از اجحاف آشکار مدیران علوم پزشکی مشهد در کسر مبالغ بیمه دوران طرحشان گلایه می تند و می گویند برخلاف نص صریح قانون که از سال ۷۹ باید بیمه دوران طرح پرستاران توسط دانشگاه های علوم پزشکی پرداخت شود و نیز بنیانه صریح سال گذشته دیوان عدالت اداری که خطاب به وزیر بهداشت نوشته شده و در آن آمده است به بهانه کمبود منابع مالی از لراجاع پرستاران به دیوان عدالت اداری پرهیز کرده و نسبت به پرداخت حقوق آن ها اقدام نکند اما همچنان در علوم پزشکی مشهد با استنادات خلاف واقع و البته دستور خلاف قانون معاونت منابع انسانی این دانشگاه در چند سال پیش همچنان مبالغ بیمه از پرستاران وصول کسر می شود.

با اتمام این درد دل ها وقتی مراسم قدردانی و تجلیل هیچ ضرور صنفی ایجاد نمی کند و شیوه عملکردی هم بیشتر دل آدم را به درد می آورد بهتر است بیچشمی ما را به خیر شما امید نیست...

در سایه نظام ارزی چندفرخی، شرکت های رانتی و تفویض نکردن اختیارات به استان ها

واردات آزاد برنج، بازی با واژه هاست



خود در ۱۳۷امین جلسه شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی و تقریباً ۲۰ روز پس از نخستین اظهار نظر خود عنوان کنند زمینه واردات برنج بازر آزادراستان توسط فعالان اقتصادی داوطلب فراهم شده و خراسان رضوی قادر است مسئولیت ثبت سفارش آن را بپذیرد. هر چند بعید به نظر می رسد رانت های سازمان یافته برای استفاده از ارز دولتی و واردات برنج اجازه شکستن منافع این بازار را بدهد اما اگر این فرض هم محقق شود این پرسش مطرح است که چه باید و نباید هایی مد نظر قرار بگیرد تا این فرصت ایجاد شده به بیراهه های برای سودجویی برخی تبدیل نشود.

در همین باره رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی خراسان رضوی در گفت و گو با خبرنگار معاون می کند: ریشه بحران بازار برنج در سیاست های ارزی، تمرکز قدرت در پایتخت و تداوم رانت ساختاری است و تا زمانی که ارز تک فرخی و تصمیم گیری اقتصادی غیر متمرکز نشود، هر اقدامی در سطح استان ها فقط مسکن موقت است و از درمان واقعی خبری نیست. سعید یا مشکی ادامه می دهد: در ظاهر از تفویض اختیار صحبت می شود اما در عمل هیچ اختیاری به استان ها داده نشده است. تمام تصمیم ها در تهران گرفته می شود.

طاهره فجر داوودی | افزایش قیمت برنج و نوسان های قیمتی آن در ماه های اخیر واکنش های مختلف رسته های رایه دنبال داشته است. هر چند هنوز در محافل مختلف رسمی و غیررسمی اظهار نظر های مختلفی در این خصوص بیان می شود که همه آنان بر وجود رانت گسترده تأکید می کنند اما همچنان از اقدامی سازنده از سوی نهادهای متولی که بتواند به این بازار سروسامانی بدهد و فشارهای مالی را در زندگی مردم کمتر کند، خبری نیست.

پیش تر از این و در دوم مهر ماه ۱۴۰۴، استاندار خراسان رضوی از بررسی قیمت برنج پاکستانی به ارزش یک دلار در سطح دنیا خبر داده بود و در ادامه با اشاره به قیمت ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی که برای خرید کالاهای اساسی اختصاص پیدا می کند قیمت برنج کیلویی ۲۲۰ هزار تومان را غیر منطقی دانسته بود و خواستار تفویض اختیار واردات برنج پاکستانی به استان شده بود.

پس از این اظهار نظر استاندار، برنج و ابعاد آن از عده موضوعات رسانه های استان شد و مسیر متفاوت تر مطالبه گری نسبت به گرانی که سایر اقلام این روزها بر زندگی مردم تحمیل می کنند به خود گرفت و شاید همین پرداختن ها سبب شد تا غلامحسین مظفری در تازه ترین اظهار نظر

گزارش

پرستاری نه فقط یک حرفه، که رسالتی الهی است؛ روایت هایی از مهر، ایثار و شجاعت

پرستاری؛ رسالتی میان درد و دعا



هستیم و رابطه مان همچنان ادامه دارد. من آن موقع احساس نمی کردم چه کار بزرگی انجام می دهم و از نظرم تنها داشتم وظیفه مرا انجام می دادم، اما بعد زمانی که آن بیمار با من دوست صمیمی شده، به من گفت: «هر آن روزها وقعی خواستم از بیمارستان بروم، چون فسر دگی گرفته بودم و تحمل نمی کردم، اما صحبت های شما موجب شد که بتوانم و در مانم تکمیل شود».

«بیمه یی بیماران، انگیزه ای برای ادامه کار است



مرجان سادات حسینی مقدم: سوپروایز بالینی بیمارستان مادر نیز که با وجود تحصیل در رشته روان شناسی شغل پرستاری را انتخاب کرده است، می گوید: عشق و علاقه ای که به این حرفه داشتم، من را وادار کرد وارد این رشته شوم و اکنون حدود ۲۶ سال است که در حال خدمت به بیماران هستم.

او می افزاید: چون من با جسم و روان بیماران در ارتباط می توانم در هر دو بُعد به درمان آن ها کمک کنم، وقتی بیمار از نظر جسمی و روانی بهبود پیدا می کند و از بیمارستان خارج می شود، این موضوع برایم یک حس و انگیزه بسیار خوب برای ادامه کار است.

حسینی مقدم در پاسخ به این پرسش که توصیه شما به کسانی که می خواهند حرفه پرستاری را دنبال کنند، چیست؟ عنوان می کند: مهم ترین نکته این است کسانی که می خواهند این کار را دنبال کنند، حتماً با علاقه وارد این رشته شوند و آن را با عشق ادامه دهند؛ چرا که پرستار باید با وجدان

دولت عامل گرانی است و بعد دنبال متهم می گردد.

رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی خراسان رضوی اضافه می کند: سیاست سهمیه بندی واردات نیز به رانت دامن زده یعنی در حالی که یک وارد کننده با سابقه فقط ۲۰۰ سهمیه می گیرد یک شرکت تازه تأسیس ده ها هزار تن مجوز واردات دریافت می کند. همین توزیع نام عادلانه موجب شده واردکننده واقعی از بازار حذف شود و شبکه ای از واسطه های رانتی جای او را بگیرند. رانت در وزارت جهاد کشاورزی و بخش بازرگانی وزارت صمت ریشه دار است و وقتی واردات برنج و گوشت به چند نام خاص سپرده می شود انتظار رقابت سالم بی معناست و به زیان مردم است.



با مشکی بر دو اصل کلیدی تأکید می کند و ادامه می دهد: تک فرخی شدن ارز و تفویض اختیار واقعی به استان ها راه پایان دادن به رانت و بی ثباتی است. اگر دولت واقعاً به دنبال اصلاح است، باید استان ها را از حاشیه تصمیم گیری خارج کند، خراسان رضوی مرز مشترک با کشورهای تولید کننده برنج مثل پاکستان و افغانستان دارد، چرا نباید بتوانیم با تمهیدات منطقه ای، بخشی از نیاز استان را از مسیر قانونی وارد کنیم و این اتفاق باید بر مبنای تفویض اختیار واقعی باشد نه شعار پردازی، ضمن آنکه این تفویض اختیار باید همراه با نظارت شفاف باشد تا زمینه فساد جدید ایجاد نشود.

شفاف سازی راه مقابله با گرانی

او می گوید: ما در دوره ای زندگی می کنیم که هیچ چیز پنهان نمی ماند، اما هنوز ساختار اقتصادمان به روش دهه ۶۰ اداره می شود، به طور کلی اگر اگر ار است واردات آزادی شکل بگیرد باید سازوکاری ایجاد شود که تخصیص مجوزها و ارز در دسترس عموم باشد. هر جا که پشت درهای بسته تصمیمی شکل بگیرد، همان رانت تکرار می شود و وقتی اطلاعات واردات، تخصیص ارز و قیمت عرضه شفاف نباشد، فضا برای فساد باز می ماند. از سوی دیگر ما هنوز با اقتصاد آزاد فاصله زیادی داریم و تحریم، عدم ثبات قوانین، بخشنامه های شایعه و تغییر ناگهانی نرخ ارز موجب شده تاجر ایرانی نتواند برنامه ریزی کند. وقتی امروز بخشنامه ای صادر و فردا عوض می شود، هیچ کس ریسک سرمایه گذاری را نمی پذیرد و باید برای این بخشنامه ها هدف ایجاد ثبات چاره اندیشی شود. ممکن است امروز حرف و تصمیم و گذاری اختیار نباشد اما با نایم یک بخشنامه خلق الساعه همه چیز تحت تأثیر قرار بگیرد و بی ثباتی به بازار برگردد و همین اتفاق ها سبب شده حتی در واردات برنج، بسیاری از تاجران سالم به فعالیت خود ادامه ندهند. یک راه حل دیگر این است که به تنها چند لایه اساسی ارز تحتل بگیرد و تخصیص ارزی به کالاهای غیر ضروری متوقف شود و در نهایت خود دولت نسبت به توزیع اقدام کند تا افزایش قیمت سلیقه ای و افسار گسیخته تکرار نشود.

و مسئولیت پذیر باشد، چون مستقیماً با جان بیماران در ارتباط است.

«دعای خیر بیماران برایم بسیار ارزشمند است



مریم بهشتی که ماما و پرستار بخش زنان و زایمان بیمارستان مادر است نیز درباره شغل پرستاری می گوید: به دلیل اینکه مادرم مبتلا به سرطان بود و من پنج سالی که او را رنج و زحمت زندگی کرد از او مراقبت کردم، با بیماران همدات پنداری می کنم و این تجربه سبب شد خدمت به بیماران را با تمام وجود و عاشقانه دوست داشته باشم.

او می افزاید: در این بخش کارم با نوزادان است و انرژی و حس خوبی از آن ها می گیرم، وقتی به نوزاد دست می زنم یا به مادری در مراقبت از نوزادش، شیردهی یا پرستاری از خودش کمک می کنم، واقعاً لذت می برم. دعای خیر بیماران برایم بسیار ارزشمند است، همیشه به مادران می گویم: «بهترین و بالاترین شیرینی برای من این است که برایم دعا کنید و یک «خدا بیامرز» برای پدر و مادرم بگویید؛ چرا که این برایم خیلی ارزش دارد».

بهشتی درباره رابطه اش با بیماران و مراجعه کنندگان عنوان می کند: با مراجعه کنندگان زیادی دوست شدم و این نوع رفاقت ها در مراکز بهداشت که مراقبت از مادران باردار را در آنجا انجام می دادم، بیشتر برایم اتفاق می افتاد. هنوز یا خیلی از این مادران در ارتباط هستم و در فضای مجازی به من پیام می دهند. به خاطر دارم که یک بار ساعت ۴ صبح یکی از مادران به من زنگ زد و گفت: «خاتم بهشتی، نوزادمان دارد گریه می کند، چکار کنیم؟».

پرستاری را نمی توان تنها در چارچوب وظایف حرفه ای تعریف کرد؛ بلکه باید آن را رسالتی دانست که با مهر، صبر، دانش و ایثار در هم تنیده شده و گاهی خلاف قواعد مرسوم و خارج از وظایف تعریف شده، مرهم زخم های نادیدنی می شود. قدردانی از مقام آن ها نباید منحصر به یک روز باشد، بلکه باید در تمام طول سال قدردان پرستاران بود که با همه سختی های این شغل در اوج خطرهای همچون کرونا و جنگ، جان بر کف در صحنه حاضر بودند و بی هیچ ترس و واژه ای به مردم کمک کردند. شاید کمترین کمک و توجه به آن ها از طرف مسئولان رسیدگی ویژه به حقوق، مزایا و معیشت این قشر زحمتکش جامعه باشد.

❖ **هکس** از راه میرسه طرح جدید اعمال میکنه برای کارگران بیچاره شهرداری. مگه طرح بیمه قدیم چکار بود؟ هزینه خود کارگر رو کارفرما میداد و برای همسر در ماه ۲۵۰ هزار تومان از حقوق کم میکردن. ولی الان هزینه خود کارگر ۶۵۰ هزار تومان شده که دیگه کارفرما پرداخت نمیکنه و پوشش همسر تنها هم نمیشه و باید بچه‌ها هم باشند. اونم که یک میلیون و خرده‌ای هزینه‌اشی است. ما چطور این پول رو بدیم؟

❖ **دلمون** به همین خوش بود که هزینه دکتر حداقل کم میشه که اونم از زمون گرفتند. موقع افزایش حقوق کارگر میگن تورم زیاد میشه همین حقوق الان جواب نمیده. باز اونم کم کنن تا برده.

❖ **سلام**، چرا برای مادرم از وقتی پدرم فوت کرده معیشتی نمی‌ریزن؟ یک ساله تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) هست اما نه سهام عدالت داره نه معیشتی.

❖ **چرا** شهرداری از حقوق کارگران که اصلاً کفاف زندگی رو با این حقوق نمیده، کم کرده؟ این ماه از شهر من ۳ میلیون تومن کم کردن به خاطر بیمه تکمیلی، کاش تو این ماهی که بیمه نبودن و قطع بوده خدمات داده بودن؛ الان از حقوق کم کردن. هرچی هم میگی میگن همیشه، اگه دکتر میشناسین برین فاکتور بگیرین از بیمه بگیرین. آخه کدوم دکتر این کار رو میکنه؟ چرا این قدر حق کارگر رو میخورین.

❖ **شاید** کسی رسیدگی نکنه ولی خدایی هم هست و باید اون دنیا جواب پس بدین.

❖ **سلام**، من یک فرد روستایی با ۲۸ سال سن و از کارافاده هستم. تازگی سکنه قلبی کردم. مسئولین وزارت رفاه که من را از دهک یک به ۵ تغییر دادند چون در سال ۱۴۰۲ اندکی پول به حسامیم آمده که اون هم کمک‌های چند نفر بوده برای هزینه عمل و خرید پلاتین، اون پول رو دیدند ولی درد و نداری من را ندیدند که از سال ۱۴۰۲ به بعد، غیر از یارانه

و مستمری کمیته و کمک دوستان، پولی به حساب نیامده. خجالت‌آور است که یک نهاد به‌جای کطف به مستضعفان، آن‌ها را به چاه‌نی اندازد. چرا از خدا نمی‌ترسید؟ کی می‌خواهید درد مردم را بفهмید و صدای ما را بشنوید؟ برای اعتراض کجا برویم؟ سامانه اعتراض هم بسته است و کسی نمیتونه اعتراض کنه.

❖ **سلام**، بچه‌های این دوره و زمونه از لحاظ تغذیه مشکل دارند و بودجه کمک معیشتی باید به این‌ها تعلق بگیره. مگه گناه بچه‌ها می‌چیه که دو سال ۱۴۰۵ به‌دتیا نیامت تا ماهی ۲ میلیون تومن بهشون بدن؟ حداقل کالایرگ بهشون بدن واسه سوءتغذیه و بچه‌های زیر دوسال. مسئولان به بچه‌هامون کمک کنن چون خشکونه و بچه این آب و خاک هستند. چرا هرچی بدبختیه مال آدم فقیره.

❖ **سلام**، به اطلاع می‌رساند در حال حاضر پوشش کامل مکالمه و اینترنت پرسرعت از محل اپراتورهای همراه اول و ایرانسل تأمین شده و اگر ضعف پوشش در نقطه خاصی مدنظر است، باید مراتب را از طریق ثبت شکایت در سامانه ۱۹۵ پیگیری کنند.

❖ **جناب آقای رئیس‌جمهور**، پروژه برقی کردن راه آهن تهران -مشهد بیش از نیم قرن پیش در دست بررسی و مطالعه بود. افرادی که این مطالعات را شروع کردند، فوت کرده‌اند و دولت‌های مختلف هم آن را تأیید و حتی تصویب کردند؛ اما هیچ اتفاقی در عمل و واقعیت نمی‌افتد. لطفاً این پروژه بزرگ فراموشی را عملی کنید تا حدود ۴۰ درصد زائری که از مسیر ریلی به مشهد می‌آیند، در رفاه و امنیت و سرعت به مشهد بیایند. همچنین تأسیس آزادراه حرمت تا حریم، قسمت‌هایی که در خراسان رضوی هست، میتواند به نیسی از زائران کمک کند در امنیت و سرعت به مشهد سفر کنند. این آزادراه بیشتر از آنکه برای مشهد سود داشته باشد، برای ایران و حتی کشورهای اروپایی فایده دارد. چون این یک آزادراه آسیایی (مسیر تاریخی راه ابریشم) است که به سرعت حمل و نقل جاده‌ای و ترانزیتی هم کمک میکند.

❖ **سلام**، در بولسوار عبدالمصططب، نیش عبدالمصطب ۳۰ جایگاه پمپ بتزینی هست که برای موتورسیکلت‌ها جایگاه مخصوصی انتخاب کردند و چندین سال است دستگاه پمپ قسمت موتورسیکلت‌ها ایراد دارد. صفحه نمایش خراب است و موقع سوخت‌گیری اصلاً اعداد را نشان نمیدهد و مردم باید ذهنی و خیالی بتزین برزن و حتی به جای مثلاً پنج لیتر، چهار لیتر و خرده‌ای بتزین تحویل میدهند. این مشکل چندین سال است؛ ولی متأسفانه بعد از چند سال هنوز حل نشده. لطفاً رسیدگی شود. ممنون.

❖ **سلام**، از وضعیت بد معیشت بنویسید لطفاً. همیشه میگفتن سفره‌های مردم کوچیک شده، حالا دیگه با این گروهی سفره‌ای هم در کار نیست.

❖ **قیمت** کالاهای اساسی سر به فلک کشیده است. ما طبابایی با بیان اینکه راه برون‌رفت از این چرخه، نه در انکار و مخالفت بیمارگونه با بلندمرتبه‌سازی، بلکه در بازنگری رویکرد فناورانه و نهادی کشور در حوزه ساختمان است، خاطرنشان کرد: باید درها را به‌روی همکارانی‌های بین‌المللی، انتقال فناوری و نظام‌های نوین ساخت باز کنیم تا بتوانیم ساختمان بلندمرتبه را از کالای تجملی به کالای عمومی تبدیل کرده و برای تمامی گروه‌های اجتماعی و اقتصادی در شهری فشرده، قابل دسترسی و به‌صورت عادلانه، امکان سکونت و زندگی شهری را فراهم آوریم، بی‌آنکه در دام گسترش افقی، خودرومحوری و مصرف‌بهریه منابع بیفتیم.

❖ **سلام**، می‌خواستم در رابطه با صدا و سیما که این قدر بودجه بهش داده میشه اما انتظارات مردم رو برآورده نکرده سؤال کنم. چطوری یک شبکه خارجی می‌تونه برای سلیقه‌های مختلف برنامه هر موقع میریم، میگن بودجه نیست. پنج بچه داریم و یک دختر توی عقد. میخوان عروسی دخترم رو بگیرن. مسئولان واسه وام کاری بکنند.

❖ **سلام**، می‌خواستم در رابطه با صدا و سیما که این قدر بودجه بهش داده میشه اما انتظارات مردم رو برآورده نکرده سؤال کنم. چطوری یک شبکه خارجی می‌تونه برای سلیقه‌های مختلف برنامه هر موقع میریم، میگن بودجه نیست. پنج بچه داریم و یک دختر توی عقد. میخوان عروسی دخترم رو بگیرن. مسئولان واسه وام کاری بکنند.

❖ **سلام**، چرا این ماه یارانه رو برای همه نریختند؟ ما دهک سوم هستیم و یارانه برامون نریختند.



هیب افروز/ بخش ترافیک است

قرار می‌گیرد. پیامد نهایی این چرخه بیمار، تشدید نابرابری و بی‌عدالتی فضایی در شهرهاست. درواقع، عقب‌ماندگی فناوری ساختوساز به‌یک‌ای از ریشه‌های نابرابری فضایی تبدیل شده است. مشاور توسعه شهری افزود: هرچند مخالفت با بلندمرتبه‌سازی خردمندانه نیست اما تا زمانی که فناوری‌های ساخت صنعتی، مدیریت زمان و هزینه و فناوری‌های نوین مصالح و سازه در کشور ارتقا نیابد، ساختمان بلند همچنان کالایی لوکس خواهد بود، نه ابزاری برای تولید فضای سکونت و خدمات برای همگان و گسترش عدالت شهری.

طبابایی با بیان اینکه راه برون‌رفت از این چرخه، نه در انکار و مخالفت بیمارگونه با بلندمرتبه‌سازی، بلکه در بازنگری رویکرد فناورانه و نهادی کشور در حوزه ساختمان است، خاطرنشان کرد: باید درها را به‌روی همکارانی‌های بین‌المللی، انتقال فناوری و نظام‌های نوین ساخت باز کنیم تا بتوانیم ساختمان بلندمرتبه را از کالای تجملی به کالای عمومی تبدیل کرده و برای تمامی گروه‌های اجتماعی و اقتصادی در شهری فشرده، قابل دسترسی و به‌صورت عادلانه، امکان سکونت و زندگی شهری را فراهم آوریم، بی‌آنکه در دام گسترش افقی، خودرومحوری و مصرف‌بهریه منابع بیفتیم.

❖ **سفرسازی‌های جدید اطراف ایستگاه‌های مترو منطقی نیست** یک کارشناس دیگر حوزه شهرسازی نیز درباره‌الگوی توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل با بیان اینکه مبدأ نظریه «توسعه مبتنی بر حمل و نقل» (TOD) آمریکاست، گفت: در برهه‌ای در آمریکا، شهرها به صورت افقی توسعه یافته و تراکم کم بوده است و یکی از نظریه‌پردازان برای رفع این مشکل پیشنهاد کرده اطراف ایستگاه‌های مترو ظرفیت خوبی برای افزایش تراکم وجود دارد. همچنین این نظریه شامل هفت اصل دیگر نیز است که به همراه اصل هشتم که متراکم ساختن است به نظریه توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل معروف شده است. اما اولادو شهر مشهد شرایط مشابهی با شهرهای آمریکایی وجود ندارد. ثانیاً نظریه TOD تأکید می‌کند تراکم باید درحی افزایش یابد که متناسب با حجم ظرفیت حمل‌ونقل عمومی باشد.

صالح شریفی ادامه داد: در حال حاضر، خط یک قطار شهری مشهد ظرفیت مازادی ندارد و شلوغی زیادی دارد. بنابراین، اضافه کردن سفرهای‌های جدید اطراف ایستگاه‌های مترو منطقی نیست و نمی‌توان بر مضاعفی روی خط یک و سایر خطوط مترو قرار داد. در نتیجه، استفاده از این نظریه در مشهد، بیشتر برای توجیه بلندمرتبه‌سازی است تا حل مسئله.

❖ **بلندمرتبه‌سازی باید برای تمام اقشار جامعه باشد** باتوجه به نظر کارشناسان، برای دستیابی به شهری پایدار و عادلانه، ضروری است رویکردهای موجود در بلندمرتبه‌سازی و توسعه شهری مورد بازنگری قرار گیرد. باتوجه به چالش‌های ناشی از عقب‌ماندگی فناوری و ناتوانی در تأمین نیازهای واقعی جامعه، باید تلاش کنیم ساختمان‌های بلندمرتبه را از حالت کالای لوکس خارج کرده و به ابزاری عمومی و قابل دسترسی برای تمامی اقشار جامعه تبدیل کنیم. همچنین، باید به اصول نظریه‌های توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل توجه بیشتری داشته باشیم و از ایجاد فشار مضاعف بر سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی بپرهیزیم. در این راستا، همکاری‌های بین‌المللی و انتقال فناوری می‌تواند راه‌گشای ما باشد تا با ایجاد فضایی متوازن و فشرده، عدالت فضایی را در شهرها تحقق بخشیم و از گسترش افقی و مصرف‌بهریه منابع جلوگیری کنیم.

❖ **بلندمرتبه‌سازی باید برای تمام اقشار جامعه باشد** باتوجه به نظر کارشناسان، برای دستیابی به شهری پایدار و عادلانه، ضروری است رویکردهای موجود در بلندمرتبه‌سازی و توسعه شهری مورد بازنگری قرار گیرد. باتوجه به چالش‌های ناشی از عقب‌ماندگی فناوری و ناتوانی در تأمین نیازهای واقعی جامعه، باید تلاش کنیم ساختمان‌های بلندمرتبه را از حالت کالای لوکس خارج کرده و به ابزاری عمومی و قابل دسترسی برای تمامی اقشار جامعه تبدیل کنیم. همچنین، باید به اصول نظریه‌های توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل توجه بیشتری داشته باشیم و از ایجاد فشار مضاعف بر سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی بپرهیزیم. در این راستا، همکاری‌های بین‌المللی و انتقال فناوری می‌تواند راه‌گشای ما باشد تا با ایجاد فضایی متوازن و فشرده، عدالت فضایی را در شهرها تحقق بخشیم و از گسترش افقی و مصرف‌بهریه منابع جلوگیری کنیم.

❖ **عقب‌سازندگی فناوری ساختوساز؛ یکی از ریشه‌های نابرابری فضایی** وی با بیان اینکه بلندمرتبه‌سازی در اصل به معنای تولید فضای بیشتر در عرصه کمتر است، اما در عمل، محصول تولید شده آن قدر گران تمام می‌شود که فقط در دسترس طبقات اقتصادی بالا قرار دارد، گفت: بنابراین نه در حوزه مسکونی پاسخگوی نیاز طبقه متوسط و زیرمتوسط است نه در حوزه خدمات، در دسترس عموم شهروندان سود می‌افتد و چون سود در تجملات بیشتر است، ناچار به سمت لوکس‌سازی حرکت می‌کنند؛ در نتیجه در بسیاری از شهرهای ایران از جمله مشهد، مفهوم بلندمرتبه‌سازی با لوکس‌سازی مترادف شده است.

❖ **عقب‌سازندگی فناوری ساختوساز؛ یکی از ریشه‌های نابرابری فضایی** وی با بیان اینکه بلندمرتبه‌سازی در اصل به معنای تولید فضای بیشتر در عرصه کمتر است، اما در عمل، محصول تولید شده آن قدر گران تمام می‌شود که فقط در دسترس طبقات اقتصادی بالا قرار دارد، گفت: بنابراین نه در حوزه مسکونی پاسخگوی نیاز طبقه متوسط و زیرمتوسط است نه در حوزه خدمات، در دسترس عموم شهروندان سود می‌افتد و چون سود در تجملات بیشتر است، ناچار به سمت لوکس‌سازی حرکت می‌کنند؛ در نتیجه در بسیاری از شهرهای ایران از جمله مشهد، مفهوم بلندمرتبه‌سازی با لوکس‌سازی مترادف شده است.

بلندمرتبه‌سازی در مشهد به مسیری پرهزینه و محدود کننده تبدیل شده است

بلندمرتبه‌سازی یا لوکس‌سازی؟

❖ **عفت رضوی** | سند یا همان طرح بلندمرتبه‌سازی شهر مشهد اکنون در دستور کار کمیسیون ماده ۵ قرار دارد و مهلت یک‌ماهه مقرر آن برای بازنگری و اصلاح به پایان رسیده و باید در این کمیسیون ارائه شود. در صورت تصویب در کمیسیون ماده ۵ استان، به کارگروه و شورای برنامه‌ریزی و به دنبال آن نیز به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رود و در صورتی که در این مراحل نیز تصویب و توسط شورای عالی شهرسازی ابلاغ شود، ملاک عمل خواهد بود. در این میان، جلسات متعددی با جامعه‌نخبگانی برگزار شد و حال باید دید نظرات جامعه‌نخبگانی تا چه حد می‌تواند این سند را متحول کند.

❖ **نظرات جامعه‌نخبگانی به‌مشاور منتقل شد** سعید شعر با ف در گفت‌وگویی با خبرنگار طوس ضمن بررسی وضعیت سند بلندمرتبه‌سازی و روند بررسی آن در کمیسیون ماده ۵، گفت: درباره اینکه جزئیات سند در کمیسیون ماده ۵ چه زمانی جمع‌بندی خواهد شد، بنده اطلاعی ندارم. نقطه نظرات بخشی از جامعه‌نخبگانی که بسیار هم دقیق و جزئی بود، به مشاوران منتقل شد. در طول این یک ماه، جلسات متعددی با حضور نمایندگان مجلس و نخبگان مختلف برگزار و اشکالات بنیادی طرح مطرح شد. اما اینکه مشاور چه بخشی از این اصلاحات را اعمال خواهد کرد و چه مواردی در کمیسیون ماده ۵ مصوب شود، هنوز مشخص نیست و من هم اطلاعی ندارم که چه اتفاقی خواهد افتاد. به نظر می‌رسد دوستان جمع‌بندی کرده‌اند که با همین پیشنهادها در اسرع وقت، در یکی دو هفته آینده، ماده ۵ سند بلندمرتبه در استان مصوب خواهد شد.

❖ **وی** در پاسخ به این پرسش که آیا بخشی از اصلاحات پیشنهادی شما نیز در این مصوبه گنجانده خواهد شد، بیان کرد: این موضوع اصلاً مشخص نیست. برخی از اصلاحات طرح، بنیادی بود، مثلاً مفهوم حق مسکن است؛ که در ذهن مشاور بود و در طرح نیز لحاظ شده بود، به هیچ وجه قابل پذیرش نبود، بخش مهمی از پهنه‌ها و محورها حذف شد و در واقع مشاور باید تغییرات اساسی در مسیر کار خود ایجاد کند. اگر این موارد مورد پذیرش قرار گیرد، ممکن است بتوانیم به صورت کلی از آن دفاع نسبی کنیم، اما اگر قرار باشد به همان مسیر قبلی برگردد یا اصلاحات به حداقل برسد، دیگر نمی‌توان دفاع کرد. باید صبر کنیم و ببینیم در خروجی ماده ۵ چه اتفاقی خواهد افتاد.

❖ **امیدواریم جلسات نخبگانی جنبه فرمایشی نداشته باشد** متخصص شهرسازی با اشاره به طرح اشکال‌های بنیادی در سند ادامه داد: انبوهی از پروژه‌ها، پهنه‌ها و محورهایی در طرح وجود داشت که به‌خاطر توافقات پیشین به مشاور تحمیل شده است؛ توافقاتی که از طریق مدیریت شهری، مالکان زمین یا پروژه‌های ساخته شده سال‌های قبل، روی یک زمین ایجاد شده بود که باید در نقشه بلندمرتبه‌سازی لحاظ می‌کرد. از پروژه‌های ساخته شده تا پلاک‌هایی که مصوبه ماده ۵ داشت و بعضاً آلبه‌های ترمیمی که خط آسمان شکل گرفته بود، ولی چند پلاک خالی وجود داشت، همه این عناوین به جز موارد قبلاً دفاع، باید از پهنه بلندمرتبه حذف می‌شد. شعر با ف با ذکر مثالی از یک پروژه در خیابان هفت تیر، بیان کرد: نه عنوان مثال، اگر برچی ۴۴ طبقه، مجوز ماده ۵ ندارد و ساخته شده، حتماً مدیریت شهری باید درباره آن پاسخگو باشد. نمی‌توان چنین پروژه‌ای را در سند بلندمرتبه‌سازی قرار داد تا تخلف‌های انجام شده سفید شوی. باید پروژه‌های دیگری که حاصل توافقات مدیریت شهری با یک سرمایه‌گذار است یا مصوبات ماده پنجی که ضرورت داشته مصوبه شورای عالی را بگیرد، ولی نگرفته و در سند گنجانده شده است؛ این موضوعات حجم بزرگی از محورها را شامل می‌شد که به لحاظ منطق شهرسازی قابل دفاع نبود و می‌تواند به صورت موردی ارسال شود و نیاز به ذکر در سند بلندمرتبه‌سازی ندارد. در نهایت، امیدواریم مباحث مطرح شده در مصوبه نهایی ماده ۵ مورد توجه قرار گیرد و این جلسات تنها جنبه فرمایشی نداشته باشد.

❖ **افزایش بهره‌وری زمین شهری باید به شکل‌گیری شهر فشرده بینجامد** یک مشاور توسعه شهری نیز با بیان اینکه زمین شهری یکی از ارژش‌مندترین منابع طبیعی است، گفت: برخلاف تصور رایج، زمین در شهر نه یک کالای صرفاً اقتصادی، بلکه منبع طبیعی محدود و همچنین دستاویزی برای توسعه است. توسعه پروژه در زمین شهری، مانند استفاده از هر منبع دیگری، باید با معیار بهره‌وری و شاخص تولید فضا در زمین، سنجیده شود. یعنی در هر قطعه از زمین شهری، باید توسعه پروژه تا نهایت پالای امکان پذیر، برنامه‌ریزی و انجام شود و محدودت‌های فضاپیما‌ی به‌جای تعیین

❖ **عقب‌سازندگی فناوری ساختوساز؛ یکی از ریشه‌های نابرابری فضایی** وی با بیان اینکه بلندمرتبه‌سازی در اصل به معنای تولید فضای بیشتر در عرصه کمتر است، اما در عمل، محصول تولید شده آن قدر گران تمام می‌شود که فقط در دسترس طبقات اقتصادی بالا قرار دارد، گفت: بنابراین نه در حوزه مسکونی پاسخگوی نیاز طبقه متوسط و زیرمتوسط است نه در حوزه خدمات، در دسترس عموم شهروندان سود می‌افتد و چون سود در تجملات بیشتر است، ناچار به سمت لوکس‌سازی حرکت می‌کنند؛ در نتیجه در بسیاری از شهرهای ایران از جمله مشهد، مفهوم بلندمرتبه‌سازی با لوکس‌سازی مترادف شده است.

❖ **عقب‌سازندگی فناوری ساختوساز؛ یکی از ریشه‌های نابرابری فضایی** وی با بیان اینکه بلندمرتبه‌سازی در اصل به معنای تولید فضای بیشتر در عرصه کمتر است، اما در عمل، محصول تولید شده آن قدر گران تمام می‌شود که فقط در دسترس طبقات اقتصادی بالا قرار دارد، گفت: بنابراین نه در حوزه مسکونی پاسخگوی نیاز طبقه متوسط و زیرمتوسط است نه در حوزه خدمات، در دسترس عموم شهروندان سود می‌افتد و چون سود در تجملات بیشتر است، ناچار به سمت لوکس‌سازی حرکت می‌کنند؛ در نتیجه در بسیاری از شهرهای ایران از جمله مشهد، مفهوم بلندمرتبه‌سازی با لوکس‌سازی مترادف شده است.

❖ **عفت رضوی** | سند یا همان طرح بلندمرتبه‌سازی شهر مشهد اکنون در دستور کار کمیسیون ماده ۵ قرار دارد و مهلت یک‌ماهه مقرر آن برای بازنگری و اصلاح به پایان رسیده و باید در این کمیسیون ارائه شود. در صورت تصویب در کمیسیون ماده ۵ استان، به کارگروه و شورای برنامه‌ریزی و به دنبال آن نیز به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رود و در صورتی که در این مراحل نیز تصویب و توسط شورای عالی شهرسازی ابلاغ شود، ملاک عمل خواهد بود. در این میان، جلسات متعددی با جامعه‌نخبگانی برگزار شد و حال باید دید نظرات جامعه‌نخبگانی تا چه حد می‌تواند این سند را متحول کند.

❖ **نظرات جامعه‌نخبگانی به‌مشاور منتقل شد** سعید شعر با ف در گفت‌وگویی با خبرنگار طوس ضمن بررسی وضعیت سند بلندمرتبه‌سازی و روند بررسی آن در کمیسیون ماده ۵، گفت: درباره اینکه جزئیات سند در کمیسیون ماده ۵ چه زمانی جمع‌بندی خواهد شد، بنده اطلاعی ندارم. نقطه نظرات بخشی از جامعه‌نخبگانی که بسیار هم دقیق و جزئی بود، به مشاوران منتقل شد. در طول این یک ماه، جلسات متعددی با حضور نمایندگان مجلس و نخبگان مختلف برگزار و اشکالات بنیادی طرح مطرح شد. اما اینکه مشاور چه بخشی از این اصلاحات را اعمال خواهد کرد و چه مواردی در کمیسیون ماده ۵ مصوب شود، هنوز مشخص نیست و من هم اطلاعی ندارم که چه اتفاقی خواهد افتاد. به نظر می‌رسد دوستان جمع‌بندی کرده‌اند که با همین پیشنهادها در اسرع وقت، در یکی دو هفته آینده، ماده ۵ سند بلندمرتبه در استان مصوب خواهد شد.

❖ **وی** در پاسخ به این پرسش که آیا بخشی از اصلاحات پیشنهادی شما نیز در این مصوبه گنجانده خواهد شد، بیان کرد: این موضوع اصلاً مشخص نیست. برخی از اصلاحات طرح، بنیادی بود، مثلاً مفهوم حق مسکن است؛ که در ذهن مشاور بود و در طرح نیز لحاظ شده بود، به هیچ وجه قابل پذیرش نبود، بخش مهمی از پهنه‌ها و محورها حذف شد و در واقع مشاور باید تغییرات اساسی در مسیر کار خود ایجاد کند. اگر این موارد مورد پذیرش قرار گیرد، ممکن است بتوانیم به صورت کلی از آن دفاع نسبی کنیم، اما اگر قرار باشد به همان مسیر قبلی برگردد یا اصلاحات به حداقل برسد، دیگر نمی‌توان دفاع کرد. باید صبر کنیم و ببینیم در خروجی ماده ۵ چه اتفاقی خواهد افتاد.

❖ **امیدواریم جلسات نخبگانی جنبه فرمایشی نداشته باشد** متخصص شهرسازی با اشاره به طرح اشکال‌های بنیادی در سند ادامه داد: انبوهی از پروژه‌ها، پهنه‌ها و محورهایی در طرح وجود داشت که به‌خاطر توافقات پیشین به مشاور تحمیل شده است؛ توافقاتی که از طریق مدیریت شهری، مالکان زمین یا پروژه‌های ساخته شده سال‌های قبل، روی یک زمین ایجاد شده بود که باید در نقشه بلندمرتبه‌سازی لحاظ می‌کرد. از پروژه‌های ساخته شده تا پلاک‌هایی که مصوبه ماده ۵ داشت و بعضاً آلبه‌های ترمیمی که خط آسمان شکل گرفته بود، ولی چند پلاک خالی وجود داشت، همه این عناوین به جز موارد قبلاً دفاع، باید از پهنه بلندمرتبه حذف می‌شد. شعر با ف با ذکر مثالی از یک پروژه در خیابان هفت تیر، بیان کرد: نه عنوان مثال، اگر برچی ۴۴ طبقه، مجوز ماده ۵ ندارد و ساخته شده، حتماً مدیریت شهری باید درباره آن پاسخگو باشد. نمی‌توان چنین پروژه‌ای را در سند بلندمرتبه‌سازی قرار داد تا تخلف‌های انجام شده سفید شوی. باید پروژه‌های دیگری که حاصل توافقات مدیریت شهری با یک سرمایه‌گذار است یا مصوبات ماده پنجی که ضرورت داشته مصوبه شورای عالی را بگیرد، ولی نگرفته و در سند گنجانده شده است؛ این موضوعات حجم بزرگی از محورها را شامل می‌شد که به لحاظ منطق شهرسازی قابل دفاع نبود و می‌تواند به صورت موردی ارسال شود و نیاز به ذکر در سند بلندمرتبه‌سازی ندارد. در نهایت، امیدواریم مباحث مطرح شده در مصوبه نهایی ماده ۵ مورد توجه قرار گیرد و این جلسات تنها جنبه فرمایشی نداشته باشد.

❖ **افزایش بهره‌وری زمین شهری باید به شکل‌گیری شهر فشرده بینجامد** یک مشاور توسعه شهری نیز با بیان اینکه زمین شهری یکی از ارژش‌مندترین منابع طبیعی است، گفت: برخلاف تصور رایج، زمین در شهر نه یک کالای صرفاً اقتصادی، بلکه منبع طبیعی محدود و همچنین دستاویزی برای توسعه است. توسعه پروژه در زمین شهری، مانند استفاده از هر منبع دیگری، باید با معیار بهره‌وری و شاخص تولید فضا در زمین، سنجیده شود. یعنی در هر قطعه از زمین شهری، باید توسعه پروژه تا نهایت پالای امکان پذیر، برنامه‌ریزی و انجام شود و محدودت‌های فضاپیما‌ی به‌جای تعیین

❖ **عقب‌سازندگی فناوری ساختوساز؛ یکی از ریشه‌های نابرابری فضایی** وی با بیان اینکه بلندمرتبه‌سازی در اصل به معنای تولید فضای بیشتر در عرصه کمتر است، اما در عمل، محصول تولید شده آن قدر گران تمام می‌شود که فقط در دسترس طبقات اقتصادی بالا قرار دارد، گفت: بنابراین نه در حوزه مسکونی پاسخگوی نیاز طبقه متوسط و زیرمتوسط است نه در حوزه خدمات، در دسترس عموم شهروندان سود می‌افتد و چون سود در تجملات بیشتر است، ناچار به سمت لوکس‌سازی حرکت می‌کنند؛ در نتیجه در بسیاری از شهرهای ایران از جمله مشهد، مفهوم بلندمرتبه‌سازی با لوکس‌سازی مترادف شده است.

❖ **ثبت برند ملی زعفران ایران، در مراحل پایانی** سیامک اسلامی، رئیس اداره مالکیت معنوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در دومین جشنواره روز ملی زعفران، گفت: علامت تأییدی یا پشتوانه حاکمیتی برای تضمین اصالت زعفران ایرانی طراحی شده و این محصول به‌زودی با حمایت سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) در سطح بین‌المللی ثبت خواهد شد. با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری، پروژه برندسازی زعفران ایرانی آغاز شد و اکنون در مراحل پایانی ثبت برند ملی قرار دارد. علامت جمعی «زعفران خراسان» با پسوند «ایران» برای ثبت بین‌المللی در نظر گرفته شده است. این علامت به نام جوامع محلی ثبت می‌شود. اندرو مایکل آنگ، مدیر بخش آسیا و اقیانوسیه سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) نیز در ارتباطی برخط با این همایش، بیان کرد: ما در واپوه همواره خواستار آن بوده‌ایم که زعفران ایران از یک محصول محلی به یک برند جهانی تبدیل شود. ما می‌توانیم با سامانه‌های فروش الکترونیک را برای عرضه برخط زعفران ایرانی تقویت کنیم. فتاحی فر، مدیرکل دفتر امور گلخانه، گیاهان زینتی و قارچ خوراکی وزارت جهاد کشاورزی نیز با تأکید بر ضرورت رعایت استانداردهای جهانی، تولید، اظهار کرد: با بهره‌گیری از ظرفیت نمایندگی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فاو) در ایران، پروژه مشترکی در زمینه زعفران آغاز شده است. نماینده فاو در ایران نیز به تازگی از مزارع زعفران خراسان رضوی بازدید کرده و آثار امسال دوره آموزشی پنج‌روزه‌ای برای فعالان و صادرکنندگان این حوزه برگزار خواهد شد.

❖ **عبور شهرستان کلات از تابستان ۱۴۰۴ با قطع سه انشعاب بزرگ غیرمجاز** مدیر امور آب و فاضلاب کلات با اشاره به شناسایی ۳۷ فقره انشعاب غیرمجاز در شهرستان در سال جاری، گفت: قطع سه فقره انشعاب بزرگ منجر به گذر شهرستان کلات از یک مصرف تابستان ۱۴۰۴ شد. سعید سخاوت‌منش افزود: با قطع و جمع‌آوری یکی از این انشعاب‌ها، مخازن ذخیره آب شهر کلات در تابستان امسال با وجود قطع برق و گرمی شدید هوا دچار کاهش ارتفاع نشد. وی عنوان کرد: برپنده فرد متخلف که از این انشعاب حدود پنج سال برای آبیاری ۲۵۰ اصله درخت و کاشت ۲ هزار مترمربع محصول پنبه و تخانه‌باغ استفاده می‌کرده دلیل عدم پرداخت ۵۴/۴ میلیارد ریال، مصرف آب و جریمه به‌دستگاه قضا ارجاع شد. سخاوت‌منش مورد دیگر را اتصال انشعاب غیرمجاز به طول ۳۰۰ متر از مخزن تأمین آب روستای قلعه‌نو عنوان کرد که پس از انتقال به استخری به عمق ۴ متر برای استفاده فضای سبز به‌کار گرفته شده بود. مدیر امور آب و فاضلاب کلات انشعاب سوم را مربوط به بخش زوین دانست که عامل تخلف با نصب ۱۰۰ متر انشعاب پشت کنترلی اقدام به آبیاری ۴ هزار مترمربع فضای باقی و شرب دام می‌کرد.

نایب رئیس انجمن جنگلبانی ایران در گفت‌وگو با قدس:

نفس جنگل‌ها به شماره افتاد

در دوده گذشته افزون بر ۱/۵ میلیون هکتار از جنگل‌های کشور از بین رفته است



از سال ۱۳۸۸ تا کنون حدود ۱/۵ میلیون هکتار از پوشش جنگلی طبیعی کشور کاهش یافته و اکنون فقط حدود ۱۱ میلیون هکتار از جنگل‌های طبیعی باقی‌مانده است

اعظم طهرانی یکی از اصلی‌ترین علل کاهش سطح جنگل‌های ایران، فعالیت‌های انسانی است. گسترش کشاورزی و ایجاد زمین‌های زراعی یکی از عوامل عمده‌ای است که منجر به تخریب جنگل‌ها می‌شود. بر اساس داده‌های موجود، حدود ۲۵ درصد از جنگل‌های ایران به دلیل تبدیل به زمین‌های کشاورزی یا ساخت و ساز از دست رفته‌اند. این فرایند اغلب به دلیل رعایت نکردن استانداردهای محیط زیستی و استفاده ناپایدار از منابع طبیعی صورت می‌گیرد. علاوه بر این، جنگل‌زدایی‌ها نیز در برخی مناطق به شدت افزایش یافته است و تخریب جنگل‌ها در این مناطق عمدتاً به دلیل نیاز به چوب و سوخت به ویژه در مناطق روستایی صورت می‌گیرد.

عامل دیگری که به کاهش مساحت جنگل‌ها دامن زده، آتش‌سوزی‌های گسترده در مناطق جنگلی است. این آتش‌سوزی‌ها که به طور معمول ناشی از بی‌احتیاطی انسان‌ها یا تغییرات اقلیمی هستند، به طور مداوم جنگل‌ها را در معرض تهدید قرار می‌دهند. در سال‌های اخیر، ایران شاهد آتش‌سوزی‌های وسیعی در جنگل‌های شمالی کشور بوده که خسارت‌های زیادی به این اکوسیستم‌ها وارد کرده است. به طور خاص، در سال ۱۳۹۹ آتش‌سوزی در جنگل‌های شمال ایران موجب از بین رفتن هزاران هکتار از اراضی جنگلی شد.

تغییرات اقلیمی نیز یکی از عوامل مهم در کاهش پوشش جنگلی در ایران است. تغییر الگوهای بارندگی و افزایش دما که به دلیل پدیده‌های جهانی تغییرات اقلیمی رخ می‌دهد، تأثیرات شایان توجهی بر اکوسیستم‌های جنگلی کشور دارند. این تغییرات می‌تواند به کاهش رشد درختان، افزایش خشکسالی‌ها و تغییر ترکیب گونه‌های گیاهی منجر شوند.

ضعف مدیریت، عامل جدی تخریب

معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست در پاسخ به این پرسش که تغییرات اقلیمی همچون افزایش دما، کاهش بارندگی و ریزگردها چه تأثیری بر جنگل‌های شمالی و غربی کشور دارد، به ما می‌گوید: تغییرات اقلیمی در سراسر جهان وجود دارد و این روند روز به روز شتاب بیشتری گرفته است. نکته مهم این است که اثرات تغییر اقلیم در مناطق مختلف، متفاوت ظاهر می‌شود؛ بعضی از نواحی مستعد تأثیرپذیری بیشتری هستند و برخی مقاومت بیشتری دارند. در کشور ما نیز شاهد تغییرات چشمگیری از جمله کاهش شدید بارندگی و همچنین افزایش میانگین دما - تا حدود ۳ درجه

کشور رسیده است. هر چند جنگل‌های شمال مقاومت بیشتری دارند، اما ساخت و سازهای شهری، ویلاسازی، جاده‌سازی و تغییر کاربری‌های شدید، اکوسیستم را تکه‌تکه کرده و وابستگی آن به شرایط اقلیمی را افزایش داده است.

ناپایداری یخچال‌های باستانی

وی ادامه می‌دهد: از دیگر نشانه‌های نگران‌کننده تغییرات اقلیمی، از بین رفتن یخچال‌های باستانی در ارتفاعات شمال کشور است؛ این پدیده موجب شده رودخانه‌ها از حالت دائمی به فصلی تبدیل شوند و چشمه‌ها پیش از زمان معمول خشک شوند، یعنی خشکی از ارتفاعات بالا آغاز شده و سپس بر جنگل‌ها و بخش‌های پایین‌دست تأثیر می‌گذارد و در نهایت همین دست‌کاری‌ها و بهره‌برداری‌های بی‌رویه موجب شده‌توان ترمیم طبیعی اکوسیستم از بین برو و آسیب‌پذیری در برابر تغییر اقلیم افزایش یابد.

به گفته معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست نمونه‌ای از این اثرات که اکنون در مناطق شهری هم دیده می‌شود، شکوفه دادن زودهنگام درختان در شهرهای مختلف است؛ درختانی که با شروع فصل پاییز-اوایل مهر شکوفه‌ده‌اند و این نشانه‌های روشن از تغییرات آب‌وهوایی غیرطبیعی محسوب می‌شود.

دکتر کیادلیری اضافه می‌کند: برخی نشانه‌های تغییر اقلیم در کشور کاملاً مشهود است، از جمله جابه‌جایی فصل‌ها که موجب می‌شود سرمای زمستان در پاییز یا گرمای بهار در زمستان ظاهر شود. این پدیده گیاهان و درختان را غافلگیر می‌کند؛ زیرا بسیاری از درختان زمانی جوانه می‌زنند که هنوز خطر سرمازدگی وجود دارد و این موضوع موجب نابودی شکوفه‌ها و کاهش تولید گیاهان می‌شود.

پیامدهای متعدد تغییر اقلیم

وی ادامه می‌دهد: از دیگر پیامدهای تغییر اقلیم، بی‌نظمی در بارش‌هاست. باران‌های سیل‌آسا جایگزین بارش‌های منظم شده‌اند؛ در حالی که ممکن است مجموع حجم باران سالانه برابر یا سال‌های طبیعی باشد اما به دلیل توزیع نامتوازن، خسارت‌های سیل افزایش می‌یابد. همچنین در زمستان‌ها به جای برف، باران می‌بارد که خود موجب یخ‌زدگی خاک پای درختان

طی ۵۰ سال اخیر- بوده‌ایم که این اعداد بسیار قابل توجه‌اند و نشان می‌دهند شاخص‌های اقلیمی دچار تغییر محسوس شده‌اند.



هادی کیادلیری می‌افزاید: شاید در کوتاه‌مدت نتوان از وقوع تغییر اقلیم پیشگیری کرد، اما می‌توان اقدام‌هایی انجام داد تا اثرات آن کاهش یابد.

با این حال، نوع مدیریت ما در جنگل‌ها و شیوه بهره‌برداری از منابع طبیعی به تخریب شدید منجر شده است. دخالت‌های انسانی، چه از سوی مردم به دلیل وابستگی معیشتی و چه از سوی دولت‌ها به علت بهره‌برداری بیش از حد، اکوسیستم‌های جنگلی را آسیب‌پذیرتر کرده است. در نتیجه جنگل‌های زاگرس امروز با پدیده‌ای به نام زوال یا «دکلاین» مواجه‌اند و نشانه‌های بیابانی شدن در این مناطق مشاهده می‌شود. گونه‌های گیاهی و جانوری تغییر کرده و شرایط «ضد جنگل» به وجود آمده است. این همان روندی است که از حدود سال ۱۳۸۷ هشدار آن داده شده بود.

تبدیل چالش به «برجالتش»

نایب رئیس انجمن جنگلبانی ایران با بیان اینکه در حال حاضر تغییر اقلیم بر مجموعه‌ای از چالش‌های موجود افزوده شده و اوضاع را بحرانی‌تر کرده است، ادامه می‌دهد: اکوسیستم‌های طبیعی زمانی که دست نخورده‌اند، می‌توانند در برابر آشفتگی‌های طبیعی مانند طوفان یا آتش‌سوزی جزئی مقاومت و خود را ترمیم کنند، اما وقتی دخالت انسان بیش از حد شود، این امکان ترمیم از اکوسیستم گرفته می‌شود و ظرفیت آن برای تعادل از بین می‌رود. در چنین شرایطی اگر عامل خارجی مانند تغییر اقلیم وارد شود، چالش‌های موجود به «ابرچالش» تبدیل می‌شوند و اکوسیستم‌توان مقابله خود را از دست می‌دهد و این همان وضعیت فروپاشی است که اکنون در زاگرس مشاهده می‌کنیم و شمال کشور نیز در مسیر مشابهی قرار دارد.

دکتر کیادلیری می‌افزاید: اگرچه در شمال ایران، وضعیت بهتر است اما نشانه‌های آسیب اقلیمی دیده می‌شود. به طوری که طوفان‌ها و بیماری‌هایی مشابه زاگرس در جنگل‌های گلستان و شرق مازندران مشاهده می‌شوند و بیماری زغالی که حدود ۲ میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس را آلوده کرده بود، اکنون به شمال

زحمتکش می‌بینید

عمومی

۱. نرمة جامدات- سنگ‌ز- پول اول کاسبی را گویند ۲. آزاد- شل کردن سرکیسه- مهتر ۳. خوب و خوش- بیماری مسری مرگامرگی- شغل ۴. مخترع ماشین بخار ۴. احسن- بلندی مرتبه- ضمیر اشاره به جمعی دور ۵. بالا آمدن آب دریا- طایفه کم‌حرف- نرمی- تیر پیکان‌دار ۶. بر جوانان عیب نیست - پدر زنجان- از شریان‌های دوگانه عراق ۷. ابزار صید- خمیر بتونه- ایر زمینی- امان دادن ۸. کنایه از فرد تحت تکفل است - روستایی از توابع میان ولایت حومه مشهد ۹. آشکار شده - ناشنوا- نپذیرفتن ۱۰. شاهکار جاودانه شکسپیر - حشره خون خوار - فصل شکوفایی ۱۱. علامت مغفول بی‌واسطه - خطایی در ورزش فوتبال- ضمیر بی‌حضور - زدن پنهان‌گیر ۱۲. آتش‌خانه حمام‌های قدیمی - به دریا می‌ریزد - یک دسته یا

گزارش خبری

تنور شایعه کمبود نان در همدان داغ است



دست کشیدن از پخت نان به دلیل کمبود و اتمام سهمیه آرد و همچنین تعطیلی برخی از نانواهای ها از جمله شهرک بهشتی و یا شکریه یکی از شایع‌ترین اعتراض‌های مردمی در فضای مجازی است که رئیس اتحادیه نانوایان همدان این موضوع را کذب دانسته و نسبت به آن واکنش نشان داده است.

رئیس اتحادیه نانوایان همدان با اشاره به مطالب منتشره در فضای مجازی مبنی بر تعطیلی برخی از نانواهای همدان به دلیل نبود آرد، تصریح کرد: این مطالب صحت نداشته و هیچ گونه کمبودی در آرد استان همدان نداریم. ابوذر گل محمدی اظهار کرد: واحدهای نانوایی طبق روال در حال فعالیت بوده و موظف‌اند از رأس ساعت ۶:۳۰ صبح نان را در اختیار مشتری بگذارند.

وی به ایستا گفت: سهمیه ماهیانه آرد استان همدان ۱۴ هزار و ۵۰۰ تن بوده که در چهار یا پنج سال گذشته این سهمیه هیچ تغییری نداشته و ماهیانه به صورت مرتب این سهمیه را دریافت کرده است.

گل محمدی با اشاره به اینکه سهمیه آرد نانوایان در پستر سامانه «ناتی‌نو» در اختیار نانوایان قرار می‌گیرد، خاطرنشان کرد: اگر هر واحد نانوایی به هر دلیلی آیم‌های مختلف از جمله ساعات کار، ترانکشن و موارد دیگر را طبق سامانه رعایت نکند خواه ناخواه سهمیه آن واحد کسر و سهمیه آن به سایر نانوایی‌ها اضافه می‌شود و برعکس اگر واحد نانوایی تمامی آیم‌های درخواستی را طبق سامانه رعایت کند به طور قطع تشویق شده و به سهمیه واحد به صورت هوشمند اضافه می‌شود.

وی با اشاره به علت تعطیلی دو واحد نانوایی در شهرک بهشتی و شکریه همدان گفت: واحد نانوایی مورد نظر در شکریه به صورت استیجاری بوده و در حال حاضر مالک نانوایی به دلیل عدم تمدید صاحب ملک به دنبال مکان مناسب دیگر برای راه‌اندازی واحد نانوایی خود است.

گل محمدی بیان کرد: فعلاً تا زمان راه‌اندازی مجدد این واحد در مکان جدید تصمیم گرفته شد سهمیه آرد این نانوایی بین سه واحد نانوایی در حال فعالیت شکریه و هنرستان تقسیم شود ضمن اینکه از این سه نانوایی درخواست کردیم ساعت کار خود را بیشتر کنند.

وی همچنین با اشاره به فعالیت ۱۲ واحد نانوایی در شهرک شهید بهشتی همدان، اظهار کرد: در این منطقه همدان نیز یک واحد نانوایی مستأجر داریم که حساب‌های این نانوایی به دلیل پدیده‌ی به سازمان تأمین اجتماعی مسدود شده و نمی‌تواند آرد خرید کند و باید ابتدا مشکل خود را با تأمین اجتماعی حل کند.

گل محمدی با بیان اینکه تا مرتفع شدن مشکل این واحد نیز فعلاً سهمیه این نانوایی را به سنگگی‌های این منطقه دادیم که پخت داشته باشند، افزود: آرد شهرک بهشتی نسبت به جمعیت کم نشده و اتفاقی نیفتاده است، تنها سهمیه آرد نانوایی مورد نظر تا مرتفع شدن مشکل آن بین سنگگی‌های این منطقه تقسیم شده است.

شایعه آرد ۷۰۰ هزار تومانی

وی با تأکید بر اینکه واحدهای نانوایی موظف هستند سهمیه ماهیانه آرد خود را تا پایان هر ماه پخت کنند، اظهار کرد: در فضای مجازی به آرد ۷۰۰ هزار تومانی اشاره شده که چنین چیزی صحت نداشته و آرد ۷۰۰ هزار تومانی نداریم.

گل محمدی گفت: برای واحدهای نانوایی تنها دو نوع آرد پازانه‌ای و آزادپز معروف به صنف و صنعت در کشور داریم که آرد پازانه‌ای به قیمت ۵۰ هزار تومان و آرد صنف و صنعت هر کیسه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است. رئیس اتحادیه نانوایان همدان با اشاره به هزار و ۸۶۰ واحد نانوایی در استان همدان، خاطرنشان کرد: از این تعداد حدود ۵۶۵ واحد شامل ۲۹۶ واحد لواش، ۱۷۶ واحد سنگگی، ۶۷ واحد بربری، ۱۱ واحد تاقون و ۱۱ واحد گردپزی به شهرستان همدان اختصاص دارد.

و بروز خشکی زمستانی می‌شود، زیرا برف به‌عنوان عایق طبیعی مانع یخ‌زدگی ریشه‌هاست.

نایب رئیس انجمن جنگلبانی ایران خاطرنشان می‌کند: افزایش دما موجب مهاجرت گیاهان به ارتفاعات بالاتر می‌شود. به طور معمول هر ۱۰۰ متر ارتفاع، دما حدود یک درجه کاهش می‌یابد و وقتی زمین گرم‌تر می‌شود، گیاهان برای بقا به نواحی سردتر و مرتفع‌تر می‌روند. اما در قله کوه‌ها سطح اشغال کمتر است و زیستگاه‌ها محدودتر شده، در نتیجه برخی گونه‌ها حذف می‌شوند. این تغییر موجب طغیان آفات و بیماری‌ها می‌شود؛ زیرا درختان ضعیف‌تر شده و قارچ‌ها و حشرات به سرعت رشد می‌کنند. در مناطق شهری نیز دو علت اصلی برای مرگ و زوال درختان وجود دارد؛ نخست کاشت درخت در مناطق نامناسب - به لحاظ اکولوژیکی - و دوم تغییر شرایط طبیعی زیستگاه‌ها توسط انسان به ویژه در جنگل‌های طبیعی.

کاهش شدید پوشش جنگلی

دکتر کیادلیری می‌افزاید: جنگل‌ها افزون بر تولید چوب، خدمات مهمی برای محیط زیست فراهم می‌کنند که شامل پیشگیری از سیل و فرسایش خاک است. اما کاهش رشد درختان موجب کاهش میزان جذب کربن و از بین رفتن گونه‌های بومی می‌شود که زنجیره‌ای از موجودات وابسته به آن‌ها را نیز تهدید می‌کند.

به گفته او، پوشش جنگلی طبیعی کشور طی ۱۶ سال اخیر - از سال ۱۳۸۸ تا کنون- حدود ۱/۵ میلیون هکتار کاهش یافته و اکنون فقط حدود ۱۱ میلیون هکتار از جنگل‌های طبیعی باقی مانده است. این کاهش، خطر بیابان‌زایی و شکندگی خاک ایران را به طور جدی افزایش داده است.

همدستی تغییر اقلیم با دخالت‌های انسانی

این عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در پاسخ به این پرسش که تغییرات اقلیمی چه حجمی از جنگل‌ها را نابود کرده و آیا سهم تغییرات اقلیمی در نابودی جنگل‌ها بیشتر از انسان‌هاست، اظهار می‌کند: تغییر اقلیم و دخالت‌های انسانی دو عامل اصلی زوال جنگل‌ها محسوب می‌شوند که این دو عامل در هم تنیده‌اند و نمی‌توان سهم دقیق هر کدام را جدا کرد.

کیادلیری ادامه می‌دهد: دخالت‌های انسانی - از جمله کشاورزی، دام‌داری، گردشگری بی‌قاعده و ویلاسازی در جنگل‌ها - محیط را مستعد تخریب و تغییرات اقلیمی این روند را تشدید کرده است. بنابراین، زوال جنگل‌ها نتیجه ترکیب این دو عامل و ضعف در مدیریت اکولوژیک کشور است.

۵۰ سال انتظار برای پایداری جنگل

وی در خصوص تأثیر اجرای طرح «تنفس جنگل» بر احیای جنگل‌های شمال می‌گوید: طرح تنفس جنگل طرحی مؤثر بوده، زیرا این طرح موجب کاهش بهره‌برداری و افزایش آگاهی عمومی شده است. مردم و دولت اکنون حساس‌تر شده‌اند و برداشت چوب از جنگل، غیرقانونی محسوب می‌شود، اما نباید تصور کرد رها کردن جنگل به معنی احیای آن است؛ بلکه جنگل‌ها نیاز به مدیریت فعال و علمی دارند. متأسفانه برخی از مدیران به دلیل ناآگاهی یا ضعف تخصص، از انجام اقدام‌های حمایتی خودداری کرده و موجب رکود در احیای اکوسیستم شده‌اند.

کیادلیری ادامه می‌دهد: احیای علمی جنگل باید با گونه‌های بومی و با مشارکت مردمی انجام شود و وابستگی اقتصادی مردم مناطق جنگلی به جنگل باید کاهش یابد. او تأکید می‌کند: مردم فقیر محیط زیست را نابود نمی‌کنند، بلکه فقر و نبود اشتغال آنان را مجبور می‌کند از منابع طبیعی سوءاستفاده کنند.

بنابراین برای احیای واقعی، باید ابتدا اقتصاد محلی را تقویت و سپس بازسازی را آغاز کرد. با این شرایط، دست‌کم طی ۱۰ سال می‌توان اثرات مثبت در اکوسیستم را مشاهده کرد و مدت ۵۰ سال به بازگشت پایدار جنگل امیدوار بود، البته مشروط به وجود اراده ملی و تغییر نگاه بنیادین به طبیعت.

کیادلیری بیان می‌کند: جنگل‌ها فقط منبع چوب نیستند؛ بلکه اساس حیات، تنوع زیستی و تنظیم اقلیم کشورند. حفظ آن‌ها مستلزم آگاهی، مدیریت علمی و مشارکت مردم است و بدون تغییر نگرش به طبیعت، تلاش‌ها صرفاً در حد تزئین امور باقی خواهد ماند.

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

گروه مردم ۱۳، خورشید - باتری - رنگ و فام - بازی ۱۴، درخت پرشاخ و برگ جنگلی - نرمی رفتار - قدم یک پا ۱۵، چاه جهنده - فوری - آزاد شدن

حل جدول شماره قبل

